

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



دریافت برنامه ریزی و مشاوره

از مشاوران رتبه برتر

هوشه کنکوری آیدی نوین

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۴



۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

داخل کشور

ویژه نظام آموزشی ۲-۳-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی تجربی
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان و ادبیات فارسی

۱- معنی واژه‌های «زهی - صاحب‌دل - جفا - مرحمت» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) ترسی که کسی نیز دل من برباید کس دل نرباید به ستم چون تو ربایی
(ب) در نابسته احسان گشاده است به هر کس آن چه می‌بایست داده است
(ج) دعا کرد بسیار و کرد آفرین فراوان بمالید رخ بر زمین
(د) چو هنگام برگشتن شاه بود پدر زان سخن خود کی آگاه بود
- (۱) ب - الف - د - ج (۲) ب - د - الف - ج
(۳) ج - الف - د - ب (۴) ج - د - الف - ب

۲- کدام گزینه، پاسخ مناسبی برای معانی تعداد بیشتری از واژه‌های زیر است؟

«ممت، صحیفه، ابدیت، روایی، محظوظ، شگرف، آخته»

- (۱) چاره، کرانه، ارزش، شکر (۲) نیرومند، پابندگی، اعتبار، ارزش
(۳) امکان، ساختگی، مانع، جاودانگی (۴) نیرومند، بی‌کرانگی، اعتبار، نیکویی

۳- معنی چند واژه «غلط» است؟

(مستعجل: زودگذر) (تعبیر: عبرت‌آموزی) (بن: پسته وحشی) (کی: پادشاه) (هیون: شتر قوی‌هیکل) (اسرا: بالابردن) (جزاره: عقرب زرد)
(زخمه: ضربه‌زننده) (سعد: خوشبختی)

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۴- املاي کدام عبارت «کاملاً» درست است؟

- (۱) از این نمط در حال خشم شیر می‌گفتند تا کراحیتی به دل او راه یافت.
(۲) مودت او از وصلت تو عوض می‌شمرد و آتش فراغ تو را به آب وصال او تسکینی می‌دهد.
(۳) هر کس در میدان بیان به اندازه مجال خود قدمی گزاردده‌اند؛ لکن مراد تقریر حکایت بوده است.
(۴) هر گناه که از عمد و قصد منزّه باشد ذات هوا و اخلاص را مجروح نگرداند و در عقوبت آن مبالغت ننشاید.

۵- در متنی زیر چند «غلط املايي» وجود دارد؟

«در آن خلوت غریب به ناگاه طنین پرمهابت صدایش خاموش شد ناگهان مکثی کرد، گویی مغلب شده باشد. صدایش با درماندگی و زجه همراه شد و من دیگر آثاری از توجیح و تصنع در کلامش ندیدم.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۶- در کدام گزینه‌ها «غلط املايي» وجود دارد؟

- (الف) تا برسیدم شبی از شب‌های غربت بدان دیار و تربت که مقصد بود و فرود آمدم به کاروانسرای که نزول غربا معهود بود.
(ب) کار تو همین مزاج دارد و هرگز پند نپذیری و وعظ ناصحان در گوش نگذاری و هر آینه در سر این استبداد و اسرار شوی.
(ج) پادشاه موفق آن است که کارهای او به ایتار ثواب نزدیک باشد. نه کسی را به حاجت تربیت کند و نه از بیم عقوبت روا دارد.
(د) از شدت و حدت و سورت پادشاهان بر حذر باید بودن که غالب همت ایشان به معظمت امور مملکت متعلق باشد.

- (۱) الف - ب (۲) ب - ج (۳) ب - د (۴) ج - د

۷- هر یک از عبارات زیر، به ترتیب، از چه کتابی نقل شده است؟

- (الف) مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.
(ب) تا در تحصیل فضل و ادب، رغبتی صادق نباشد، این منزلت نتوان یافت.
- (۱) بهارستان، کليلة و دمنه (۲) گلستان، روضة خلد
(۳) اسرارالتوحید، تاریخ بیهقی (۴) فیه ما فیه، جوامع‌الحکایات

۸- آرایه‌های «ایهام، استعاره و جناس تام» تماماً در کدام بیت آمده است؟

- (۱) نافه مشک ختن گر زان که می‌خیزد ز چین زلف را بفشان که صد چین در شکنج موی توس
(۲) مستم آن دم که بمیرم به سر خاک برید تا سر از خاک برآرم به قیامت سرمست
(۳) مستی به چشم شاهد دلبد ما خوش است زان روی سپرده‌اند به مستی زمام ما
(۴) دیدم و آن چشم دل‌سیه که تو داری جانب هیچ آشنا نگاه ندارد

۹- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است، به جز:

- (۱) اگر بر نرگس اندازی نظر نرگس شود ناظر
(۲) بوسیدن از جام لبش گر نیست روزی کاشکی
(۳) آفتاب از عکس شمشیر تو می‌گیرد فروغ
(۴) به مجلسی که زبان‌آوری کند قلمت
- وگر با سوسن آغازی سخن سوسن شود گویا (ایهام، استعاره)
چون جرعه افتادی که من خاک درش بوسیدمی (ایهام، مجاز)
آسمان از بار احسان تو می‌گردد دوتا (تشبیه، اغراق)
به کام درکشد آتش زبان دعوی را (مجاز، استعاره)

۱۰- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «ثرک آهو چشمم ای آهو چشمت شیرگیر
(۱) استعاره، اغراق، کنایه، ایهام
(۳) جناس ناقص، تشبیه، استعاره، مجاز
- صید آهو توام بر صید خویش آهو مگیر»
(۲) استعاره، تشبیه، جناس تام، کنایه
(۴) تشبیه، جناس ناقص، اغراق، ایهام

۱۱- بیت زیر «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

- «پیش لب ضحاک تو بس فتنه و آشوب
(۱) استعاره، کنایه
(۳) مجاز، ایهام
- کز مار سر زلف تو در ملک جم افتد»
(۲) جناس، تشبیه
(۴) تلمیح، ایهام

۱۲- در جملات کدام ابیات «هم شیوه بلاغی و هم شیوه عادی» مشاهده می‌شود؟

- الف) نیست جانم محرم اسرار عشق
ب) از عمر ذوق دیدم وقتی که با تو بودم
ج) جانا هزاران آفرین بر جانت از سر تا قدم
د) ای تو با جمله و تنها ز منی فی‌الجمله
ه) سیاوش سیه را به تندی بتاخت
- هر که را در جان غم جانانه نیست
ذوقی چنان ندارد بی‌دوست زندگانی
صانع خدایی کاین وجود آورد بیرون از عدم
نور چشم منی و جان دل تنهایی
نشد تنگدل جنگ آتش بساخت
- (۱) الف - ب - ه
(۲) ب - ج - ه
(۳) ب - د - ه
(۴) ج - د - ه

۱۳- در کدام بیت، حذف فعل به قرینه معنوی و جمله اسنادی مشهود است؟

- (۱) پیاله از تو نگیرم بیار می ساقی
(۲) به راه عشق که از هر غمی گریزی نیست
(۳) به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست
(۴) یوسف حسن تو را ای جان هزاران مشتری است
- که در سرای مغان جای خرده‌گیری نیست
هزار شکر که ما را غم فقیری نیست
که مونس دم صبحم دعای دولت توست
چون الهی عاشق مفلس در این بازار نیست

۱۴- صفت‌های «فاعلی - مفعولی - نسبی - لیاقت» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- الف) خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد
ب) جلوه کند چو قامتش زیر قباب زرفشان
ج) تا عهد تو دربستم عهد همه بشکستم
د) به عصیان سراپای آلوده‌ام
- عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد
ما و به جلوه‌گاه او جامه جان دریدنی
بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها
سراپا ز آلودگی پاک کن
- (۱) ب - ج - الف - د
(۲) ب - د - ج - الف
(۳) ج - الف - د - ب
(۴) ج - د - الف - ب

۱۵- همه موارد در رباعی زیر «کاملاً» یافت می‌شود، به جز:

- «ای نسخه نامۀ الهی، که تویی
بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست
(۱) مترادف واژه «رقعه» و یک واژه دوتلفظی در سروده یافت می‌شود.
(۳) ابیات دارای سه متمم و دو منادای محذوف است.
- وی آینه جمال شاهی، که تویی
در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی»
(۲) دو ترکیب اضافی و دو صفت نسبی در ابیات وجود دارد.
(۴) ابیات «فاقد» نقش تبعی و دارای مسند هستند.

۱۶- نقش واژه‌های مشخص‌شده به ترتیب، در ابیات زیر کدام است؟

- «به روز مرگ چو تابوت من روان باشد
برای من مگری و مگو دریغ! دریغ!
(۱) نهاد، مضاف‌الیه، متمم، مسند
(۳) نهاد، مضاف‌الیه، مفعول، نهاد
- گمان میر که مرا درد این جهان باشد
به دام دیو درافتی دریغ آن باشد»
(۲) متمم، مفعول، متمم، نهاد
(۴) نهاد، مضاف‌الیه، مفعول، مسند

۱۷- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- ۱) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
- ۲) تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي
- ۳) از خاصگان دمي است مرا سر به مهر عشق
- ۴) آشنای حرمی بوده‌ام از جذبۀ عشق

۱۸- مفهوم مقابل کدام بیت «غلط» است؟

- ۱) خون در تلاش جامۀ الوان نمی‌خورم
- ۲) می‌تواند حلقه بر در زد حریم حسن را
- ۳) آن که چون یوسف به نقد جان خریدارش شدم
- ۴) کمند جذبۀ خورشید اگر رحمت نفرماید

۱۹- مفهوم کدام بیت، یادآور بیت زیر است؟

- «بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت
- ۱) سر به خاک آورد امروز آن که افسر داشت دی
 - ۲) تا گشودم دیده روشن در این ظلمت‌سرا
 - ۳) عمر شیرازۀ گل‌های چمن ده روزه است
 - ۴) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع

۲۰- کدام بیت با بیت زیر، تقابل مفهومی دارد؟

- «جهد بر توست و بر خدا توفیق
- ۱) پس زانو منشین و غم بیهوده مخور
 - ۲) رفته چون مور از قناعت پای سعی من به گنج
 - ۳) جویای توست خوشۀ گندم به صد زبان
 - ۴) چه در کار و چه در کار آزمودن

۲۱- کدام بیت «فاقد» مفهوم عبارت زیر است؟

- «سودای عشق از زیر کی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید.»
- ۱) درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد
 - ۲) یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش
 - ۳) بسا نفس خردمندان که در بند هوا ماند
 - ۴) سوار عقل که باشد که پشت ننماید؟

۲۲- مفهوم کدام بیت با بیت زیر، مغایرت دارد؟

- «ز خورشید و از آب و از باد و خاک
- ۱) نکونامی از گیتی آن را سزااست
 - ۲) بگوی آن‌چه دانی سخن سودمند
 - ۳) هم از پیشه‌ها آن گزین کاندراوی
 - ۴) خنک کسی که پس از وی حدیث خیر کنند

۲۳- کدام دو بیت با یکدیگر، قرابت مفهومی دارد؟

- الف) ما را به سراپردۀ قربت که دهد راه
- ب) در چشم پاک‌بین نبود رسم امتیاز
- ج) گدایی که بر خاطرش بند نیست
- د) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را
- ه) گر گدایی کنی از درگاه او کن باری
- الف - ج
- ب - ه

مر زبان را مشتری جز گوش نیست
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش
هر جا که محرمی است دم آن‌جا برآورم
که در آن‌جا گذر محرم و بیگانه نبود

سالی بس است کعبه‌صفت یک قبا مرا (مناعت طبع)
در رگ جان هر که را چون زلف پیچ و تاب هست (تجلی معشوق)
نیست وزن برگ کاهی در ترازویش مرا (اعراض معشوق)
که چون شب‌نم از این پستی به بالا می‌برد ما را (عنایت معبود)

هم بر چراغدان شما نیز بگذرد»
تن به دوزخ برد امسال آن که گردن بود پار
خرج اشک و آه شد جسم نزارم همچو شمع
خزَم آن گل که پریشان نشود دفتر او
لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست

زان که توفیق و جهد هست رفیق»
که ز غم خوردن تو رزق نگردد کم و بیش
در تلاش مسند دست سلیمان نیستم
بر پای سعی سلسلۀ آهنین گذار
نباید جز به خود محتاج بودن

من ز عشقت با همه دردی که دارم ناگیرم
بگذار که دل حل بکند مسئله‌ها را
در آن صورت که عشق آید خردمندی کجا ماند
در آن مقام که سلطان عشق روی نمود

نگردد تبه نام و گفتار پاک»
که کردار او خوب و گفتار راست
و گر هیچ کس را نیاید پسند
ز نامش نگردد نهان آبروی
که جز حدیث نمی‌ماند از بنی‌آدم

بر صدر سلاطین نتوان یافت گدا را
در آفتاب سایۀ شاه و گدا یکی است
به از پادشاهی که خرسند نیست
سیل یکسان می‌کند پست و بلند راه را
که گدایان درش را سر سلطانی نیست



۲۴- مفهوم کدام بیت، با مفهوم کلی داستان سیاوش تناسب دارد؟

- (۱) به گلستان نروم تا تو در آغوش منی
 (۲) اگر قیمتی گوهری غم مدار
 (۳) به یزدان کند پوشش او از گناه
 (۴) برق نوروزی گر آتش می‌زند در شاخسار
- بلبل ار روی تو بیند طلب گل نکند
 که ضایع نگرداندت روزگار
 گراینده گردد به آیین و راه
 و گل افشان می‌کند در بوستان آسوده‌ایم

۲۵- مفهوم عبارت زیر با کدام بیت، قرابت دارد؟

«هنگامی که در فروتنی بزرگ باشیم، بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم.»

- (۱) خوی مهان بگیر و تواضع کن
 (۲) چون زلف بتان شکستگی عادت کن
 (۳) سهل باشد گر کنند افتادگان افتادگی
 (۴) نشکنی تا خویش را از دوست کی یابی نشان
- آن را که او به دانش والا شد
 تا صید کنی هزار دل در نفسی
 مهربانی و تواضع از بزرگان خوش‌نماست
 هست پیچیدن کلید قفل این گنجینه را

سراسری ۱۴۰۰ داخل کشور

پاسخ نامه آزمون عمومی رشته تجربی

توجه

گزاردن در معانی «ادا کردن و به جا آوردن، پرداختن، رساندن، اجرا کردن، تعبیر کردن» به کار می رود و گزاردن (گذاشتن) در معانی «قراردادن و نهادن، بنا کردن، وضع کردن، رها کردن و ترک کردن، اجازه دادن، سپردن و واگذاری، سپری کردن».

گزیده ۵-

در متن مذکور، املاهای واژه های «منقلب، زجه و توجیح» غلط است و شکل صحیح این کلمات، به ترتیب، منقلب (دگرگون و متحول)، ضجه (ناله و فریاد با صدای بلند، شیون) و توجیه است.

گزیده ۶-

در عبارت «ب»، اَسرار (جمع سرّ، رازها و رموز) وجه و تناسب معنایی با عبارت ندارد و با توجه به معنای عبارت و همراهی واژه استبداد، اِصرار صحیح و مناسب است. در عبارت «ج» نیز، صواب به معنی «صلاح و مصلحت، کار درست و پسندیده» مناسب و صحیح است و باید جایگزین ثواب (مزد و پاداش اخروی) بشود. در این سؤال، واژه های مهتی مثل غربت (دوری از شهر و خانه، تنهایی و بی کسی) و غُریبا (جمع غریب، افراد دور از وطن و تنها) در عبارت «الف» و حدّت (تندی و تیزی، شدّت)، سورت (تندی و تیزی، شدّت اثر = حدّت)، حَذَر (پرهیز و احتیاط)، غَالِب (اغلب، بیشتر) و مُعْظَمَات (کلان ها و بزرگ ها؛ معظمات امور: کارهای مهم) در عبارت «د» همگی با املاهای درستی آمده اند.

گزیده ۷-

هر دو عبارت از کتاب فارسی یازدهم انتخاب شده اند. عبارت «الف» از متن گنج حکمت درس ۱ فارسی یازدهم، از کتاب بهارستان است و عبارت «ب» از قلمرو زبانی درس ۷ همین کتاب، عبارتی از کلیله و دمنه است.

گزیده ۸-

بررسی آرایه ها در ابیات:
۱- ایهام: چین در مصراع دوم در دو معنی به کار رفته است: ۱- کشور چین ۲- پیچ و تاب
استعاره: موی معشوق به کشور و ناحیه ای تشبیه شده که صد کشور مانند چین را در خود جای داده است.
جناس تام: چین در مصراع اول (به معنای کشور) با چین در مصراع دوم (به معنای پیچ و تاب) جناس تام دارد.
۲- ایهام و استعاره ندارد. جناس تام: سر (کنار در ترکیب «سر خاک») و سر (قسمتی از بدن)
۳- ایهام: مستی در مصراع دوم در دو معنی قابل جای گذاری است: ۱- موجود مست (چشم مست یار) ۲- مست بودن

زبان و ادبیات فارسی

۱- گزیده: معنی واژه ها: زهی: آفرین (بیت ج) - صاحب دل: عارف، آگاه (بیت د) - جفا: ستم، بی وفایی (بیت الف) - مرحمت: احسان، لطف، مهربانی (بیت ب)

۲- گزیده: معنی واژه های صورت سؤال: مَتّ: سپاس، شکر، نیکویی - صحیفه: کتاب - ابدیت: جاودانگی، پابندگی، بی کرانگی - روایی: ارزش، اعتبار - محظوظ: بهره ور - شگرف: قوی، نیرومند - آخته: بیرون کشیده، برکشیده

در ۱ معنی دو واژه (مَتّ، روایی) به درستی ذکر شده است. در ۲ معانی ارائه شده برای سه واژه (ابدیت، روایی، شگرف) درست است. در ۳ معنی یک واژه (ابدیت) مناسب و صحیح است و در ۴ معانی ذکر شده برای چهار واژه (مَتّ، ابدیت، روایی، شگرف) صحیح و مناسب آمده است.

در ۱ «چاره» معنی واژه روی و «کرانه» معنای سرحد است. در ۲ «امکان» معنای درخور، «ساختگی» معنای تصنعی و «مانع» معنای محظور است.

۳- گزیده: واژه هایی که غلط معنی شده اند به همراه معنای صحیح آن ها: تعبیر: بیان کردن، شرح دادن، بازگویی - اسرا: در شب سیر کردن، هفدهمین سوره قرآن کریم - جزّاره: ویژگی نوعی عقرب زرد بسیار ستمی که دُمش روی زمین کشیده می شود. - زخمه: ضربه، ضربه زدن

توجه

جزّاره در برخی از فرهنگ لغت ها به معنی «نوعی عقرب زرد، عقرب زرد» نیز آمده است، بنابراین ۲ هم درست است؛ اما ملاک ما در معنی واژگان، کتاب درسی است که این واژه را «ویژگی نوعی عقرب زرد بسیار ستمی که ...» معنی کرده است.

۴- گزیده: غلط های املائی و شکل صحیح آن ها:

۱- کراحت ← کراهیت (ناخوشی و ناپسندی، بی میلی و اکراه، بیزاری)
۲- فراغ ← فراق (دوری، هجران)؛ با در نظر گرفتن معنی عبارت و همراهی واژه آتش و هم چنین واژه وصال، که متضاد «فراق» است، می توان املاهای صحیح و مناسب این واژه را حدس زد (آتش فراق، اضافه تشبیه ای است؛ فراق مانند آتش است). (فراق = فراغت، آسایش)
۳- گزارده اند ← گزارده اند (نهاده اند، قرار داده اند)



۱۲- گزینه ۲ در شیوه عادی، ترتیب اجزای جمله طبق فارسی معیار است؛ یعنی نهاد ابتدای جمله و فعل آخر جمله قرار می‌گیرد و بقیه اجزای جمله در فاصله بین نهاد و فعل می‌آیند. در شیوه بلاغی ترتیب اجزای جمله به هم می‌ریزد و مطابق با شیوه عادی نیست؛ مثلاً ممکن است مسند قبل از نهاد یا بعد از فعل قرار گیرد. در ابیات «ب»، «ج» و «ه» هر دو نوع جمله، به شیوه عادی و بلاغی دیده می‌شود. بررسی جملات در ابیات:

«الف»: نیست جاننش محرم اسرار عشق: نهاد و مسند بعد از فعل قرار گرفته‌اند ← شیوه بلاغی

هر که را در جان غم جانانه نیست ← در جان هر که غم جانانه نیست ← شیوه بلاغی

نهاد (غم جانانه) بعد از متمم قرار گرفته، علاوه بر این «را» ی فک اضافه مضاف و مضاف‌الیه را از هم جدا کرده است. «ب»: از عمر ذوق دیدم / وقتی که با تو بودم ← هر دو جمله به شیوه عادی‌اند.

ذوقی چنان ندارد بی دوست زندگانی: متمم و نهاد بعد از فعل قرار گرفته‌اند ← شیوه بلاغی

«ج»: جانا هزاران آفرین بر جانت از سر تا قدم [باد] ← شیوه عادی

حذف نهاد یا فعل در جمله، شیوه بیان بلاغی محسوب نمی‌شود. صانع خدایی کاین وجود آورد [به] بیرون از عدم: هر دو متمم، بعد از فعل آمده‌اند. ← شیوه بلاغی

«د»: ای [کسی که] تو با جمله [هستی] و تنها ز منی ← شیوه عادی
فی‌الجمله: نور چشم منی / و جان دل تنهایی ← شیوه عادی
«ه»: سیاهوش سیه را به تندى بتاخت ← شیوه عادی
نشد تنگ‌دل: مسند بعد از فعل قرار گرفته است. ← شیوه بلاغی
فعل مسند
جنگ آتش بساخت ← شیوه عادی

۱۳- گزینه ۲ تمام ابیات حذف فعل به قرینه معنایی دارند؛ ولی جمله اسنادی فقط در بیت ۳ دیده می‌شود. یکی از موارد حذف فعل به قرینه معنایی در جملات دعایی و سوگند است. به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست [سوگند می‌خورم]
که مونس دم صبحم دعای دولت تو است
نهاد مسند فعل اسنادی
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «ساقی» مناداست و بعد از منادا حذف فعل به قرینه معنایی داریم. / جمله اسنادی نداریم؛ «نیست» در آخر مصراع دوم اسنادی نیست و به معنای «وجود ندارد» است.
۲ بعد از «هزار شکر» فعل «می‌کنم» یا «به جای می‌آورم» به قرینه معنایی حذف شده است. / جمله اسنادی نداریم؛ «نیست» در هر دو مصراع غیراسنادی و به معنای «وجود ندارد» آمده است.
۳ بعد از هر دو منادا حذف فعل به قرینه معنایی داریم. ای جان [با تو هستم]، الهی [با تو هستم] / جمله اسنادی نداریم؛ فعل‌های «است» و «نیست» هر دو غیراسنادی‌اند.

استعاره: زمام و اختیار را به دست مستی (مست‌بودن) سپردن تشخیص و استعاره دارد.

جناس تام: مستی (مست‌بودن) در مصراع اول با مستی (یک موجود مست) در مصراع دوم جناس تام دارد.

۴ ایهام و جناس تام ندارد. / استعاره: سیه‌دل بودن و اصلاً دل‌داشتن، هم‌چنین رعایت‌نکردن جانب آشنا برای چشم تشخیص و استعاره دارد.

۹- گزینه ۱ در این گزینه ناظرشدن نرگس و گویاشدن سوسن تشخیص و استعاره دارند؛ اما بیت فاقد ایهام است. بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ ایهام: «روزی» در این بیت با دو معنی قابل قبول است:

۱- اگر بوسیدن جام لبش رزق و روزی من نیست ...

۲- اگر بوسیدن جام لبش روزی اتفاق نمی‌افتد ...

مجاز: جام در این بیت مجاز از شراب است: جام لب ← شراب لب
۳ تشبیه: در این گزینه علاوه بر این‌که به طور ضمنی و پنهانی شمشیر ممدوح به آفتاب تشبیه شده است، «بار احسان» نیز اضافه تشبیهی است. / اغراق: درخشانی آفتاب از انعکاس نور شمشیر ممدوح و خمیدگی آسمان به علت سنگینی بار احسان ممدوح است.
۴ مجاز: معنی حقیقی «کام» سقف دهان است که در این بیت مجازاً در معنی دهان به کار رفته؛ علاوه بر آن «زبان» در مصراع اول در معنی مجازی سخن است. / استعاره: «زبان‌آوری کردن قلم» و «دعوی‌داشتن آتش» هر دو تشخیص و استعاره مکنیه هستند.

۱۰- گزینه ۲ گزینه‌های ۱ و ۴ با ایهام و ۳ با مجاز رد می‌شوند.

بررسی آرایه‌های بیت براساس پیشنهاد ۲:

استعاره: «آهو» در ابتدای مصراع دوم استعاره از چشم یار است. در ضمن شیرگیر بودن چشم نیز استعاره مکنیه دارد.
تشبیه: واژه «آهوچشم» یعنی کسی که چشمانی همچون چشمان آهو دارد؛ «آهو» چشم هم اضافه تشبیهی است.
جناس تام: «آهو» در این بیت چهار دفعه به کار رفته که در سه دفعه نخست به معنی گونه‌ای حیوان است و در کاربرد چهارم به معنی عیب و ایراد است.
کنایه: «شیرگیر» کنایه از شجاع و بی‌رحم است، «صید چیزی بودن» در این بیت کنایه از نهایت شیفتگی و عاشقی است.

۱۱- گزینه ۱ بررسی آرایه‌های مندرج در سایر گزینه‌ها:

۲ جناس: سر و در / تشبیه: «مار سر زلف» اضافه تشبیهی است. علاوه بر آن، «لب ضحاک» در معنی لب همچون ضحاک نیز تشبیه دارد.

۳ مجاز: معنی حقیقی «مُلک» سرزمین است اما در این بیت مجازاً به معنی مردم سرزمین به کار رفته است. / ایهام: ضحاک: ۱- خندان ۲- نام پادشاه اسطوره‌ای در شاهنامه

۴ تلمیح: اشاره به داستان ضحاک ماردوش و جمشید در بیت آشکار است. / ایهام: ضحاک: ۱- خندان ۲- نام پادشاه اسطوره‌ای در شاهنامه



۱۴- گزینه بررسی صفت‌ها در ابیات:

- «الف»: دیرینه: صفت نسبی
 «ب»: زرفشان (زرفشاننده): صفت فاعلی / دریدنی: صفت لیاقت
 «ج»: روا: صفت فاعلی
 «د»: آلوده: صفت مفعولی / پاک: صفت مطلق
 از بین ابیات فقط بیت «ب» صفت لیاقت دارد؛ پس دو گزینه ۱ و ۲ حذف می‌شوند. گزینه‌های ۳ و ۴ به ترتیب بیت‌های «د» و «الف» را دارای صفت نسبی دانسته‌اند. پس ۳ نیز حذف می‌شود. پاسخ ۴ است.

۱۵- گزینه براساس واژه‌نامه کتاب درسی و فرهنگ‌های

معتبر «رقعه» نامه‌ای کوتاه و یادداشت‌گونه است. از طرفی واژه «آینه» به دو شکل «آینه» و «آینه» تلفظ می‌شود. بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ دو ترکیب اضافی: نسخه نامه - آینه جمال

دو صفت نسبی: الهی - شاهی

۳ سه متمم در بیت دوم وجود دارد: تو - عالم - خود

دو منادای محذوف: باید اجزای جمله را کمی مرتب کنیم:

ای [کسی] که نسخه نامه الهی تویی
 منادای مفروق

و ای [کسی] که آینه جمال شاهی تویی

منادای مفروق

۴ مسندها: نسخه نامه الهی - آینه جمال شاهی

ابیات نقش تبعی ندارند.

۱۶- گزینه

به روز مرگ چو تابوت من روان باشد

نهاد مسند

گمان مبر که مرا درد این جهان باشد ← گمان مبر که درد

من این جهان باشد

مضاف الیه

«را»، رای فک اضافه است.

توجه

این «را» در برگردان شعر می‌تواند به حرف اضافه هم بدل شود: گمان مبر که برای من درد این جهان وجود دارد. در این صورت «م» متمم می‌بود؛ ولی چون در گزینه‌ها چنین نقشی وجود ندارد مضاف‌الیه است.

برای من مگری و مگو دریغ! دریغ!

مفعول

چه چیزی را مگو؟ دریغ ← مفعول

به دام دیو درافتی دریغ آن باشد

نهاد مسند

دریغ چه باشد؟ آن ← مسند

۱۷- گزینه

مفهوم مشترک گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ این

است که جز عاشق کسی محرم اسرار عشق نیست. اما در ۴ شاعر

از محفلی سخن گفته است که هیچ محرم و بیگانه‌ای در آن حریم راه

نداشته است.

۱۸- گزینه بررسی مفهوم هر کدام از ابیات:

۱ مثل خانه کعبه برای من یک جامه در سال کافی است و برای

جامه‌های رنگارنگ خون دل نمی‌خورم = مناعت طبع

۲ تنها کسی می‌تواند به حریم حسن برسد و حلقه بر در آن بزند

که در عشق بی‌قرار و ناآرام شده باشد = تنها عاشق واقعی به درک و

وصال حسن می‌رسد (درست است که تجلی معشوق هم به نوعی در

این بیت مطرح است اما تأکید بیت بر قابلیت عاشق برای رسیدن به

حریم حسن است).

۳ آن معشوقی که به بهای دادن جان، عشق او را خریداری کردم، به

اندازه پر کاهی برای من ارزش قائل نیست = بی‌توجهی و اعراض معشوق

۴ اگر جذبه و کشش خورشید وجود معشوق (معبود) نباشد، من

که مانند شب‌نمی‌ناچیز هستم به درگاه او راه نمی‌یابم = عنایت معبود

۱۹- گزینه مفهوم مشترک بیت سؤال و ۱ حتمی بودن و

فراگیر بودن مرگ است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲ گذران عمر در غم و اندوه

۳ برتری معشوق حقیقی بر معشوق ناپایدار

۴ تنها عاشقی که بر جفای معشوق صبر کند، لایق وصال است.

۲۰- گزینه مفهوم بیت صورت سؤال از تو حرکت، از خدا برکت

است و این‌که عنایت خدا شامل حال کسی می‌شود که حرکت و تلاش

کند. مقابل این مفهوم می‌شود: بدون تلاش و حرکت به توفیق رسیدن. در

۳ شاعر می‌گوید: خوشه‌های گندم به دنبال تو هستند و رزق، خودش

را به تو می‌رساند؛ پس پای سعی و تلاش را در غل و زنجیر کن و دست

از تلاش بردار؛ در نتیجه، این بیت با بیت صورت سؤال تقابل دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ غم‌خوردن اثری در کم و زیاد شدن و کسب روزی ندارد.

۲ با قناعت به آسایش و راحتی رسیدن / مناعت طبع

۴ فقط به خود و نیروی خود تکیه کردن

۲۱- گزینه مفهوم مشترک گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ تقابل

عقل و عشق و تفوق و برتری عشق بر عقل است؛ اما در ۱ سخن از

این است که هر دردی چاره و درمان دارد به‌جز درد عشق.

۲۲- گزینه در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ همانند بیت سؤال

سخن از این است که نام و گفتار نیک ماندگار می‌ماند. در ۲ تأکید

بر این است که سخن سودمند را بگو، حتی اگر کسی گوش نکند.

۲۳- گزینه در ابیات «ب» و «د» مفهوم اصلی این است که

در عشق، شاه و گدا تفاوتی ندارند.

مفهوم سایر ابیات:

الف) خود را شایسته قربت یار ندانستن

ج) فقیر آسوده برتر از پادشاه زیاده‌خواه و ناخرسند است.

ه) گدایان کوی عشق اهمیتی به سلطنت دنیا نمی‌دهند (سلطنت

درویشان) / گدایی کردن در درگاه معشوق بی‌نیاز



رسیدن به معشوق را شکستن و کوچک کردن خود دانسته است؛ یعنی شکستن خود مقدمه رسیدن به یار است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) تواضع کردن در برابر خردمندان خوی بزرگان است.

۲) با فروتنی و تواضع، دل دیگران را به دست آوردن

۳) تواضع از افتادگان و ضعیفان چیز چشمگیری نیست، بلکه تواضع

وقت بزرگی و قدرتمندی زیباست. مفهوم بیت ۳ با عبارت سؤال متفاوت

است، چون در عبارت سؤال به تواضع کردن بزرگان اشاره‌ای نشده؛ بلکه بحث اصلی تواضع داشتن و در عین حال احساس حقارت نداشتن است.

۲۴- گزینه ۲ مفهوم اصلی درس سیاوش این بود که انسان

بی‌گناه آسیب نمی‌بیند و از آزمون سربلند بیرون می‌آید. همین مفهوم

به نوعی در ۲ تکرار شده است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) عاشق با وجود یار به باغ و گلستان توجه نمی‌کند.

۲) به درگاه خدا توبه کردن و بازگشتن به راه درست

۴) از غوغای جهان و غم و شادی آن فارغ بودن

۲۵- گزینه ۲ در شعر صورت سؤال تأکید بر این است که فروتنی

و تواضع سبب بلندمرتبی و قرب به خداوند است. در ۴ نیز شاعر شرط

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

داخل کشور

ویژه نظام آموزشی ۲-۳-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی ریاضی
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان و ادبیات فارسی

۱- معنی واژه‌های (مفتاح - نمط - اوان - برزن) به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- | | |
|---|---|
| (الف) در کوی نیکنامی ما را گذر ندادند | گر تو نمی‌پسندی تغییر کن قضا را |
| (ب) دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است | بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی |
| (ج) وقت را غنیمت دان آن‌قدر که بتوانی | حاصل از حیات ای دل یک دم است تا دانی |
| (د) تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن | که خواجه خود روش بنده‌پروری داند |
- (۱) ب - د - الف - ج (۲) ب - د - ج - الف (۳) د - ب - الف - ج (۴) ج - ب - د - الف

۲- معنی چند واژه درست است؟

(راهوار: خوش حرکت و تندرو) (بار عام: شرف‌یابی همگانی) (منکر: ناباور) (عصیان: تند و فرز) (مسحور: مفتون) (یغور: بلندقامت) (اختلاف: رفت و آمد) (خدو: گونه) (ملول: آزرده) (سو: دیده) (ارک: دژ)

- (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۳- با توجه به واژه‌های زیر معنی واژه‌های «فرد» در کدام مورد «همگی» درست است؟

«صواب، بازبسته، سریر، فرض، شرزه، تاب، معجر، ارغند»

- (۱) شکوه و عظمت، روسری، نیکویی، پرتو (۲) تخت، سربند، درست، فروغ
- (۳) تخت پادشاهی، دستار، ضروری، خشمگین (۴) اورنگ، سرپوش، پسندیده، غضبناک

۴- در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«ایمن نتوان بود که ساعت به ساعت به وبال آن مبتلا گردی و طبعیت آن به تو رسد. و هیچ کس از وحوش تو را در آن معذور ندارد، و در تخلص تو از آن، مثنویت و مظاهرت روا نبیند و همه بر کشتن تو یک کلمه شوند.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۵- در کدام بیت غلط املائی به چشم می‌خورد؟

- (۱) جاه است و غدر و منفعه آن را که طمع نه
- (۲) از سر کوی حقیقت برمگرد و راه عشق
- (۳) هر که از علم صدق جست، ببرد
- (۴) بدین خوی سترگ و چشم بی‌شرم
- عز است و صدر و مرتبه آن را که از نیست
- با غرامت همنشین و با ملامت یار باش
- هر که از وی ده‌ها گزید بمرد
- بدان کردار و گفتار بی‌آزرم

۶- در کدام عبارت غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) خورش‌خانه را به دست خوالیگران مشفق کارآزموده سپردند.
- (۲) مرد خطاکار به سوگندی بلیغ و ضمانی وثیق وی را به خانه آورد.
- (۳) از شمول معدلت و عموم مرحمت او روی به وطن معلوف بازنهاد.
- (۴) فلان نعمتی بی‌قیاس دارد، اگر به حاجت تو واقف شود در قضای آن توقف روا ندارد.

۷- سراینده کدام ابیات درست معرّفی شده‌اند؟

- (الف) تعلیم ز آژه گیر در امر معاش
- (ب) خدمت حق کن به هر مقام که باشی
- (ج) بر در بخت بد فرود آید
- (د) چون بسی ابلیس آدم‌روی هست
- (۱) الف - ب (۲) الف - ج (۳) ب - ج (۴) ج - د
- نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش (صائب)
- خدمت مخلوق افتخار ندارد (عطار)
- هر که گیرد عنان مرکبش، آز (ناصرخسرو)
- پس به هر دستی نشاید داد دست (سعدی)

۸- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست هستند، به جز:

- (۱) مخور ز چهره گلگون گل فریب جمال
- (۲) اگر دو هفته بود چهره گلستان سرخ
- (۳) چراغ دل ز جگرگوشه می‌شود روشن
- (۴) به گریه سائل اگر روی خود کند رنگین
- که در مقام جلال است رخت شاهان سرخ (جناس، ایهام)
- مدام از می لعلی است روی جانان سرخ (مجاز، استعاره)
- بود ز لعل لب او رخ بدخشان سرخ (استعاره، تشبیه)
- از آن به است که گردد به ابر احسان سرخ (جناس، تشبیه)



۹- در کدام بیت، دو تشبیه و بیشترین استعاره به کار رفته است؟

- (۱) شیر در بادیهٔ عشق تو روباه شود
(۲) یا رب آن شاه‌وش ماه‌رخ زهره‌جبین
(۳) واله و شیداست دایم همچو بلبل در قفس
(۴) خون شد دلم به یاد تو، هرگه که در چمن
- آه از این راه که در وی خطری نیست که نیست
در یکتای که و گوهر یکدانه کیست؟
طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست
بند قبابی غنچهٔ گل می‌گشاد باد

۱۰- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

- «خسروی به شیرینی تلخ کرد کامم را
کز لب شکرخندش نرخ شکر ارزان شد»
- (۱) تشبیه، ایهام، تضاد، جناس
(۲) تشبیه، کنایه، تضاد، اغراق
(۳) استعاره، کنایه، حسن تعلیل، اغراق
(۴) تشبیه، ایهام، پارادوکس، مجاز

۱۱- تعداد «استعاره» در کدام بیت، بیشتر است؟

- (۱) اگر ز لعل تو مستان عشق نقل خواهند
(۲) دل‌شده را قوت جان از لب لعل وی است
(۳) با این نسیم سحرخیز برخیز اگر جان سپردیم
(۴) شبی از مجلس مستان برآمد نالهٔ چنگش
- به خنده لب بگشا و شکر ز پسته بریز
هر که بهشتی بود آب دهد کوثرش
در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو
رسید از غایت تیزی به گوش زهره آهنگش

۱۲- در کدام گزینه، دو ترکیب وصفی و دو ترکیب اضافی وجود دارد؟

- (۱) عزمت ضامن دوام جهان شد/ که جهان با دروغ می‌پاشد/ و خون تو، معنای «راستی» است.
(۲) آه! ای مرگ تو معیار! مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت/ که مردنی چنان/ غبطهٔ بزرگ زندگانی شد.
(۳) بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم/ تو در کلبه و خیمهٔ خود باز بمان/ بگذار بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم.
(۴) در گذرگاه تاریخ ایستاده‌ای/ با جامی از فرهنگ/ و بشریت رهگذار را می‌آشامانی/ هر عاشقی را که تشنهٔ شهادت است.

۱۳- تعداد جمله‌های کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟

- «چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت
(۱) گفتمش مهر فروغی به تو روزافزون است
(۲) قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست
(۳) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت
(۴) جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش
- ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد»
گفت من هم به خلافت دل پرکین دارم
قرار چیست، صبوری کدام و خواب کجا
آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت
آنک امام ما علم بگرفته بر دوش

۱۴- با توجه به سرودهٔ زیر، همهٔ گزینه‌ها درست است، به جز:

- «صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب
دل‌گرمی و دم‌سردی ما بود که گاهی
(۱) نقش «ش» مفعول و «مرداد» مسند است.

(۲) دو وابستهٔ پیشین و دو وابستهٔ پسین به کار رفته است.

(۳) واژهٔ هم‌آوا و رابطهٔ معنایی تضاد در سروده می‌توان یافت.

(۴) حرف ربط هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز، «هر دو»، یافت می‌شود.

۱۵- اجزای کدام مصراع‌ها «نهاد + مسند + فعل» است؟

- (الف) نیست جانش محرم اسرار عشق
(ب) سر پر ز شرم و بهایی مراست
(ج) هم حرکاتش متناسب به هم
(د) مرا در نهانی یکی دشمن است
- (۱) الف - ب
(۲) الف - ج
(۳) ب - د
(۴) ج - د

۱۶- نقشی قسمت‌های مشخص‌شده به ترتیب، کدام است؟

- «ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش
جز تو که فرات رشح‌ای از یم توست
(۱) نهاد، مسند، مسند، مفعول
(۲) نهاد، متعم، مسند، قید
(۳) منادا، مسند، مضاف‌الیه، قید
- وز تشنگیات فرات در جوش و خروش
دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش
(۲) نهاد، متعم، مسند، قید
(۴) منادا، متعم، مسند، مفعول

۱۷- مفهوم کدام بیت، در مقابل آن «غلط» است؟

- (۱) دید در آینه گل هر که رخسار خزان
 - (۲) دندان به دل فشار کز این راه کرده‌اند
 - (۳) می‌توان در پرده حسن یار را بی‌پرده دید
 - (۴) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است
- از گلستان دیده خونبار می‌آرد برون (عبرت‌پذیری)
- جان‌های پاک رخنه به زندان روزگار (توصیه به شکیبایی)
- صائب از ارباب معنی باش و صورت را بین (مذمت تزویر)
- ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (مناعت طبع)

۱۸- مفهوم «شرف المكان بالمکین» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

- (۱) شرف مرد به جود است و کرامت به سجود
 - (۲) مر خاتم را چه نقص اگر هست
 - (۳) مرد به زندان شرف آرد به دست
 - (۴) هر یکی بینا شود بر قدر خویش
- هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود
- انگشت کهین محل خاتم
- یوسف از این‌روی به زندان نشست
- باز یابد در حقیقت صدر خویش

۱۹- ضرب‌المثل «از تو حرکت از خدا برکت» با کدام بیت تقابل مفهومی دارد؟

- (۱) همت ز دل و عرض تجمل بود از دست
 - (۲) رزق چون زود دهد دست به هم، زود رود
 - (۳) نرفت از پیش‌کاری چون به دست و پا زدن صائب
 - (۴) رزق هرچند بی‌گمان برسد
- مَنْت ز خلائق بود و رزق ز خالق
- نکنم شکوه اگر روزی من دیر آید
- دو دست سعی را بر پشت بستم تا چه پیش آید
- شرط عقل است جستن از درها

۲۰- همه ابیات با عبارت زیر تناسب مفهومی دارند، به جز:

«از آسمان تاج بارد؛ اما بر سر آن کسی که سر فرود آرد.»

- (۱) تا برده‌ایم سر به گریبان ربوده‌ایم
 - (۲) بلندی از آن یافت کاو پست شد
 - (۳) خاکساری پیشه خود کن که من چون آفتاب
 - (۴) شراب زندگی در خاکساری‌هاست بی‌غش‌تر
- گوی سعادت از خم چوگان روزگار
- در نیستی کوفت تا هست شد
- در نظرها سربلند از جبهه‌فرسایی شدم
- بود نخل برومند از زمین نرم سرکش‌تر

۲۱- مفهوم آیه شریفه «إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا» از مفهوم کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- (۱) درشتی ز کس نشنود نرم‌گوی
 - (۲) رخ شاه کاووس پر شرم دید
 - (۳) رحم در دوران دولت از زیردستان مجو
 - (۴) توان کردن به اندک روزگاری سنگ را آدم
- سخن تا توانی به آزم گوی
- سخن‌گفتنش با پسر نرم دید
- متصل زور آورد بر سنگ زیرین آسیا
- لب شیرین و روی گرم باید کارفرما را

۲۲- کدام ابیات با یکدیگر تضاد مفهومی دارند؟

- (الف) غربت نپسندید که افتید به زندان
 - (ب) نشاط غربت، از دل کی برد حب وطن بیرون
 - (ج) ماتم کده خاک سزاوار وطن نیست
 - (د) در ره عشق وطن از سر جان خاسته‌ایم
- بیرون ز وطن پا مگذارید که چاه است
- به تخت مصرم اما جای در بیت‌الحن دارم
- چون سیل از این دشت به شیون بگریزد
- تا در این ره چه کند همت مردانه ما

(۲) الف - ج

(۴) ب - د

(۱) الف - ب

(۳) الف - د

۲۳- در همه ابیات مفهوم ضرب‌المثل «از ماست که بر ماست» آورده شده است، به جز:

- (۱) گفت پیغمبر خنک آن را که او
 - (۲) گرچه دیوار افکند سایه دراز
 - (۳) فعل تو که زاید از جان و تنت
 - (۴) پوستین یوسفان بشکافتند
- شد ز دنیا مائد از او فعل نکو
- بازگردد سوی او آن سایه باز
- همچو فرزندت بگیری دامن
- آن‌چه می‌کردند یکیک یافتند



۲۴- کدام بیت فاقد مفهوم بیت زیر است؟

«سریر ملک عطا داد کردگار تو را

(۱) آن که هفت اقلیم عالم را نهاد

(۲) هستی تو سزاوار همه ملک جهان را

(۳) یقین مرد را دیده بیننده کرد

(۴) مقدری که به گل نکهت و به گل جان داد

۲۵- کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«گریز از کفش در دهان نهنگ

(۱) دلم بردی جان هم ببر که مرگ به است

(۲) بمیر ای بی‌خبر گر می‌توانی

(۳) به روز مرگ چو تابوت من روان باشد

(۴) به عزت مردن از بی‌اعتباری زیستن خوشتر

به جای خویش دهد هر چه کردگار دهد»

هر کسی را هر چه لایق بود داد

ایزد ندهد ملک جهان جز به سزاوار

شد و تکیه بر آفریننده کرد

به هر که هر چه سزا دید حکمتش آن داد

که مردن به از زندگانی به ننگ»

ز زندگانی اندر شماتت دشمن

به مرگی کان به است از زندگانی

گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

چراغ روز را پروایی از کشتن نمی‌باشد

سراسری ۱۴۰۰ داخل کشور

پاسخ نامه آزمون عمومی رشته ریاضی

زبان و ادبیات فارسی

۱- گزینه

معنی واژه‌ها: مفتاح: کلید - نمط: روش، نوع - آوان: وقت، هنگام - برزن: کوی، محله
با در نظر گرفتن معنی واژه «مفتاح»، گزینه‌های ۳ و ۴ حذف می‌شود. سپس با دانستن معنی «برزن» می‌توانیم به جواب درست، یعنی ۲ برسیم.

۲- گزینه

واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند به همراه معنای صحیح آن‌ها:
عصیان: نافرمانی، گناه و معصیت («تند و فرز» معنای واژه چالاک است). - یغور: درشت و بدقواره - خدو: آب دهان، بزاق («گونه، رخسار» معنی واژه خد است). - سو: دید، توان بینایی

۳- گزینه

معنی درست واژه‌ها: صواب: درست، پسندیده، مصلحت - بازبسته: وابسته، پیوسته و مرتبط - سریر: تخت پادشاهی، اورنگ - فرض: لازم، ضروری، آنچه خداوند بر بندگان واجب کرده است. - شرزه: خشمگین، غضبناک - تاب: فروغ، پرتو - معجر: سرپوش، روسری - آرغند: خشمگین و قهرآلود
حتماً توجه دارید که صورت سؤال از ما خواسته است تا معنی واژه‌های فرد را بدون در نظر گرفتن ترتیب بررسی کنیم؛ یعنی معنی واژه‌های «صواب، سریر، شرزه، معجر» این واژه‌ها فقط در ۴، به درستی معنا شده‌اند. در ۱، معنی ذکر شده برای دو واژه (معجر، تاب) صحیح است که البته، تاب از واژه‌های زوج در صورت سؤال است. در ۲، معنی ارائه شده برای سه واژه (صواب، سریر، تاب) درست است و در ۳ نیز، معنای صحیح سه واژه (سریر، فرض، شرزه) دیده می‌شود؛ واژه فرض هم که در این گزینه درست معنا شده جزء واژه‌های زوج در صورت سؤال است.
در ۱، «شکوه و عظمت» و «نیکویی» به ترتیب، معنی واژه‌های جلال و نیکویی است. در ۲ هم، «سربند» معنی واژه دستار است.

۴- گزینه

غلط‌های املائی موجود در متن و شکل صحیح آن‌ها:
طبع: تبع؛ با توجه به معنی جملات اول، خاصه جمله سوم، تبع به معنی «پیامد و نتیجه بد و ناگوار، رنج و سختی» صحیح است.
مئونت (= مؤونت؛ هزینه و خرجی زندگی، رنج و زحمت) نیز در این متن، وجه و کاربرد درستی ندارد و با توجه به معنا و حضور و همراهی واژه مظاهر (پشتیبانی و یاری) می‌توان دریافت که معونت (یاری و کمک کردن) صحیح و مناسب است.

۵- گزینه

قدر یعنی «مکر و حيله، خیانت و بی‌وفایی»؛ این واژه در این بیت، کاربرد صحیح و مناسبی ندارد و با توجه به معنی کلی بیت و حضور و همنشینی واژه‌های «جاه، عز، صدر و مرتبه» می‌توان حدس زد که سخن از مقام و اعتبار و درجه و ارزش است؛ بنابراین قدر (ارج و مقدار، بها، مرتبه و منزلت) باید جایگزین آن شود.
معنی: کسی که طمع ندارد، جاه و قدر و منفعت دارد.
در ۲، واژه غرامت (تاوان و زیان، مشقت و زیان) در ۲، ذها (نیرنگ و مکر، خدعه) و در ۴، سترگ (ستیزه‌جو و لجوج، مغرور) و آزر (شرم و حیا؛ بی‌آزرم: بی‌حیا و گستاخ) همگی املائی درستی دارند.

۶- گزینه

معلوف به معنی (علف‌خورده، چاق و فربه و پرورده) هیچ وجه و تناسبی با این عبارت ندارد و مألوف (خوگرفته، مأنوس، الفت‌گرفته، آشنا) صحیح و درست است و باید جایگزین آن شود: وطن مألوف؛ یعنی جایی که شخص به سکونت در آن عادت کرده و انس و الفت گرفته است.
در ۱، املائی واژه خوالیگر (آشپز و طبّاخ) و در ۲، ضمان (ضمانت و تعهد) و وثیق (محکم و استوار، مطمئن) و در ۴، بی‌قیاس (بی‌اندازه و بی‌شمار) کاملاً درست است.

۷- گزینه

همه ابیات از کتاب فارسی ۱ انتخاب شده‌اند.
بیت «الف» از «ابوسعید ابوالخیر» از قلمرو زبانی درس ۶ انتخاب شده است. بیت «ب» از «عطار» مربوط به قلمرو فکری درس ۷ و بیت «ج» از «ناصرخسرو» مربوط به قلمرو زبانی درس ۵ است. بیت «د» از «مولوی» از متن درس چهاردهم «طوطی و بقال» انتخاب شده است.

۸- گزینه

در این گزینه بین «جمال» و «جلال» جناس ناهمسان برقرار است؛ اما بیت فاقد آرایه ایهام است.
بررسی سایر گزینه‌ها:
۲ مجاز: «دو هفته» مجاز از زمان اندک / استعاره: «چهره گلستان» تشخیص و استعاره دارد.
۳ استعاره: جگرگوشه استعاره از بار، «رخ بدخشان» تشخیص و استعاره دارد. / تشبیه: لعل لب (اضافه تشبیهی)
۴ جناس: به و به (جناس ناهمسان) / تشبیه: ابر احسان (اضافه تشبیهی)

۹- گزینه

بررسی هر دو آرایه تشبیه و استعاره در هر چهار گزینه:
۱ تشبیه: (۱) بادیۀ عشق (اضافه تشبیهی) ۲ شیر [همانند] روباه شود. / استعاره: «راه» در مصراع دوم استعاره از عشق است.



۱۳- گزینه ۲ تعداد جمله‌های بیت سؤال:

چه گفتمش (۱) که دلم را نگاه دار (۲) چه گفت (۳) ز دست بنده
چه خیزد (۴) خدا نگه دارد (۵).

تعداد جمله‌های ۲

قرار و خواب ز حافظ طمع مدار (۱) ای دوست (۲) قرار چیست (۳)
صبری کدام (۴) و خواب کجا (۵).

در جملات چهارم و پنجم فعل «است» به قرینه لفظی جمله سوم
(چيست = چه است) حذف شده است.

حرف ندا و منادا، یا منادا به‌تنهایی، یا حرف ندا با منادای محذوف
اگر در جمله بیایند در شمارش جملات، یک جمله محسوب می‌شوند.

بررسی تعداد جملات سایر گزینه‌ها:

۱ گفتمش (۱) مهر فروغی به تو روزافزون است (۲) گفت (۳) من
هم به خلافتش دل پرکین دارم (۴)

۳ هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت (۱) آری (۲) نداشت غم (۳)
که غم بیش و کم نداشت (۴)

۴ «آری» صوت است و در شمارش جملات، یک جمله به حساب می‌آید.

۴ [ای] جانان من (۱) برخیز (۲) و بشنو بانگ چاووش (۳) آنک
امام ما علم بگرفته بر دوش (۴)

۱۴- گزینه ۲ در دو بیت سؤال، دو وابسته پیشین و سه وابسته پسین وجود دارد.

وابسته‌های پیشین: صد تیغ - یکی چوب
صفت شمارشی صفت شمارشی

وابسته‌های پسین: تیغ جفا - دل گرمی ما - دم‌سردی ما
مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ نی‌اش نام نهادند ← آن را نی نام نهادند.
مفعول

گاهی مردادمه و گاه دی‌اش نام نهادند ← گاهی [آن را] مردادمه
مفعول مسند

[نام نهادند] گاهی آن را دی نام نهادند.

همان‌طور که می‌بینید مصراع چهارم این دو بیت دو جمله است که
در جمله اول مفعول و فعل به قرینه لفظی جمله دوم حذف شده است.

فعل «نام نهادن» این‌جا در معنای «نامیدن» و «خواندن» است و
«نامیدن» از افعالی است که به مفعول و مسند نیاز دارد.

۳ واژه هم‌آوا: صد (عدد ۱۰۰) و سد (مانع، حایل بین دو چیز)؛
خویش (خود) و خویش (ابزار شخم‌زنی؛ پرده کتان)

رابطه معنایی تضاد: صد و یک - دل گرمی و دم‌سردی - مرداد (ماه
گرم و نماد گرمی) و دی (ماه سرد زمستان و نماد سردی)

مرداد و دی تضاد مفهومی دارند.

حرف ربط هم‌پایه‌ساز: در مصراع دوم حرف ربط «واو» دو جمله
وابسته را در وابسته‌بودن هم‌پایه کرده است:

تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند.
مرف ربط جمله وابسته مرف ربط هم‌پایه‌ساز جمله وابسته

در مصراع چهارم نیز «واو» هم‌پایه‌ساز بین دو جمله قرار گرفته که
فعل جمله اول محذوف است:

گاهی آن را مردادمه [نام نهادند] و گاه دی نام نهادند.

مرف ربط هم‌پایه‌ساز

۲ تشبیه: (۱) شاه‌وش (کسی که مانند شاه است). (۲) ماه‌رخ (کسی
که رخ او مانند ماه است). (۳) زهره‌جبین (کسی که جبینی مانند
سیاره زهره، درخشان دارد). (۴) او مانند دُر یکتا است. (۵) او مانند
گوهر یکدانه است. / استعاره: ندارد.

۳ تشبیه: (۱) طوطی طبع (اضافه تشبیهی) (۲) طبعم مانند بلبل
است. / استعاره: (۱) شکر استعاره از لب (۲) بادام استعاره از چشم.

۴ تشبیه: ندارد. / استعاره: (۱) «قبای غنچه» تشخیص و استعاره دارد.
(۲) نسبت‌دادن توانایی بندگان به باد، تشخیص و استعاره دارد.

۱۵- گزینه ۱ را با جناس و ۲ را با حسن تعلیل رد می‌کنیم. ۲ متأسفانه قابل رد کردن نیست!

بررسی آرایه‌های بیت براساس ۴:

تشبیه: «شکرخند» یعنی کسی که خنده‌ای همچون شکر دارد. / در
ضمن در مصراع دوم تشبیه پنهان لب به شکر نیز دیده می‌شود.

ایهام: «شکر» در ترکیب «نرخ شکر» را می‌توانیم در دو معنی
جای‌گذاری کنیم: ۱- نام معشوقه خسرو ۲- شکر خوردنی

پارادوکس: با شیرینی کام کسی را تلخ کردن تناقض دارد.
مجاز: کام به معنی سقف دهان است ولی این‌جا مجازاً به معنای
مذاق و طبع آمده است.

۲ و ۴ هر دو می‌توانستند پاسخ این سؤال باشند.

۱۱- گزینه ۱ بررسی استعاره در گزینه‌ها:

۱ لعل استعاره از لب (۲) مستان عشق (استعاره مکنیه): عشق
همچون می، مست‌کننده است. (۳) نقل استعاره از بهره، نصیب (۴) شکر

استعاره از سخنان شیرین و جذاب (۵) پسته استعاره از دهان

۲ قوت جان (استعاره مکنیه: جان موجودی پنداشته شده که
نیازمند قوت و غذاست). (۲) آب استعاره از حیات و لذت (۳) کوثر
استعاره از دهان یار

۳ با توجه به درس «فصل شکوفایی» در فارسی ۳، واژگان نسیم،
باغ و گل را بهتر است، نماد بگیریم، اما اگر استعاره هم بگیریم بیش
از سه استعاره در بیت وجود ندارد: «نسیم» استعاره از انقلاب، «باغ»
استعاره از ایران و «گل» استعاره از یاد و نام.

۴ (۱) ناله چنگ (تشخیص و استعاره) (۲) گوش زهره (تشخیص
و استعاره)

۱۲- گزینه ترکیب‌های وصفی: بشریت رهگذار - هر عاشق /

ترکیب‌های اضافی: گذرگه تاریخ - تشنه شهادت

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ ترکیب وصفی: ندارد.

ترکیب‌های اضافی: عزمت (عزم تو) - ضامن دوام - دوام جهان - خون
تو - معنای راستی ← ۵

۲ ترکیب‌های وصفی: مردنی چنان - غبطه بزرگ ← ۲

ترکیب‌های اضافی: مرگ تو - مرگت (مرگ تو) - غبطه زندگانی ← ۳

۳ ترکیب وصفی: ندارد. ← «هیچ» ضمیر مبهم است و صفت
نیست، چون به همراه اسم نیامده است.

ترکیب‌های اضافی: پشت زین - زین خود - کلبه خود - خیمه خود -
فراز سر - سرم (سر من) ← ۶



حرف ربط وابسته ساز: حروف «تا» و «که» حرف ربط وابسته سازند و جمله بعد از خود را به جمله قبل وابسته کرده اند.

۱۵- گزینه ۲ صورت سؤال جمله ای با اجزای «نهاد + مسند + فعل» را از ما خواسته است. یعنی جمله ای که فعل اسنادی داشته باشد. برای این کار مصراع ها را به نثر امروزی درمی آوریم و اجزای جمله را طبق فارسی معیار مرتب می کنیم:

مصراع «الف»: جانش محرم اسرار عشق نیست.
نهاد مسند فعل اسنادی

مصراع «ب»: سر پر ز شرم و بهایی برای من هست (= وجود دارد).
نهاد متمم فعل غیر اسنادی
در این مصراع «را» در معنای حرف اضافه «برای» است و فعل «است» یا «هست» اسنادی نیست و به معنای «وجود دارد» است.

مصراع «ج»: هم حرکاتش متناسب به هم [بود] است.
نهاد مسند فعل اسنادی
در این مصراع فعل اسنادی حذف شده بود که ما آن را اضافه کردیم. مصراع «د»: برای من در نهانی یکی دشمن است (= وجود دارد).
نهاد فعل غیر اسنادی
در این مصراع «است» اسنادی نیست و به معنای «وجود دارد» است. «را» هم در معنای حرف اضافه «برای» است. فقط مصراع های «الف» و «ج» دارای اجزای «نهاد + مسند + فعل» هستند.

۱۶- گزینه ۱

ای [کسی که] کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش [است].
منادای مفروق نهاد مسند

وز تشنگیات فرا ت در جوش و خروش [است].
نهاد مسند

در مصراع دوم «مسند» از «حرف اضافه + متمم» تشکیل شده است. در جمله ای که فعل اسنادی دارد، مسند را در پاسخ به سؤال «چه / چگونه است؟» می توانیم پیدا کنیم. فرا ت چه / چگونه است؟ در جوش و خروش

جز تو که فرا ت رشحه ای از یم تو است
نهاد مسند متمم

نشنیدم که دریا مشک [را] به دوش کشد.
نهاد مفعول

۱۷- گزینه ۲

بررسی هر کدام از ابیات:

۱ هر کس گل را مانند آینه عبرت بداند و در برگ های گل، خزان را ببیند، خون می گیرد: عبرت پذیری.

۲ صبر کن و دندان به جگر بفشار که از این راه، انسان های پاک در زندگی موفق شده اند: توصیه به شکیبایی و راهگشا دانستن صبر.

۳ انسان اهل معنی و حقیقت بین حتی اگر یار در پرده هم باشد، حسن او را آشکارا می بیند؛ پس اگر اهل معنی باشی، حسن و زیبایی را می توانی ببینی. در این جا تأکید بر حقیقت بینی و دیده حقیقت بین داشتن است و ارتباطی با ریاکاری و نکوهش تزویر ندارد.

۴ ما دستان تهی است و زندگی مرقه و شادمانی نداریم اما آرامش ما از سلاطین بزرگ بیشتر است: مناعت طبع.

۱۸- گزینه ۲ در ۲ شاعر می گوید: اگر انگشتر (که ذاتاً بالارزش است) را در انگشت کوچک تر بکنند، نقصی برای آن به حساب نمی آید؛ یعنی مکان پست، عزت انسان عزیز را نمی کاهد، بلکه عزت و شرافت شخص است که به مکان اعتبار می دهد: شرف المكان بالمکین.

۳ مکین یعنی کسی که در جایی حضور دارد.

مفهوم سایر ابیات:

۱ شرافت انسان به بخشندگی و طاعات اوست. / کسی که بخشندگی و طاعت ندارد، شایسته زندگی نیست.

۲ سختی زندان، سبب کسب کمال و شرافت است.

۴ آگاه شدن سالکان از اسرار معرفت در وادی معرفت

۱۹- گزینه ۲ مفهوم مقابل «از تو حرکت از خدا برکت» می شود «ناکام ماندن علی رغم حرکت کردن و تلاش» یا «بدون حرکت و تلاش به مطلوب و مقصود رسیدن». ۳ نزدیک ترین بیت به این مفهوم است. در ۲ شاعر می گوید: وقتی با دست و پا زدن کار ما پیش نرفت، سعی و تلاش را کنار گذاشتیم تا ببینیم چه می شود؟ پس در این بیت شاعر از سعی و تلاش نتیجه نگرفته؛ بنابراین، مفهوم این بیت در تقابل با بیت سؤال است. مفهوم سایر گزینه ها:

۱ خدا روزی می رساند و دیگران (که تنها مقدمه کسب روزی بوده اند) به خاطر آن بر ما منت می گذارند.

۲ رزقی که زود به دست آید زود از دست می رود.

۴ روزی را خدا می رساند اما تلاش و حرکت برای به دست آوردن روزی ضروری است (توصیه به تلاش و حرکت برای کسب روزی).

۲۰- گزینه ۱ سخن از این است که گوشه نشینی و عزلت سبب کمال و بلندمرتگی است. در سایر گزینه ها مفهوم مشترک این است که فروتنی و تواضع سبب بلندمرتگی است.

۲۱- گزینه ۲ مفهوم آیه شریفه صورت سؤال مدارا با دشمن عصیانگر و با نرمی و ملایمت رفتار کردن با دشمن است. در ۴ نیز توصیه به نرم خویی و سخن ملایم گفتن است و این که نرم خویی می تواند فرد عصیانگر را به راه بیاورد. مفهوم سایر گزینه ها:

۱ توصیه به با شرم و حیا سخن گفتن؛ فردی که با ملایمت سخن می گوید از کسی سخن درشت نمی شنود.

۲ ناراحت بودن کاووس و با نرمی و ملایمت سخن گفتن او با سیاوش

۳ قدرتمندان و زبردستان در هنگام توانایی رحم و مروت نمی کنند؛ همان طور که آسیا تا می تواند به سنگ زیرین زور می آورد.

۴ شاید ۱ هم با آیه شریفه متناسب به نظر برسد. دقت کنید در ۱ سخن از با شرم و آزر م سخن گفتن است که در آیه مورد سؤال وجود ندارد؛ احتمالاً در نظر طراح محترم همین موضوع، مفهوم ۱ را متفاوت با مفهوم آیه سؤال کرده است.

۲۲- گزینه ۲ برای رسیدن به پاسخ، تک تک ابیات را بررسی می کنیم:

«الف»: از وطن بیرون نیاید و به غربت روی نیارید تا به سختی نیفتید (وطن را بر غربت برگزیدن).



نتیجه عمل هر کس به خود او بازمی‌گردد، و به نوعی هر چه کنی به خود کنی، و از ماست که بر ماست.

۲۴- گزینه ۳ در بیت سؤال و گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ سخن از این است که خداوند به هر کس متناسب با شایستگی و استحقاق او عطا کرده است. در ۳ این مفهوم دیده نمی‌شود و بر روزی‌رسانی خداوند تأکید شده است.

۲۵- گزینه ۴ در ۴ همانند بیت صورت سؤال، سخن از این است که مرگ با عزت از زندگی در ننگ بهتر است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ اگر بمیرم بهتر است تا مورد سرزنش دشمنان قرار بگیرم؛ دلم را بردی و من را عاشق کردی، مرا بکش، زیرا نمی‌خواهم مورد سرزنش دشمنان قرار بگیرم.

۲ مرگ اختیاری / ترجیح مرگ بر زندگی در غفلت

۳ دل‌نستن به جهان فانی

«ب»: نشاط غربت، علاقه به وطن را از بین نمی‌برد (وطن را بر غربت برگزیدن). / حب الوطن

«ج»: این دنیا شایسته وطن کردن نیست و باید از آن عبور کنیم (دید ظاهری‌پنهان: در جایی وطن نکردن و دل‌بسته به وطن نبودن!)

«د»: جان‌بازی در راه وطن

مشاهده می‌کنید که تقابلی بین مفاهیم وجود ندارد. بیت «الف» و «ب» هم‌مفهوم هستند. بیت «د» هم به نوعی اندک اشتراکی با بیت «ب» دارد و بیت «ج» هم در فضایی متفاوت است و ربطی به وطن ندارد. پس باید به نوعی دیگر به ابیات نگاه کنیم. در گزینه‌ها تنها جواب قابل قبول ۲ «ب» و «ج» است. چگونه؟ طراح از بیت «ج» این مفهوم را استنباط کرده است که خاک ماتمکده است و وطن کردن در آن ناپسند است؛ پس به طور کلی باید از وطن و یک‌جا ماندن دوری کرد و وطن مایه ماتم است، پس «ج» به نوعی با ابیات «الف» و «ب» تقابل دارد.

۲۳- گزینه ۱ در ۱ مفهوم اصلی باقی‌گذاشتن نام نیک پس از مرگ است، در حالی که در سایر گزینه‌ها سخن از این است که

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

داخل کشور

ویژه نظام آموزشی ۳-۲-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی انسانی
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان و ادبیات فارسی

۱- مترادف «آلودگی، نوع، عاشق و عارف، بی‌نیازی» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) مها زورمندی مکن بر مهان
(ب) تو ای توانگر حسن از غنای درویشان
(ج) تنم می‌بلرزد چو یاد آورم
(د) شوخ شیخ آورد تا بازوی او
- (۱) الف - ب - ج - د
(۲) الف - ب - د - ج
(۳) د - الف - ج - ب
(۴) د - ج - الف - ب

۲- کدام گزینه، می‌تواند پاسخ مناسبی برای معانی تعداد بیشتری از واژه‌های زیر باشد؟

«دوال، رقعت، درایت، التهاب، باره، اذن»

- (۱) چرم و پوست، دانش، اسب، زیبا
(۲) اسب، بی‌قرار، یک لایه، اجازه
(۳) بینش، رخصت، یادداشت، چرم و پوست
(۴) یادداشت، آگاهی، شعله، اسب تندرو

۳- معنی چند واژه «درست» است؟

(داروغه: شب‌گرد) (استقرار: مقرر کردن) (نبات: رُستنی) (رواق: هرم) (مغان: موبدان زرتشتی) (غایت‌القصوی: کمال مطلوب) (شیخ: موهوم) (طیلسان: زیرانداز) (خشاب: گلوله)

- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

۴- املاي کدام عبارت، درست است؟

- (۱) ای خداوندان نعمت اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت رسم سؤال از جهان برخواستی.
(۲) چنین اتفاق نادر افتد و بر نادر حکم نتوان کرد، زنهار تا بدین طمع دگر باره گرد ولع نگردی.
(۳) دو درویش ملازم صحبت یکدگر سفر کردی، یکی ضعیف بودی که هر دو شب افطار کردی.
(۴) این طایفه را طریق آن است که تا اشتها قالب نشود نخورد و هنوز اشتها باقی بود که دست از طعام بدارند.

۵- در کدام عبارت «غلط املايي» وجود دارد؟

- (۱) جمالی که زبان فصاحت از بیان صباحت او عاجز آید چنان که در شب تاری صبح برآید.
(۲) عالم هر روز زیادت نظام و طراوت پذیرد و البته دور چرخ و قصد دهر تیرگی را به صفوت آن راه ندهد.
(۳) به حکم تجارب روشن می‌گردد که عاقل را از حطام این دنیا به کفاف خرسند باید بود و بدان قدر که حاجات نفسانی فرونماید قانع گشت.
(۴) مرد گفت: آهن در بیغوله خانه بنهاده بودم و موش آن را تمام خورده بود. بازرگان گفت: آری دندان موش بر خوابیدن آن قادر باشد.

۶- در متن زیر، چند «غلط املايي» یافت می‌شود؟

«تو در عجز رای و خبث طینت و غلبه‌آز و ضعف تدبیر بدان منزلتی که زبان از تغریر آن قاصر است و عقل در تصویر آن حیران. فایده‌مکر و حیل‌تو مخدوم را این بود که می‌بینی و آخر و بال و تبعت آن به تو رسد و تو چون گل دو رویی که هر که را همت وصلت تو باشد دست‌هاش به خوار مجروح گردد و از وفای تو محظوظ نشود.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۷- ابیات زیر به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟

- (الف) فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد
(ب) در ره عشق وطن از سر جان خاسته‌ایم
(۱) اوحدی - رهی معیری (۲) صائب - فریدون مشیری (۳) اوحدی - پروین اعتصامی (۴) صائب - پروین اعتصامی

۸- تعداد تشبیه در همه ابیات یکسان است، به جز:

- (۱) مریض شوق ز تیر ستم نمی‌رنجد
(۲) شد چمان در چمن حسن و لطافت لیکن
(۳) زلف لیلی‌صفت دام دل مجنون است
(۴) چون سواد زلف شبرنگ تو را آرم به یاد
- قتیل عشق ز تیغ جفا نمی‌ترسد
در گلستان وصالش نچمیدیم و برفت
عقل بر دانه خال سیهت مفتون است
از سرم تا پای چون شمع آتش سودا گرفت

۹- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

- (۱) از موج حلاوت دل مرغان چمن سوخت
(۲) ز رشک شانه در تابم که با کوتاه‌دستی‌ها
(۳) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست
(۴) شعاع چشمه مهر از فروغ رخسار است
- هرچند فشاندند به خامی ثمرم را (استعاره، مجاز)
به صد آغوش در بر می‌کشد آن عنبرین‌مو را (جناس، کنایه)
کی طمع در گردش گیتی دون‌پرور کنم (استعاره، پارادوکس)
شراب، نوشگوار از لب شکربرار است (حسن تعلیل، ایهام)

۱۰- در چند بیت «ایهام یا ایهام تناسب» یافت می‌شود؟

- (الف) آهوی چشم کماندار تو نخجیرم ساخت
(ب) هر کجا دم زدم از چشم بت کشمیرم
(ج) تا فروغ طلعت آن ماه را دیدم فروغی
(د) بیرون چه‌گونه می‌رود از کین مهوشان
(ه) دو گوشت از ز خروشیدنم به تنگ آمد
- من که شیران جهانند کمین نخجیرم
خون مردم همه گردید گریبانگیرم
عشق فارغ کرده است از تابش مهر منیرم
مهری که همچو روح فرورفته در تنم
چنین مزن که ز دست چو جنگ نخروشم
- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۱۱- آرایه‌های «حسن تعلیل - استعاره - کنایه - تشبیه - اسلوب معادله» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- (الف) می‌کند اشک ندامت نامه دل را سفید
(ب) بهشتی شد مرا نظاره آن روی گندم‌گون
(ج) نگردد جمع با رنگین‌لباسی زیر پا دیدن
(د) تا سپند آن آتشین رخسار را در بزم دید
(ه) گل ز کژی خار در آغوش یافت
- صبح از اخترفشانی پاک‌دامن می‌شود
اگر گندم برون انداخت از فردوس آدم را
که طاووس خودآرا چشم از پر بر نمی‌دارد
آن چنان جست از سر آتش که صد فریاد داشت
نی‌شکر از راستی آن نوش یافت
- (۱) د - ه - ج - ب - الف (۲) د - الف - ب - ج - ه (۳) ه - د - ب - الف - ج (۴) ه - ب - الف - د - ج

۱۲- در کدام بیت، ممیز و نقش تبعی، «هر دو»، وجود دارد؟

- (۱) با من سخن از کعبه و بتخانه مگوئید
(۲) رسم عشاق جگرخسته نیاز است نیاز
(۳) بدین امید که یک لحظه با تو بنشینم
(۴) اشک ما نسخه صد رشته گهر بود گهر
- کز هر دو مرا مقصد و مقصود شما بید
خوی خوبان ستم‌پیشه عتاب است عتاب
هزار ناوک حسرت به دل نشست مرا
درد ما مایه صد گونه دوا بود، دوا

۱۳- در کدام بیت «پسونده» در واژه قافیه، متفاوت است؟

- (۱) ز خورد و خواب بگذر گر دل بیدار می‌خواهی
(۲) نباشد هیچ بنیادی ز سیل حادثات ایمن
(۳) سحرخیزی ز آب زندگی سیراب می‌گردد
(۴) گرفتار تو را چشم ترخم نیست از مردم
- که بیداری ز پی خواب تن‌آسانی نمی‌دارد
به غیر از خانه‌بردوشی که ویرانی نمی‌دارد
که دست از دامن شب‌های ظلمانی نمی‌دارد
که اتید شفاعت صید قربانی نمی‌دارد

۱۴- نقش واژه‌های مشخص‌شده در مصراع زیر با کدام مصراع، به ترتیب، یکسان است؟

«سرو و مهت نخوانم، خوانم، چرا نخوانم»

- (۱) به غیر مصلحتش رهبری کند ایام
(۲) فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد
(۳) این بار می‌برند که زندانی ات کنند
(۴) گفت آگه نیستی کز سر درافتادند کلاه

۱۵- صفت‌های «نسبی، مفعولی، لیاقت و فاعلی» به ترتیب، در کدام مصراع‌ها آمده است؟

- (الف) یا سخن دانسته گو ای مرد عاقل یا خموش
(ب) پروا مکن، بشتاب، همت چاره‌ساز است
(ج) هر که فانی شد ز خود مردانه‌ای است
(د) در گره چون غنچه صد گلزار دارم دیدنی
- (۱) الف - ب - د - ج (۲) ج - الف - ب - د (۳) د - ب - ج - الف (۴) ج - الف - د - ب

۱۶- با توجه به سروده زیر، کدام مورد نادرست است؟

- «گریه کنی اگر که آفتاب را ندیده‌ای، ستاره‌ها را هم نمی‌بینی / ماهی در آب خاموش است و چارپا روی خاک هیاهو می‌کند و پرنده در آسمان آواز می‌خواند.»
- (۱) فعل «مضارع اخباری و ماضی نقلی» در شعر وجود دارد.
(۲) «پیوند وابسته‌ساز و هم‌پایه‌ساز» در سروده یافت می‌شود.
(۳) اجزای یکی از جمله‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است.
(۴) سروده از یک جمله غیرساده و سه جمله ساده تشکیل شده است.

۱۷- زمینه حماسه در همه ابیات یکسان است، به جز:

- (۱) سیاوش سیه را به تندی بتاخت
- (۲) سیاوش بیامد به پیش پدر
- (۳) درفش همایون برافراختند
- (۴) جهانجوی کیخسرو تاجور

۱۸- کدام ابیات مفهومی یکسان دارند؟

- (الف) رطب نآورد چوب خرزهره بار
- (ب) هر دو گون آهو گیا خوردند و آب
- (ج) هر کسی تخمی به خاک افکند و ماد یوانگان
- (د) نه ابلیس بد کرد و نیکی بدید

(۱) الف - ج - د (۲) الف - ب - د

(۳) ب - ج - د

(۴) الف - ب - ج

۱۹- مفهوم «غم» در کدام بیت، متفاوت است؟

- (۱) غم تو موهبت کبریاست در دل من
- (۲) دل در بر من زنده برای غم توست
- (۳) تا خار غم عشقت آویخته در دامن
- (۴) دور از تو با سیاهی شبهای غم گذشت

۲۰- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«جهد بر توست و بر خدا توفیق»

- (۱) گر همی لعل بایدت کان کن
- (۲) به هر کاری که باشد تا توانی
- (۳) ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست
- (۴) رو بجو یار خدایی را تو زود

۲۱- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«مرّوت نبینم رهایی ز بند»

- (۱) دوستی را چنان کسی باید
- (۲) دوستان را به گاه سود و زیان
- (۳) که مرد ار چه بر ساحل است ای رفیق
- (۴) به کام دشمن دون دست دوستان بستن

۲۲- مفهوم عبارات زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

«گوهر محبت بود که بر ملک و ملکوت عرضه داشتند، هیچ کس استحقاق خزانه‌داری آن گوهر نیافته، خزانگی آن را دل آدم لایق بود.»

- (۱) بار بی اندازه دارم بر دل از سودای عشقت
- (۲) قامت چرخ خمید و کمر کوه شکست
- (۳) من که پشتم خم از این بار گران گردیده است
- (۴) ناز تو و نیاز تو شد همه دلپذیر من

۲۳- مفهوم کدام بیت، یادآور سروده زیر است؟

«مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد»

- (۱) گوش تا تشنه گفتار نباشد چو صدف
- (۲) سخن که تیغ زبانها ازوست جوهردار
- (۳) سست در گفتار مانند گنهکاران مباش
- (۴) سخن گفته دگر باز نیاید به دهن

نشد تنگدل جنگ آتش بساخت
یکی خود زرین نهاده به سر
سراپرده و خیمه‌ها ساختند
نشسته بر آن تخت و بسته کمر

چو تخم افکنی بر همان چشم دار
زین یکی سرگین شد و زآن مشک ناب
دانه زنجیر در دامان صحرا کاشتیم
بر پاک ناید ز تخم پلید

نمی‌دهم به سرور بهشت این غم را
بیگانه خلق و آشنای غم توست
کوته‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها
این مردنی که زندگی‌اش نام کرده‌ایم

زان که توفیق و جهد هست رفیق»

ور همی عشق بایدت جان کن
خدا را یاد کن دیگر تو دانی
در حضرت کریم تمنا چه حاجت است
چون چنان کردی خدا یار تو بود

به تنها و یارانم اندر کمند»

که از او کار بسته بگشاید
بتوان دید و آزمود توان
نیاساید و دوستانش غریق
به دوستی که نه شرط مرّوت است ای دوست

غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد»

مفشان قطره خود همچو رگ ابر بهار
خیی است در قدح خوشگوار خاموشی
سعی کن چون بی‌گناهان بر سخن باشی سوار
اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد



۲۴- مفهوم کدام بیت با بیت زیر، متناسب نیست؟

«هر آن وصفی که گویم بیش از آنی»

(۱) هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی برکشد

(۲) آن به که زبان درکشم از وصف جمالت

(۳) ای چشم عقل خیره در اوصاف روی تو

(۴) این دریغم می‌کشد کافکنده‌ای اوصاف خویش

۲۵- از کدام بیت، مفهوم بیت زیر درک می‌شود؟

«ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز»

(۱) تا نهادم بر سر کویش قدم رفتم ز دست

(۲) هست در شرع محبت رسم و آیین دگر

(۳) دردسر تا نکشی صائب از این بی‌خبران

(۴) در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست

یقین دانم که بی‌شک جان جانی»

وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای

زیرا که به ذاتش نرسد خاطر و صاف

چون مرغ شب که هیچ نبیند به روشنی

در زبان عام و خاصان را زبان افکنده‌ای

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

گرده بیهوش‌دارو بود خاک کوی دوست

خوردن خون جایز است و دم‌زدن دستور نیست

گوشه‌ای امن‌تر از عالم خاموشی نیست

با جان بودن به عشق در سامان نیست

سراسری ۱۴۰۰ داخل کشور

پاسخ نامه آزمون عمومی رشته انسانی

توجه

قالب به معنی «شکل و چارچوب، جسم و کالبد، تن و بدن» است و غالب، یعنی «غلبه کننده، چیره و مسلط، پیروز، اغلب و بیشتر».

۵- گزینه خوابیدن در این گزینه با املای غلطی آمده و شکل درست آن، **خاییدن** (جویدن) است.

در این سؤال، واژه‌های مهمی مانند فصاحت (زبان‌آوری، روانی و شیوایی کلام)، صباحت (جمال و زیبایی)، دهر (روزگار و زمانه)، صفوت (پاکی و خلوص)، خطام (خرده و ریزه خشک هر چیزی، مال اندک)، قدر (اندازه و مقدار) و بیغوله (کنج و گوشه)، همگی با املای درستی به کار رفته‌اند.

۶- گزینه ۲ املای دو واژه غلط است: ۱- **تغیر** ← **تقریر** (بیان، بیان کردن) ۲- **خوار** ← **خار** (تیغ درخت و گل، هر چیز نوک‌تیز)؛ خوار (پست و حقیر، زبون) تناسبی با عبارت ندارد و از معنی و محتوای جملات پایانی و همچنین حضور واژه گل و مجروح شدن دست‌ها، می‌توان دریافت که **خار** صحیح است. واژه‌های مهم املایی: **حُبّ طینت**: بدذاتی - **آز**: حرص، **وَلَع** - **قاصر**: عاجز و ناتوان - **تبعث**: نتیجه بد و ناگوار - **محفوظ**: بهره‌ور

۷- گزینه ۱ هر دو بیت از کتاب فارسی یازدهم انتخاب شده است. بیت «الف» از قلمرو زبانی درس ۱ از اوحدی است و بیت «ب» مربوط به قلمرو فکری درس ۳ همین کتاب و سروده رهی معیری است.

۸- گزینه ۱ در این گزینه دو تشبیه به کار رفته است: ۱- تیر ستم ۲- تیغ جفا. توجه داشته باشید که در این گزینه «مریض شوق» و «قتیل عشق» اضافه تشبیهی نیستند، زیرا اولی به معنی کسی است که در راه شوق و یا به واسطه شوق مریض شده است و دومی به معنی کسی است که در راه عشق یا به واسطه عشق کشته شده است. سایر گزینه‌ها:

۱- چمن حُسن ۲- [چمن] لطافت ۳- گلستان وصال
۲- ۱- زلف لیلی صفت (زلفی که همچون زلف لیلی است). ۲- زلف [مانند] دام است ۳- دانه خال
۴- ۱- زلف شیرنگ (زلفی که همچون شب سیاه و تیره است). ۲- من مانند شمع، سر تا پا آتش گرفته‌ام. ۳- آتش سودا

۹- گزینه این گزینه فاقد ایهام است اما دو حسن تعلیل دارد: ۱- علت درخشیدن خورشید، نور رخسار یار است. ۲- علت خوشگواری شراب، لب شکربار یار است.

زبان و ادبیات فارسی

۱- گزینه «آلودگی، چرک» معنی واژه شوخ (بیت د)، «نوع، روش» معنی واژه نَمَط (بیت الف)، «کسی که ظاهری آشفته دارد، عاشق و عارف» معنی واژه شوریده است (بیت ج) و «بی‌نیازی، توانگری» معنی واژه غنا (بیت ب) است.

۲- گزینه معنی واژه‌ها: **دوال**: چرم و پوست - **رُقعت**: رُقعه، نامه کوتاه، یادداشت - **درایت**: آگاهی، دانش، بینش - **التهاب**: شعله‌ور شدن و برافروختن؛ مجازاً ناآرامی، بی‌قراری و اضطراب - **باره**: اسب - **اذن**: اجازه، رخصت

در ۱، معنی ارائه شده برای سه واژه (دوال، درایت، باره) صحیح و مناسب است. در ۲، معنای ذکر شده برای دو واژه (باره، اذن) درست است. در ۳، چهار واژه (درایت، اذن، رُقعت، دوال) به درستی معنی شده است و در ۴، معنای ذکر شده برای دو واژه (رُقعت، درایت) مناسب و صحیح است.

در ۲، «بی‌قرار» صفت و معنی واژه مُلتهب است، نه التهاب؛ و «یک لایه» نیز معادل یک دوال است. در ۴، «شعله» معنای لَهیب است نه التهاب و «اسب تندرو» هم معنای واژه نَوَند است.

۳- گزینه معنای صحیح واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند: **استقرار**: برپایی، برقرار و ثابت کردن کسی یا چیزی در جایی، مستقر شدن - **رواق**: بنایی با سقف گنبدی یا به شکل هرم - **شَبّیح**: آنچه به صورت سیاهی به نظر می‌آید، سایه موهوم از کسی یا چیزی - **طیلسان**: نوعی ردا، نوعی جامه بلند و گشاد که خطیبان و قاضیان به دوش می‌انداخته‌اند. - **خُشاب**: جعبه فلزی مخزن گلوله که به اسلحه وصل می‌شود و گلوله‌ها پی‌درپی از آن وارد لوله سلاح می‌شود.

۴- گزینه غلط‌های املایی و شکل صحیح آن‌ها:
۱ **برخواستی** ← **برخاستی** (= برمی‌خاست: از میان می‌رفت، زایل می‌شد، منسوخ می‌شد، ور می‌افتاد)
۲ **ملازم** ← **مُلازم** (همراه و همدم)
۴ **قالب** ← **غالب** (چیره و مسلط)

توجه

برخاستن در معانی «به پا خاستن و بلندشدن، طلوع کردن و تابیدن، فرارشدن، پیدا و آشکار شدن، شورش و قیام کردن، آماده‌شدن، از میان رفتن، به وجود آمدن و ...» کاربرد دارد و **خواستن** در معانی «طلبیدن، اراده کردن، قصدداشتن، آرزو کردن، تقاضا و خواهش کردن».



نقش تبعی: در این بیت دو نقش تبعی تکرار وجود دارد.

اشک ما نسخهٔ صد رشته گهر بود گهر
نقش تبعی تکرار

درد ما مایهٔ صد گونه دوا بود دوا

نقش تبعی تکرار

نقش تبعی تکرار آن است که یک واژه در یک نقش، در یک جمله دو بار تکرار شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

نقش تبعی معطوف دارد: بتخانه معطوف کعبه است. / ممیز وجود ندارد.

نقش تبعی تکرار دارد: «نیاز» در پایان مصراع اول و «عتاب» در پایان مصراع دوم در یک نقش تکرار شده‌اند. / ممیز ندارد.

نقش تبعی ندارد. / ممیز: «ناوک» در «هزار ناوک حسرت» ممیز و به عنوان واحد شمارش «حسرت» به کار رفته است.

۱۳- گزینه ۳ «ظلمانی» صفت نسبی است و در آن اسم + پسوند «انی» شده است. در سایر گزینه‌ها پسوند واژهٔ قافیه «ی» اسم‌ساز یا صفت‌ساز است.

بررسی واژهٔ قافیه در سایر گزینه‌ها:

تن آسانی: تن آسان (صفت) + ی اسم‌ساز — اسم

ویرانی: ویران (صفت) + ی اسم‌ساز — اسم

قربانی: قربان (اسم) + ی صفت‌ساز — صفت

۱۴- جملهٔ اول مصراع سؤال را طبق فارسی معیار مرتب می‌کنیم:

سرو و مهت نخوانم — تو را سرو و مه نخوانم.
مفعول مسند

چه کسی را سرو و مه نخوانم؟ تو را
مفعول

تو را چه نخوانم؟ سرو و مه
مسند

توجه

فعل از مصدر «خواندن» اگر در معنای «نامیدن» باشد مفعول و مسند می‌پذیرد و در چنین جمله‌ای مسند به مفعول نسبت داده می‌شود؛ علاوه بر این، فعل‌های «پنداشتن» و «شمردن» مفعول و مسند می‌خواهند و نیز فعل «کردن» اگر در معنای «گردانیدن» باشد. پس در میان گزینه‌ها باید به دنبال فعلی باشیم که مفعول و مسند می‌پذیرد.

در گزینه‌های ۱ و ۳ فعل از مصدر «کردن» وجود دارد؛ اما در فعل «کند» جزئی از فعل مرکب «رهبری کند» است و فقط مفعول می‌پذیرد و «ش» (او را) مفعول آن است: پس پاسخ ۳ است.

می‌برند که زندانی ات کنند — می‌برند که تو را زندانی کنند.^۱
مفعول مسند

۱۵- بررسی صفت‌ها در مصراع‌ها:

الف) دانسته: صفت مفعولی / عاقل: صفت مطلق / خموش: صفت مطلق

۱- احتمالاً به دلیل خطای تایپی یا چاپی کلمات گزینه‌های (۱) و (۲) مشخص نشده‌اند؛ از بحث خوب پاسخ در بین این دو گزینه نبود.

توجه

واژهٔ «مهر» واژهٔ ایهام‌ساز پرکاربرد است اما در این بیت، ظاهراً در معنی «عشق» قابل جاگذاری نیست.

۱ استعاره (مکنیه): موج حلاوت (اضافهٔ استعاری) / مجاز: چمن مجاز از گلستان و گلزار

۲ جناس: در و بر / کنایه: کوتاه‌دستی کنایه از ناتوانی - صد آغوش کنایه از تمام وجود - عنبرین‌مو کنایه از معشوق

۳ استعاره: گیتی توانایی پرورش و دون‌پروری دارد، پس بیت تشخیص و استعاره (مکنیه) دارد. / پارادوکس: در گدایی گنج سلطانی داشتن.

۱۰- بررسی ابیات:

الف) ایهام و ایهام تناسب: در این بیت «کمین» به معنی «کم‌ترین» است اما در معنی «پنهان‌شدن به قصد حملهٔ ناگهانی به دشمن» با کماندار، شیر و نجحیر تناسب دارد. هم‌چنین در «شیران جهانند» ایهام وجود دارد: ۱- شیران دنیا ۲- شیران جهنده (حمله‌کننده).

ب) ایهام تناسب: «مردم» در این بیت به معنی «انسان‌ها» به کار رفته اما در معنی «مردمک» با «چشم» تناسب می‌سازد.

ج) «مهر» در این بیت به معنی «خورشید» است اما در معنی «محبت» با «عشق» تناسب می‌سازد. در ضمن «فروغی» در این بیت تخلص شاعر است (فروغی بسطامی شاعر قرن سیزدهم) اما در معنی «نور و روشنائی» با «ماه و تابش» تناسب می‌سازد.

د) ایهام و ایهام تناسب ندارد. واژهٔ «مهر» فقط در معنای محبت به کار رفته است و در معنای خورشید نمی‌تواند با «مه» در واژهٔ «مهوشان» تناسب ایجاد کند، چون «مه» این‌جا واژهٔ مستقل نیست. «مهوشان» یک واژه و کنایه از زیبارویان است.

ه) «چنگ» در این بیت به معنی «ساز چنگ» است اما در معنی «پنجه» با «دست» تناسب می‌سازد.

۱۱- با اسلوب معادله گزینه‌های ۲ و ۴ رد می‌شوند، زیرا مصراع‌ها با «که» وابسته‌ساز به همدیگر وصل شده‌اند و فاقد استقلال دستوری هستند. با تشبیه نیز می‌توان ۲ را رد کرد، زیرا بیت «ج» فاقد تشبیه است.

بررسی آرایه‌های ابیات براساس پیشنهاد ۱:

د) حسن تعلیل: علت بالا و پایین پریدن و سروصداکردن اسفند در آتش، دیدن چهرهٔ آشناک یار است.

ه) استعاره: آغوش داشتن گل تشخیص و استعاره (مکنیه) است.

ج) کنایه: «زیر پا دیدن» کنایه از توجه به افراد ضعیف و فقیر است. تشبیه: روی گندمگون (چهره‌ای که به رنگ گندم است).

الف) اسلوب معادله: همان‌طور که صبح از اخترفشانی، پاکدامن و روشن می‌شود، اشک ندامت نیز دل را سفید می‌کند. می‌بینید که حداقل یکی از مصراع‌ها مثال است، مصراع‌ها معادل معنایی دارند و بین دو مصراع هیچ نوع رابطه و اتصال دستوری‌ای وجود ندارد.

۱۲- ممیز: «رشته» در «صد رشته گهر» و «گونه» در «صد گونه دوا» ممیزند.

ممیز وابستهٔ وابسته‌ای است که برای شمارش تعداد، اندازه یا وزن موصوف بین عدد و معدود می‌آید.



خرما بار نمی‌دهد و فقط آهوی مشک، مشک تولید می‌کند. اما در بیت «ج» سخن از این است که هر کس بذری می‌کارد و سرمایه‌گذاری می‌کند و دیوانگان هم دیوانگی خود را سرمایه خود قرار می‌دهند. از آن‌جا که کلاً چهار بیت داریم و گزینه‌ها سه بیتی‌اند، فقط کافی بود بیتی را که با بقیه تناسب معنایی ندارد پیدا می‌کردید.

۱۹- گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ مقصود از «غم»، غم عشق است و این غم، مطلوب و شیرین است و عاشق آن را با شادی بهشت هم عوض نمی‌کند؛ اما در ۴ مقصود از «غم»، غم نامطلوب است که با مردن تفاوتی ندارد.

۲۰- مفهوم بیت سؤال این است که توفیق و عنایت الهی همواره با تلاش و کوشش انسان همراه است و کسی که تلاش نکند به توفیق نمی‌رسد. در هیچ کدام از گزینه‌ها به طور دقیق این مفهوم دیده نمی‌شود. هر کدام از گزینه‌ها را تحلیل می‌کنیم تا ببینیم با کدام بیت تناسب بیشتری دارد:

۱ برای رسیدن به هر چیز باید برای آن زحمت کشید و لازمه رسیدن به عشق، جانبازی است.

۲ در همه کار خدا را یادکردن

۳ در محضر کریم، نیازی به ابراز نیاز نیست (شخص کریم بدون بیان حاجت، نیاز نیازمند را برآورده می‌سازد).

۴ کسی که یار خدایی طلب کند خداوند نیز یار اوست.

اگر از منظر مفهوم کلی به بیت سؤال نگاه کنیم که همان لزوم تلاش در راه رسیدن به مقصد است و اگر تلاش نباشد توفیق رسیدن هم وجود ندارد، ۱ پاسخ مناسب‌تری برای تست خواهد بود. هرچند که ۴ هم تنها گزینه‌ای است که به توفیق و یاری خداوند اشاره دارد.

۲۱- مفهوم مشترک بیت سؤال و ۲ ترجیح یاران بر خود است و این‌که از مروت و مردانگی دور است کسی آسوده باشد در حالی که یاران و دوستانش گرفتار هستند. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ دوست آن است که بتواند گرفتاری‌ها را از بین ببرد.

۲ در هنگام سختی و وقتی سود و زیان مطرح است، می‌توان دوستان را شناخت.

۴ جفاکردن به دوستان برای رضایت دشمنان، خلاف جوانمردی است.

۲۲- مفهوم مشترک عبارت سؤال و ۲ این است که تنها انسان، شایسته پذیرفتن امانت عشق الهی است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ طلب عنایت از معشوق بی‌رحم / گله کردن از سنگینی بار عشق

۲ کسی که خودش گرفتار است نمی‌تواند منفعتی به دیگران برساند.

۴ ناز معشوق را خوشایند دانستن

۲۳- همانند بیت سؤال سخن از این است که اگر مخاطب سخن‌شناسی وجود نداشته باشد، سخن‌گو اشتیاقی به سخن گفتن ندارد. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲ برتری سکوت و خاموشی بر سخن

۳ همانند بی‌گناهان سخن محکم گفتن و پرهیز از سخن سست

۴ سنجیده و با تأمل سخن گفتن

ب) چاره‌ساز: صفت فاعلی

ج) فانی: صفت مطلق / مردانه: صفت نسبی

د) صد: صفت شمارشی / دیدنی: صفت لیاقت

می‌بینیم که فقط در مصراع «د» صفت لیاقت وجود دارد؛ پس دو گزینه ۲ و ۳ که مصراع‌های «ب» و «ج» را دارای صفت لیاقت دانسته‌اند حذف می‌شوند. از بین مصراع‌های «الف» و «ج» هم فقط مصراع «ج» صفت نسبی دارد؛ پس پاسخ ۴ است.

۱۶- گزینه مهم‌ترین فعل‌هایی که جمله‌هایی با اجزای «نهاد + مفعول + مسند + فعل» درست می‌کنند، فعل‌های زیر هستند:

۱- پنداشتن و فعل‌های هم‌معنای آن: دیدن، دانستن، یافتن

۲- شمردن و فعل‌های هم‌معنای آن: به شمار آوردن، به حساب آوردن

۳- نامیدن و فعل‌های هم‌معنای آن: خواندن، صداکردن، گفتن

۴- گردانیدن و فعل‌های هم‌معنای آن: نمودن، کردن، ساختن

در سروده سؤال، فعل‌های «ندیده‌ای»، «نمی‌بینی»، «می‌کند» و «می‌خواند» هیچ‌کدام در معانی «مفعول و مسندپذیر» به کار نرفته‌اند و فقط مفعول می‌پذیرند و نقش مسند در این جمله‌ها وجود ندارد.

۱- چه چیز را ندیده‌ای؟ آفتاب را
مفعول

۲- چه چیز را نمی‌بینی؟ ستاره‌ها را
مفعول

۳- چه چیزی را می‌کند (انجام می‌دهد)؟ هیاهو را
مفعول

۴- چه چیز را می‌خواند؟ آواز را
مفعول

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ مضارع اخباری: نمی‌بینی، است، می‌کند، می‌خواند / ماضی نقلی: ندیده‌ای

۲ پیوند وابسته‌ساز: اگر، که

پیوند هم‌پایه‌ساز: «و» هم‌پایه‌ساز بین سه جمله پایانی قرار گرفته و آن‌ها را هم‌پایه کرده است.

۴ یک جمله غیرساده (مرکب):

اگر گریه کنی که آفتاب را ندیده‌ای ستاره‌ها را هم نمی‌بینی.
پیوند جمله پیوند وابسته‌ساز جمله وابسته

سه جمله ساده: ماهی در آب خاموش است. / چارپا روی خاک هیاهو می‌کند. / پرند در آسمان آواز می‌خواند.

۱۷- گزینه در ۱ رویارویی شجاعانه سیاوش با آتش نشانگر زمینه قهرمانی است و سایر گزینه‌ها نشان‌دهنده زمینه ملی هستند. ۲ خود زرین بر سر گذاشتن شاهزاده (البته مثال مناسبی برای زمینه ملی نیست). ۳ برافراشتن درفش پادشاهی در محل اقامت؛ ۴ بر تخت نشستن پادشاه و کمر پادشاهی بستن.

۱۸- گزینه در ابیات «الف»، «ب» و «د» این مفهوم مشترک است که هر چیزی مطابق ذات و اصلش رفتار می‌کند. چوب خرزهره



تأکید شده است و این که عاشق واقعی جان می‌دهد ولی دم نمی‌زند.
مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱ از خود بی‌خود شدن عاشق با قدم نهادن در کوی دوست
- ۳ امن و آرام بودن عالم خاموشی
- ۴ شرط عاشقی ترک وجود مادی و فداکردن خود است.

۲۴- گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ همانند بیت سؤال سخن از وصف‌ناپذیری خداوند است. در ۴ مفهوم اصلی افسوس خوردن عاشق از فراگیرشدن نام و اوصاف معشوق در زبان افراد نالایق و سکوت افراد خاص و شایسته است.

۲۵- گزینه ۲ در ۲ همانند بیت سؤال بر مفهوم سکوت و رازداری

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

داخل کشور

ویژه نظام آموزشی ۲-۳-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی زبان
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان و ادبیات فارسی

۱- با توجه به واژه‌های زیر معنی واژه‌های زوج، کدام است؟

«شرف، نجابت، اهلیت، داروغه، محتسب، کافی، مخنقه، عقد، مسامحه»

- (۱) اصالت، بزرگواری، سهل‌انگاری، شایستگی
(۲) بزرگواری، مأمور حکومتی، باکفایت، لیاقت
(۳) کارآمد، گردن‌بند، پاسبان و نگهبان، بزرگواری
(۴) پاک‌منشی، مجری احکام دینی، بسنده، آسان‌گرفتن

۲- در همه ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «همگی» دارای معنی مشترکی هستند، به جز:

- (۱) حریر سرخ بیرق‌ها گشاده
(۲) یکی ماه‌پیکر درفش از بَرش
(۳) زیرنشین علمت کاینات
(۴) چو رایست چنین است مردان کین
نیستانی به آتش درفتاده
به ابر اندر آورده تابان سرش
ما به تو قایم چو تو قایم به ذات
بخواه و مکن تیره روی زمین

۳- با توجه به واژه‌های داده‌شده، معنی واژه‌های «فرد» در کدام مورد «همگی» درست است؟

«سامان، سفله، حمایل، طفیلی، نشئه، پگاه، عفاف، دستور»

- (۱) کیفوری، پارسایی، میسر، محافظ
(۲) درخور، سرمستی، پرهیزکاری، وابسته
(۳) امکان، فرومایه، نگه‌دارنده، صبح
(۴) لایق، بدسرشت، حالت سرخوشی، اجازه

۴- در متنی زیر چند «غلط املائی» یافت می‌شود؟

«گفت: حول ارتکابی کردی و این غدر را مدخلی نیک باریک جستی. مسند خلافت را صاحب سدر چنین بوده است. این اسامی را از فاتحت تا خاتمت آر و شرط ترتیب و ترکیب در وی نگه دار تا سمع را از تو فایده دهد و جمع را از تو ماعده»

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۵- در کدام ابیات «غلط املائی» به چشم می‌خورد؟

- الف) بی نسیم رضات روزۀ عمر
ب) گوشه و خوشه بساخت از پی مجد و سنا
ج) در این مقام، طرب بی‌تعجب نخواهد دید
د) کمانی چو خفته ستون سطر
ه) غبار هوا چشم عقلت بدوخت
الف - ب - د (۱)
الف - ج - د (۲)
ب - ج - ه (۳)
ب - د - ه (۴)
سرنشوونمانمی‌یابد
گوشۀ عرش از سریر خوشۀ چرخ از بنان
که جای نیک و بد است این سرای پاک و پلید
ز هُش چون کمندی ز چرم هُزیر
سموم هوس کشت عمرت بسوخت

۶- در کدام عبارت «غلط املائی» وجود دارد؟

- (۱) ملک از استماع این نصیحت امتناع نمود و سخن مُشیر بی‌نظیر را خوار داشت.
(۲) جانب دوست تو رعایت‌کردن و آزر مونس تو نگاه‌داشتن لازم آید، دل قوی دار و هراس و نفرت را به خود راه مده.
(۳) پیر را آرز مال در کار آورد تا جانب دین و مروت مهمل گذاشت و ارتکاب این محذور به خلاف شریعت و طریقت جایز شمرد.
(۴) ثقت پادشاه و رعیت به کمال اخلاص او می‌افزود و در همه معانی او را محرم می‌داشتند و در ابواب مهمات با او مشاورت می‌پیوستند.

۷- انتساب کدام سروده به سراینده آن «غلط» آمده است؟

- (۱) و تو شکر خدا کن، به هنگام رنج/ و شکر او کن، به وقت رستن از رنج (گوته)
(۲) چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟ (شکسپیر)
(۳) ای مسافر دیرین بر روی خار و درد/ ای چون ستاره، فروزان/ بگذار گرد و خاک قدم‌هایت را برگیرم. (نزار قبانی)
(۴) خنده‌ات که رها می‌شود/ و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید/ تمامی درهای زندگی را/ به رویم می‌گشاید. (تاگور)

۸- در کدام بیت «دو ایهام» و «یک استعاره» وجود دارد؟

- (۱) یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم
(۲) ساقی ار باده از این دست به جام اندازد
(۳) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت
(۴) گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد
زان دو لب شیرین صد شور برانگیزم
عارفان را همه در شرب مدام اندازد
قطره باران ما گوهر یک دانه شد
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

۹- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

- (۱) در آن دریای خون در دشت تاریک
(۲) میل رفتن مکن ای دوست، دمی با ما باش
(۳) خواهم که پیش میرمت ای بی‌وفا طبیب
(۴) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست
- به دنبال سر چنگیز می‌گشت (جناس، اغراق)
بر لب جوی، طرب جوی و به کف ساغر گیر (جناس تام، مجاز)
بیمار بازپرس که در انتظارمت (استعاره، ایهام)
خموشنند و فریادشان تا خداست (پارادوکس، ایهام)

۱۰- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

- «تا هست تاج عشق توام بر سر ای غزال»
(۱) استعاره، جناس، تضاد، تشبیه
(۳) تشبیه، حس آمیزی، اغراق، ایهام
- شیرین بود به شهر غزل شهریاریم
(۲) استعاره، جناس، تشبیه، ایهام
(۴) جناس، حس آمیزی، کنایه، حسن تعلیل

۱۱- تعداد تشبیه در کدام بیت، بیش از سایر ابیات است؟

- (۱) غمی که چون سپه زنگ ملک دل بگرفت
(۲) چون رایست عشق آن جهانگیر
(۳) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب
(۴) بی‌تأمل چون عرق بر روی خویان می‌رویم
- ز خیل شادی روم رخت زداید باز
شد چون مه لیلی آسمان‌گیر
ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
چون کمند زلف گستاخ بر و دوشیم ما

۱۲- در سروده زیر چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

- «این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / این گلیم تیره‌بختی‌هاست / خیس خون داغ سهراب و ...»
(۱) یک، هفت
(۲) دو، هفت
(۳) سه، هفت
(۴) دو، هشت

۱۳- در کدام مصراع، فعل اسنادی و غیراسنادی «هر دو» یافت می‌شود؟

- (۱) من در میان جمع و دلم جای دیگر است
(۳) دردی است غیر مردن کان را دوا نباشد
- ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست
(۴) باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست

۱۴- صفت‌های «نسبی، فاعلی، لیاقت و مفعولی» به ترتیب، در کدام سروده‌ها آمده است؟

- الف) لاله‌زاری در دل افکار دارم دیدنی
ب) تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم
ج) از پس نبردی سخت باز می‌گردم با چشمانی خسته
د) ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین پیوند خورده‌ای
- (۱) ب - الف - ج - د
(۲) ب - د - ج - الف
(۳) د - الف - ب - ج
(۴) د - ب - الف - ج

۱۵- در ابیات زیر به ترتیب «چند قید و چند مسند» یافت می‌شود؟

- «شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم
دوران روزگار به ما بگذرد بسی
(۱) پنج، دو
(۲) پنج، سه
(۳) شش، دو
(۴) شش، سه
- زود آیند و زود می‌گذرند
گاهی شود بهار دگر گه خزان شود»

۱۶- نقش قسمت‌های مشخص‌شده در ابیات زیر، به ترتیب، کدام است؟

- «با بدان کم نشین که صحبت بد
آفتابی بدین بزرگی را
(۱) قید، مسند، نهاد، مفعول، قید
(۳) مسند، نهاد، مسند، متمم، قید
- گرچه پاکی تو را پلید کند
لگه‌ای ابر ناپدید کند»
(۲) قید، نهاد، مسند، مفعول، مسند
(۴) مسند، نهاد، نهاد، مفعول، مسند

۱۷- مفهوم کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟

- «صورت زیبای ظاهر هیچ نیست
(۱) چون بگشایم ز سر مو شکن
(۲) می‌شد از غیرت آینه دل عاشق آب
(۳) ضمیر پیش‌بین او روان چون آب می‌خواند
(۴) نباشد نیک‌باطن در پی آرایش ظاهر
- ای برادر سیرت زیبا بیار
ماه ببیند رخ خود را به من
خوبی معنی اگر جلوه به صورت می‌کرد
ز لوح چهره امروز نقش صورت فردا
به نقاش احتیاجی نیست دیوار گلستان را

۱۸- مفهوم کدام ابیات یکسان است؟

- (الف) در شکست دل ماسعی فلک بی جا نیست
(ب) بر چرخ سست عهد منه دل ز سادگی
(ج) در آن گلشن که عمر باغبان از گل بود کمتر
(د) تن ده به بخت شور که خوابانده است چرخ
(ه) دل چه بندی در این سرای مجاز
- (۱) ب - ج - ه (۲) الف - ج - د

۱۹- کدام بیت «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«چه وجود نقش دیوار و چه آدمی که با او

- (۱) کسی کز عشق خالی شد فسرده است
(۲) غلام عشق شو کاندیشه این است
(۳) دلی که عشق نبازد ز سنگ خاره بود
(۴) زنده نه آن است که جانی در اوست

۲۰- کدام بیت، با سروده زیر «هم مفهوم» است؟

«اگر فکر و حواسم این جهانی است / بهره ای والاتر از بهر من نیست / روح را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد / زیرا هر دم به تلاش است تا

که فرا رود.»

- (۱) مرغ دل داشت هوای تو در اقلیم دگر
(۲) با اهل فنا دارد هر کس سر یکرنگی
(۳) ما طایر قدسیم و ز خلوتگه انسیم
(۴) به روز مرگ چو تابوت من روان باشد

۲۱- مفهوم «کُلُّ شَیْءٍ یَرْجِعُ اِلَی اَصْلِهِ» از کدام بیت، دریافت می شود؟

- (۱) به کوشش نروید گل از شاخ بید
(۲) به رحمت سر زلف تو واثقم ورنه
(۳) ندارد بازگشتی کفر و دین غیر از سر کوش
(۴) بی کشش نتوان برون از قید دنیا آمدن

۲۲- مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می شود؟

- «بنده همان به که ز تقصیر خویش
(۱) تو پیش از عقوبت در عفو کوب
(۲) تو یک نوبت ای ابر رحمت ببار
(۳) خدایا به غفلت شکستیم عهد
(۴) کرم بین و لطف خداوندگار

۲۳- کدام بیت «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد

- (۱) عطار در دل و جان اسرار دارد از تو
(۲) تنی چند بر گفت او مجتمع
(۳) سخن از مستمعان قدر پذیرد هیئات
(۴) سماع ای برادر نگویم که چیست

۲۴- همه ابیات با بیت زیر تضاد مفهومی دارند، به جز:

«دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا

- (۱) سینه باغی است که گلشن شود از خاموشی
(۲) خامشی مهر سلیمان بود و دیو سخن
(۳) می کشد مهر خموشی ز جگر زهر سخن
(۴) طوطی از صحبت آینه سخن ساز شود

می کند آینه صاف، خجل زنگی را
طاق شکسته نیست سزاوار شیشه را
زهی غافل که ریزد بر زمین رنگ اقامت را
از صبح در نمک جگر آفتاب را
همت پست، کی رسد به فراز

(۴) ب - د - ه

(۳) الف - د - ه

سخنی ز عشق گویند و در او اثر نباشد
گرش صد جان بود بی عشق مرده است
همه صاحب دلان را پیشه این است
چه دولتی بود آن دل که عشق باره بود
اوست که از عشق نشانی در اوست

کرد پروازی و در دام بلا افتادم
باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد
پابسته این کهنه قفس چند توان بود
گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

نه زنگی به گرمابه گردد سپید
کشش چو نبود از آن سو چه سود کوشیدن
به دریا می رود هر سیلی از کیهان ای ساقی
بی رسن از چاه هیئات است بالآمدن

عذر به درگاه خدای آورد
که سودی ندارد فغان زیر چوب
که در پیش باران نباید غبار
چه زور آورد با قضا دست جهد
گنه بنده کرده است و او شرمسار

غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد
چون مستمع نیابد پس چون کند روایت
چو عالم نباشی کم از مستمع
قطره در گوش صدف گوهر شهوار شود
مگر مستمع را بدانم که کیست

برون شد از پرده راز تو پرده پوشی چرا؟
دل چراغی است که روشن شود از خاموشی
به کف دیو مده مهر سلیمان زینهار
زخم این مار شود به، به همین مهره مار
روی بنما و مرا بر سر گفتار بیار



۲۵- مفهوم عبارت زیر با همه ابیات تناسب مفهومی دارد، به جز:

«حالی صواب آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم که رهایش ما در آن است.»

- | | |
|---|-------------------------------|
| (۱) آب را چون مدد بود هم از آب | گلستان گردد آنچه بود خراب |
| (۲) مورچگان را چو بود اتفاق | شیر ژبان را بدرانند پوست |
| (۳) مروت نبینم رهایی ز بند | به تنها و یارانم اندر کمند |
| (۴) دو دوست با هم اگر یکدلند در همه کار | هزار طعنه دشمن به نیمجو نخرند |

سراسری ۱۴۰۰ داخل کشور

پاسخ نامه آزمون عمومی رشته زبان

زبان و ادبیات فارسی

جایگاه)، خلافت و صاحب، می توان پی برد که صدر، صحیح و مناسب متن است نه بیدر (نام درختی گرمسیری و بسیار تناور، گنار).
ماده ← مانده (طعام و خوراک، خوان و طبق پر از طعام و نعمت)

۵- گزینه ۱ غلطهای املائی و شکل صحیح آن‌ها:
(الف) روزه ← روضه (باغ و گلزار)؛ معنای کلی بیت و حضور واژه‌های نسیم و نشو و نما، صریحاً به ما می‌گوید که کاربرد واژه روزه (منسوب به روز، پرهیز از خوردن و آشامیدن، صوم)، مناسب متن نیست.
(ب) سنا ← ثنا (ستایش، سپاس و تحسین)؛ با توجه به همراهی واژه مجد (بزرگی و کرم، عزت و شکوه)، می‌توان دریافت که ثنا مناسب و صحیح است نه سنا (نور، فروغ و روشنائی).
(ج) سطر ← ستر (درشت و ضخیم، کلفت، قوی و عظیم)
معنی بیت (الف): بدون ورزش نسیم رضایت و خرسندی تو ای پروردگار، باغ و گلزار عمر ما، امکان و توان رشد و بالندگی ندارد.

۶- گزینه ۳ در عبارت ۳، محذور املائی نادرستی دارد و املائی صحیح این کلمه، محذور (مانع، مجازاً کار ناروا) است.
در این سؤال، واژه‌های استماع (شنیدن و گوش‌دادن)، امتناع (خودداری و سر باز زدن)، خوار (بی‌ارزش و حقیر)، آزر (شرم و حیا، ادب، حرمت و احترام)، آرز (حرص و فزون‌خواهی)، مهمل‌گذاشتن (رهاکردن، کنارگذاشتن) و ثقت (اعتماد و اطمینان، خاطرجمعی) اهمیت املائی دارند.

۷- گزینه ۴ سروده ۴ از متن «خنده تو»، درس ۱۷ فارسی دوازدهم انتخاب شده است. این متن از مجموعه شعر «هوا را از من بگیر، خنده‌ات را نه» اثر پابلو نرودا است.
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ از متن «خوان عدل»، درس ۱۸ فارسی یازدهم است. این متن از کتاب «دیوان غربی - شرقی» اثر یوهان ولفگانگ گوته انتخاب شده است.

۲ از متن «عشق جاودانی»، درس ۱۸ فارسی دوازدهم است. این متن از کتاب «غزلواره‌ها» اثر شکسپیر است.

۳ از متن «سپیده‌دم»، درس ۱۷ فارسی دهم است. این متن از مجموعه شعر «سمفونی پنجم جنوب» اثر نزار قبانی انتخاب شده است.

۸- گزینه‌های ۱ و ۳ فاقد ابهام هستند و ۴ فقط یک ابهام دارد. پس پاسخ قاعداً باید ۲ باشد. توجه داشته باشید که در ۱ «شیرین» در معنی شخصیت داستانی مورد قبول نیست و همین‌طور «شور» در معنی طعم شور یا نام دستگاهی در موسیقی قابل قبول نیست. (در بهترین حالت، این دو واژه با هم ابهام تناسب دارند.) در ۴ نیز

۱- گزینه ۳ معنی واژه‌ها: شرف، آبرو، بزرگواری - نجابت؛ اصالت، پاک‌منشی، بزرگواری - اهلیت؛ شایستگی، لیاقت - داروغه؛ پاسبان و نگهبان، شب‌گرد - محتسب؛ مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود. - کافی؛ باکفایت، لایق، کارآمد - میخفته؛ گردن‌بند - عقد؛ گردن‌بند - مسامحه؛ آسان‌گرفتن، ساده‌انگاری

حتماً توجه دارید که صورت سؤال از ما خواسته است تا معنی واژه‌های زوج را بدون در نظر گرفتن ترتیب بباییم؛ یعنی واژه‌های «نجابت، داروغه، کافی، عقد». این واژه‌ها فقط در ۲ به درستی معنی شده‌اند. در ۱ فقط برای واژه «نجابت» دو معنی درست آورده شده و در ۲ و ۴ برای دو واژه «نجابت و کافی» معنای درست آورده شده است.

۲- گزینه ۲ واژه «بیرق» در ۱، واژه «درفش» در ۲ و واژه «علم» در ۳، همگی، معنی مشترک و یکسانی دارند و معادل معنایی «پرچم» هستند. اما در ۴، ترکیب «رایت = رای تو» (نظر و اندیشه تو)، نباید ما را به خطا بیندازد و این ترکیب را با واژه رایت به معنی «پرچم و درفش، بیرق، علم» اشتباه بگیریم!
«چو رایت چنین است ...»: وقتی نظر و اندیشه تو چنین است ...

۳- گزینه ۱ معنی واژه‌ها: سامان؛ درخور، میسر، امکان - سیفله؛ فرومایه، بدسرشت - خمایل؛ نگهدارنده، محافظ - طفیلی؛ منسوب به طفیل، وابسته، آن‌که وجودش یا حضورش در جایی وابسته به وجود کس یا چیز دیگری است؛ میهمان ناخوانده - نشئه؛ حالت سرخوشی، کیفوری، سرمستی - پگاه؛ صبح زود، هنگام سحر - عفاف؛ رعایت اصول اخلاقی، پرهیزکاری، پارسایی - دستور؛ وزیر، مشاور، اجازه دقت داشته باشید که صورت سؤال از ما معنی واژه‌های فرد را خواسته است؛ یعنی واژه‌های «سامان، خمایل، نشئه، عفاف». معنای صحیح این واژه‌ها بدون ترتیب در ۱ آمده است.

در ۲ معنی سه واژه (سامان، نشئه، عفاف)، در ۳ معنی دو واژه (سامان، خمایل) و در ۴ معنی یک واژه فرد (نشئه) درست آمده است.

۴- گزینه ۲ غلطهای املائی موجود در متن و شکل صحیح آن‌ها:

حول ← هول (ترسناک، وحشت‌انگیز، هولناک)؛ حول به معنای «طرف و پیرامون، قوه و قدرت» است و در این متن، املا و کاربرد مناسب و صحیحی ندارد.

بیدر ← صدر (مقام و منزلت، جاه و درجه)؛ با در نظر گرفتن معنی جمله «مسند خلافت را ...» و حضور واژه‌های مسند (مجازاً تخت و



۱۲- گزینه ۱ ترکیب وصفی: خون داغ
ترکیب‌های اضافی: عیار مهر - عیار کین - مهر و کین مرد - مهر و کین نامرد - گلیم تیره‌بختی - خیس خون - خون سهراب

۱۳- گزینه ۲

باز همان‌جا رویم جمله که آن شهر ما است
فعل غیراسنادی نهاد مسند فعل اسنادی
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ فعل اسنادی ندارد: من در میان جمع [هستم = حضور دارم]
فعل غیراسنادی

و دلم جای دیگر است (= حضور دارد)
فعل غیراسنادی

۲ فعل اسنادی ندارد: ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که را است =
فعل غیراسنادی فعل غیراسنادی
عزم تماشا برای که وجود دارد.

۳ فعل اسنادی ندارد: دردی است (= وجود دارد) غیر مردن، کان را دوا نباشد =
فعل غیراسنادی فعل غیراسنادی
که برای آن دواپی وجود ندارد.

۱۴- گزینه ۲ بررسی صفت‌ها در مصراع‌ها:

(الف) افکار: صفت مطلق / دیدنی: صفت لیاقت
(ب) پاک، پاکیزه، ارجمند: صفت مطلق / توانا: صفت فاعلی
(ج) سخت: صفت مطلق / خسته: صفت مفعولی
(د) برین: صفت نسبی
فقط در مصراع «الف» صفت لیاقت وجود دارد؛ با همین مورد تمام
گزینه‌ها حذف می‌شوند و پاسخ ۴ است.

۱۵- گزینه ۳ قیده‌ها: شاد و بی‌غم - زود - زود - بسی - گاهی -
دگرگه - ۶ قید

مسندها: بهار - خزان - ۲ مسند
طراح محترم تست «شاد و بی‌غم» را یک قید محسوب کرده است
و احتمالاً دلیل آن، این بوده که این دو قید با واو عطف در یک جمله
به هم معطوف شده‌اند و دو نقش قید محسوب نمی‌شوند.

۱۶- گزینه ۲

با بدان کم نشین که صحبت بد
فعل نهاد مسند
گرچه پاک‌ی تو را پلید کند
مسند

آفتابی بدین بزرگی را
مفعول

لگه‌ای ابر ناپدید کند
مسند

۱ فعل «کند» در بیت دوم از افعالی است که مفعول و مسند
می‌پذیرد و در جمله، مسند را به مفعول نسبت می‌دهد.

۱۷- گزینه ۲ مفهوم بیت سؤال برتری سیرت بر صورت است.

۴ شاعر می‌گوید: انسان نیک‌باطن نیازی به آرایش ظاهر ندارد
و با بیت سؤال کاملاً متناسب است.

می‌توان «بوی» را با دو معنی «رایحه» و «آرزو» پذیرفت. اما به‌جز این یک
مورد، ایهام دیگری در بیت به کار نرفته است.
بررسی ایهام‌ها و استعاره در ۲:

ایهام: الف - دست: ۱- اگر ساقی باده را با این دست [جذاب و زیبایی
خود] بدهد ... ۲- اگر ساقی باده را از این‌گونه و به این روش بدهد ...
ب - مدام: ۱- همه عارفان را در نوشیدن شراب می‌اندازد. ۲- همه
عارفان را در نوشیدن دائمی می‌اندازد.
استعاره: احتمالاً طراح محترم «ساقی» را استعاره از لطف و عنایت
خداوند و یا «باده» را استعاره از حقایق عرفانی دانسته‌اند.

۹- گزینه ۲ در این گزینه، خموشند و فریادشان تا خداست،
پارادوکس دارد اما بیت فاقد ایهام است. واژه «لاله» از واژه‌های پرکاربرد
ایهام‌ساز در شعر فارسی است اما در این بیت فقط در معنی گل لاله
قابل قبول است و در معنی نوعی چراغ در بیت قابل جای‌گذاری نیست.
سایر گزینه‌ها:

۱ جناس: در و سر - دشت و گشت / اغراق: «دریایی از خون» اغراق
در تعداد کشته‌شدگان و گستردگی کشت و کشتار دارد.

۲ جناس تام: «جوی» در «لب جوی» به معنی جویبار است و در
«طرب جوی» فعل امر از جستن / مجاز: «کف» مجاز از دست است؛
«دم» مجاز از زمان اندک و کم است.

۳ استعاره: طبیب استعاره از معشوق (بی‌وفا نشانه خوبی است تا به
استعاره‌بودن طبیب پی ببریم. زیرا صفت بی‌وفا اغلب برای معشوق به
کار می‌رود) / ایهام: «پیش میرم» ایهام دارد: ۱- در برابر تو بمیرم
۲- پیش از تو بمیرم (پیشمرگ بشوم).

۱۰- گزینه ۲ ۱ با تضاد، ۲ با اغراق و ۴ با حسن تعلیل
رد می‌شوند.

بررسی آرایه‌های بیت براساس پیشنهاد ۲:
استعاره: غزال استعاره از معشوق / جناس: غزل و غزال - تا و تاج -
بر و سر / تشبیه: تاج عشق و شهر غزل هر دو اضافه تشبیهی است. /
ایهام: شهریار: ۱- تخلص محمدحسین بهجت تبریزی ۲- پادشاه

۱۱- گزینه ۱ بررسی آرایه تشبیه در گزینه‌ها:

۱ غم چون سپاه زنگ (= زنگبار، نام کشوری آفریقایی) است. -
ملک دل (اضافه تشبیهی) - خیل (= سپاه) شادی (اضافه تشبیهی) -
روم رخ (اضافه تشبیهی) - ۴ تشبیه

توجه

در شعر کلاسیک فارسی، «زنگ» یا «زنگبار» نماد تیرگی و سیاهی و
«روم» نماد سپیدی است. شاعر غم را در سیاهی و تیرگی به مردمان
زنگبار تشبیه کرده و رخ یار را در سپیدی به مردم روم.

بررسی تشبیه در سایر گزینه‌ها:

۲ رایت عشق (اضافه تشبیهی) - رایت چون مه لیلی، جهانگیر
است. ۲ تشبیه

۳ آینه دل (اضافه تشبیهی) - ۱ تشبیه

۴ ما چون عرق بر روی خوبان می‌رویم - ما چون کمند زلف
هستیم - کمند زلف - ۳ تشبیه

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) آب زلال می‌تواند مثل آینه تصاویر را بازتاب دهد!
 ۲) زیبایی معنوی در ظاهر جلوه‌گر نمی‌شود.
 ۳) از اتفاقات امروز آینده را دیدن و پیش‌بینی کردن

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) تغییرناپذیری ذات
 ۲) اگر کشش و خواست معشوق نباشد، کاری از عاشق بر نمی‌آید.
 ۳) بدون کشش و خواست خداوند، دل‌کندن و ترک دنیا ممکن نیست.

۱۸- گزینه ۱ در ابیات «ب»، «ج» و «ه» مفهوم ناپایداری دنیا و نکوهش دل‌بستن به دنیا مشترک است.

مفهوم سایر ابیات:

الف: دشمنی روزگار با انسان‌های پاک‌دل

د: کنار آمدن با بخت نامساعد و ناملایمات تقدیر

۱۹- گزینه ۲ در ۲ شاعر به عاشق‌شدن توصیه می‌کند و عشق را پیشهٔ صاحب‌دلان می‌داند ولی در سایر گزینه‌ها همانند بیت سؤال سخن از این است که دلی که عاشق نباشد و از عشق اثر نگیرد، زنده نیست.

۲۰- گزینه ۲ در سرودهٔ سؤال دو مفهوم مطرح است:
 ۱- کسی که فقط به این جهان مادی فکر می‌کند، از درک حقایق بالاتر باز می‌ماند.
 ۲- جسم نمی‌تواند جلوی عروج و تعالی روح را بگیرد. در ۲ مفهوم اصلی، بازگشت به اصل است و به نوعی با سرودهٔ صورت سؤال متناسب است.
 مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) گرفتار شدن دل عاشق در دام بلای عشق

۲) عاشق واقعی باید با چهرهٔ گشاده در راه عشق جان دهد.

۳) عارف از مرگ و خلاص شدن از جهان مادی غمی ندارد.

۲۱- گزینه ۳ مفهوم مشترک ۳ و عبارت صورت سؤال بازگشت به اصل است.

۲۲- گزینه ۱ مفهوم مشترک ۱ و بیت سؤال طلب بخشایش به سبب کوتاهی در عبادت و اعمال است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲) پاک‌شدن تیرگی‌ها و گناهان در باران رحمت خداوند / طلب رحمت از خداوند

۳) ناتوانی در برابر تقدیر / اعتراف به عهدشکستن و غفلت

۴) شرم‌داشتن خداوند از زاری بندگان / کرم بی‌نهایت خداوند

۲۳- گزینه ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ این است که شنوندهٔ آماده، مشوق سخنگو است. در ۲ مفهوم اصلی این است که وقتی عالم نیستی کم‌تر از مستمع نباش.

۲۴- گزینه ۳ مفهوم بیت صورت سؤال توصیه به سخن‌گفتن و ترک سکوت و خموشی است، مقابل این مفهوم می‌شود توصیه به سکوت و خموشی. در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ توصیه به سکوت مشترک است ولی در ۴ مفهوم اصلی این است که همنشین ارزشمند، انسان را مشتاق به سخن‌گفتن می‌کند.

۲۵- گزینه ۲ مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ اثربخش بودن همدلی و اتحاد است؛ اما در ۳ بر این نکته تأکید شده است که فراموش کردن دوستان در حال سختی مروت نیست.

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

داخل کشور

ویژه نظام آموزشی ۲-۳-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی هنر
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان و ادبیات فارسی

۱- کدام گزینه، پاسخ مناسبی برای معانی تعداد بیشتری از واژه‌های زیر است؟

«بی‌شائبه، تلبیس، متألّی، جمله، بالبداهه، زُفت، آوری»

- (۱) حيله و مکر به کار بردن، همه، زدودن، جهت
(۲) بدون اندیشه قبلی، دسته‌ای از مردم، سراسر، تابان
(۳) بدون اندیشه قبلی، نیرنگ‌سازی، درخشان، دسته‌ای از مردم
(۴) بی‌تردید، ارتجالاً، سراسر، بدون آلودگی و با خلوص و صداقت

۲- در کدام گروه‌واژه، معنی همه آن‌ها درست است؟

- (۱) (درزی: خیاط) (شخیص: توانا) (تلاؤ: طلوع کردن)
(۲) (خفیه: مخفی گاه‌ها) (شگرف: قوی) (مقالت: گفتار)
(۳) (تموز: ماه چهارم رومیان) (بنات: دختران) (انابت: پشیمانی)
(۴) (وجنه: چهره) (آخته: بیرون کشیده) (کلک: آتشدانی از فلز یا سفال)

۳- معنی واژه‌های «مجادله - مستغنی - مشیت - مشوش - تخلّص» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- الف) تو پیمان همی داری و رای راست ولیکن فلک را جز این است خواست
ب) دل چو غنی شد ز فقیری چه غم روز رهایی ز اسیری چه غم
ج) از همگان بی‌نیاز و بر همه مشفق از همه عالم نهان و بر همه پیدا
د) گاه از ستیزه گوش فلک برکشیده‌ای گاه از کرشمه دیده اختر شکسته‌ای
ه) کی دهد دست این غرض یارب که هم‌دستان شوند خاطر مجموع ما زلف پریشان شما
- (۱) د - ب - الف - ه - ج (۲) د - ج - الف - ه - ب (۳) ه - ب - ج - الف - د (۴) ه - ج - الف - ب - د

۴- در کدام عبارت «غلط املائی» وجود دارد؟

- (۱) بنده درویش اگر یک ذره اخلاص چشیده بودی پروای عالمین و اعزاز و اعتراض نداشتی.
(۲) توبت به نیت آید، نیت به عزیمت آید، عزیمت به حضرت آید و از حضرت ندای رحمت آید.
(۳) حق تعالی می‌فرماید: قطره‌ای از سریر و قطره‌ای از ضمیر بیار و گنج سعادت از حضرت عزّت ما بردار.
(۴) هیچ آوازی نیست عزیزتر به درگاه خدای عزّوجل از آواز بنده عاصی که از سر درماندگی و مفلسی بنالد.

۵- در عبارات زیر، جمعاً چند «غلط املائی» مشهود است؟

- رای ایشان که با ایشان مباحثه کنند به سفاهت منسوب دارند.
- و نخواست غرض نعمتی که نشانده بود در حق او از بیخ برآورد.
- هر وثیقت و احتیاط که واجب بود اندر آن به جای آورد.
- جوانی خردمند از فنون فضایل حظّی وافر دانست.

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۶- در کدام بیت «غلط املائی» وجود دارد؟

- (۱) فرصت آن پشه رانیدن هم نبود
(۲) دارو سبب درد شد اینجا چه امید است
(۳) حاسدا تا من بدین درگاه سلطان آمدم
(۴) بر زمین است و ولیکن مرکب اقبال او

۷- سراینده کدام ابیات، درست معرفی شده‌اند؟

- الف) از بهر تو صد بار ملامت بکشم
ب) جامه‌ای کاو نشود غرق به خون بهر وطن
ج) دردناک است که در دام شغال افتد شیر
د) دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟
(۱) الف - د (۲) ب - د (۳) ب - ج (۴) ج - د
- گر بشکنم این عهد غرامت بکشم (حافظ)
پدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است (بهار)
یا که محتاج فرومایه شود، مرد کریم (شهریار)
برون شد از پرده راز، تو پرده‌پوشی چرا؟ (عارف قزوینی)

۸- در کدام بیت، آرایه‌های «اغراق، تضاد و تشبیه»، «همگی» یافت می‌شود؟

- (۱) ای مرد فقر هست تو را خرقة تو تاج
(۲) وصال تو به شب کس را میسر چون شود هرگز
(۳) تو را به مثل من ای دوست میل چون باشد
(۴) عزیز مصر اگر ما را ملامت‌گر بود شاید
- سلطان تویی که نیست به سلطانت احتیاج
که تو چون روز گردانی به روی خود شبستان را
که حاصلم همه چشمی تراست و جانی خشک
تو حسن یوسفی داری و من مهر زلیخایی

۹- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«خط عذار یار که بگرفت ماه از او»

(۱) تشبیه، تمثیل، اغراق، مجاز

(۳) استعاره، تشبیه، ایهام، حسن تعلیل

خوش حلقه‌ای است لیک به در نیست راه از او»

(۲) تشبیه، کنایه، حسن تعلیل، مجاز

(۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل

۱۰- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات تماماً درست است، به جز:

(۱) با محتسبم عیب مگویند که او نیز

(۲) کمند عنبری از چین زلف دل‌بند است

(۳) ابرویش بر ماه طاقی بسته بود

(۴) با اهل فنا دارد هر کس سر یکرنگی

پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است (جناس، ایهام)

فروغ مشتری از عکس روی دلدار است (حسن تعلیل، مجاز)

مردمی بر طاق او بنشسته بود (کنایه، استعاره)

باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد (مجاز، تشبیه)

۱۱- در کدام گزینه، تعداد استعاره بیشتر است؟

(۱) ماهم از شب سایبان بر آفتاب انداخته است

(۲) رشته‌ای بر قمر انداخته کاین مار سیاه است

(۳) لؤلؤ از پستهٔ خود ریخته کاین چیست؟ حدیث است

(۴) بر طرف مه نشاندن سیاهی که سنبل است

سروم از ریحان تر، بر گل نقاب انداخته است

نقطه‌ای بر شکر افکنده که این مهرهٔ مار است

لاله در مشک نهان کرده که این چیست؟ عذار است

بر برگ گل فشانده غباری که عنبر است

۱۲- واژهٔ قافیه در کدام ابیات، به ترتیب، نقش «مفعولی، مضاف‌الیه، نهادی و قیدی» دارد؟

(الف) سرو بلند بستان با این همه لطافت

(ب) بالشکرت چه حاجت رفتن به جنگ دشمن

(ج) ای ماه سرو قامت شکرانهٔ سلامت

(د) روزی چو پادشاهان خواهیم که برنشینی

هر روزش از گریبان سر برنکرد ماهی

تو خود به چشم و ابرو بر هم زنی سپاهی

از حال زبردستان می‌پرس گاه‌گاهی

تا بشنوی ز هر سو فریاد دادخواهی

(۴) ب - د - الف - ج

(۳) ب - ج - د - الف

(۲) الف - د - ج - ب

(۱) الف - د - ب - ج

۱۳- کدام بیت، فاقد «جهش ضمیر» و دارای جمله‌ای متشکل از «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟

(۱) گمان مبر که بداریم دست از فتراک

(۲) گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان

(۳) نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ

(۴) زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت

بدین قدر که تو از ما عنان بگردانی

نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

چه کنم بازی ایام مرا غافل کرد

شیر خدا و رستم دست‌انم آرزوست

۱۴- صفت‌های «فاعلی، نسبی، مفعولی و لیاقت» به ترتیب، در کدام سروده‌ها آمده است؟

(الف) در میان عشق بازان کوهکن مردانه رفت

(ب) رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن

(ج) که شد ساخته کارش از زهر چشم

(د) باغی از رنگینی گفتار دارم دیدنی

(۴) ب - ج - د - الف

(۳) ب - الف - ج - د

(۲) الف - د - ج - ب

(۱) الف - ج - ب - د

۱۵- کدام بیت، فاقد «جملهٔ مرکب» است؟

(۱) گله از فراق یاران و جفای روزگاران

(۲) باری مگرت بر رخ جانان نظر افتاد

(۳) ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت

(۴) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم

نه طریق توست سعدی کم خویش گیر و رستی

سرگشته چو من در همه آفاق بگشتی

دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد

۱۶- با توجه به متن زیر همهٔ موارد «کاملاً» درست است، به جز:

«بدان که قرآن مانند است به بهشت جاودان؛ در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است. مَثَل قرآن، مَثَل آب

است روان؛ در آب، حیات تن‌ها بود و در قرآن حیات دل‌ها بود.»

(۱) در متن صفت پیشین، پسین و فاعلی مشهود است.

(۲) حذف فعل به قرینهٔ لفظی و معنوی وجود دارد.

(۳) جملهٔ ساده و غیرساده «هر دو» به چشم می‌خورد.

(۴) ممیز، نقش تبعی و یک واژهٔ دوتلفظی یافت می‌شود.

۱۷- کدام بیت، فاقد مفهوم «الصبرُ مفتاح الفرج» است؟

- (۱) به تلخی صبر کن تا معدن گوهر توانی شد
- (۲) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع
- (۳) بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم
- (۴) دل به هجران تو عمری است شکیباست ولی

۱۸- مفهوم کدام بیت، در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- (۱) اعتقادی بنما و بگذر بهر خدا
- (۲) آبش چو نخل بادیه از ابر می‌رسد
- (۳) چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت
- (۴) ای داور زمانه ملوک زمانه را

۱۹- کدام بیت، تداعی‌کننده مفهوم بیت زیر است؟

- «تو را به آینه‌داران چه التفات بود»
- (۱) ظاهر و باطن مردان به صفا می‌باشد
 - (۲) هر که را آینه^۱ گشت از خودنمایی سد راه
 - (۳) پیش چشمی که به غیر از تو مثالی نپذیرد
 - (۴) منکر آینه‌ها باشد چشم کور

۲۰- کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم»
- (۱) رعنا تر است سرو ز اشجار میوه‌دار
 - (۲) گر نداری میوه افکندنی چون سرو و بید
 - (۳) میوه شیرین اگر پیدا شود در سرو و بید
 - (۴) ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد

۲۱- مفهوم «اصالت ذاتی - استبداد - مغلوب‌گشتن - تدبیر - ظرفیت وجودی» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- الف) بحر به صد رود شد آرام‌گیر
ب) آن جادر آن برزخ سرد در کوچه‌های غم و درد
ج) گیتی اهل وفا نخواهد شد
د) سر گرگ باید هم اول برید
ه) بدو گشته بدخواه او چیره‌دست
- (۱) الف - ه - د - ب - ج (۲) ج - ب - الف - د - ه (۳) ج - ب - ه - د - الف (۴) د - ب - ه - ج - الف

۲۲- مفهوم بیت زیر از کدام بیت، استنباط می‌شود؟

- «در این مقام، طرب بی‌تعجب نخواهد دید»
- (۱) به تلخی قطره ما را ز دریا ابر اگر گیرد
 - (۲) توخواهی نیک و خواهی بد کن امروزای پسرکاین جا
 - (۳) دل چه بندی در این سرای مجاز؟
 - (۴) ز نیرنگ هوا و از فریب آرز خاقانی

۲۳- مفهوم کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

- (۱) گفت حق اندر سفر هر جا روی
- (۲) در خواب دوش پیری در کوی عشق دیدم
- (۳) به منزل می‌رساند سالکان را
- (۴) کار از تو می‌رود مددی ای دلیل راه



۲۴- کدام ابیات، مفهومی یکسان در ذهن ایجاد می‌کنند؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا | هر که فانی شد ز خود مردانه‌ای است |
| ب) گر کشته ز عشق تو شوم صاحب نامم | ور زنده ز کوی تو روم مایه ننگم |
| ج) در جلوه‌گاه جانان جان را به شوق دادم | در روز تیرباران مردانه ایستادم |
| د) از شجاعت نیست با نامرد گردیدن طرف | روی گردانیدن این‌جا حمله مردانه است |
| ه) به راه عشق به مردانگی سپردم جان | که هر که جان نسپارد نه مرد میدان است |
- (۱) الف - ج - ه (۲) الف - د - ه (۳) ب - ج - د (۴) ب - د - ه

۲۵- کدام گزینه، با توجه به متن زیر «نادرست» است؟

«ای که مال از بحر جاه دوست می‌داری، کرم کن و تواضع پیش گیر که جاهی از این رفیع تر نیست که خلقت دوست دارند و ثنا گویند.»

(۱) متن فوق با عبارت «از آسمان تاج بارد؛ اما بر سر آن کس که سر فرود آرد.» تناسب مفهومی دارد.

(۲) متن متشکل از هفت جمله است و «ت» در «خلقت» نقش مفعولی دارد.

(۳) در متن یک غلط املایی یافت می‌شود و مترادف واژه «مقام» نیز آمده است.

(۴) در متن فوق منادا محذوف است و یک ترکیب وصفی وجود دارد.

سراسری ۱۴۰۰ داخل کشور

پاسخ نامه آزمون عمومی رشته هنر

زبان و ادبیات فارسی

۵- **گزینه ۱** تنها املائی یک واژه غلط است و آن هم، غرض است؛ با توجه به معنی کلی عبارت دوم و حضور بخش‌هایی مثل «نشانه بود» و «از بیخ برآرند»، می‌توان دریافت که غرض به معنی «نشاندن و کاشتن درخت و گیاه» صحیح و متناسب است. املائی واژه‌های مهم سفاقت (بی‌خردی و نادانی، کم‌عقلی)، منسوب (نسبت داده‌شده؛ کسی را به صفت «سفاقت» منسوب می‌کنند و نسبت می‌دهند)، نخواست (اراده نکرد، قصد نکرد)، وثیقت (وثیقه، تعهد و پیمان)، حظّ (بهره و نصیب) درست است.

۶- **گزینه ۳** در ۳ با در نظر گرفتن معنی مصراع دوم و البته حضور واژه‌هایی مثل غلغل و وِیل (= ویله) و غریو، می‌توان دریافت که برخاست (برخاست) صحیح است. خواستن به معنی «طلبیدن، تقاضا، اراده» است و در این بیت، کاربرد مناسبی ندارد.

توجه

خاستن (خاست) در معانی «بلند و برپاشدن، به وجود آمدن، ظاهر و آشکارشدن، از میان رفتن و برطرف‌شدن»، کاربرد دارد.

در این سؤال، واژه‌های نهیب (فریاد بلند، به ویژه برای ترساندن یا اخطارکردن، در این جا ترس، هیبت)، عنود (ستیزه‌کار، دشمن و بدخواه) زایل‌شدن (از بین رفتن، نابودشدن)، عارضه (بیماری)، غُلغل (خروش و غوغا)، غریو (بانگ و خروش)، اقبال (سعادت و خوشبختی) و عنان (افسار)، همگی با املائی درستی آمده‌اند.

۷- **گزینه ۷** تمام ابیات مربوط به کتاب فارسی ۳ شما است، بیت «ج» مربوط به قلمرو زبانی درس ۵ پایه دوازدهم و بیت «د» مربوط به قلمرو فکری همان درس است. بیت «الف» از «مولوی»، از قلمرو زبانی درس ۲ پایه دوازدهم انتخاب شده است. بیت «ب» از غزل «آزادی» سروده عارف قزوینی مربوط به متن درس ۳ پایه دوازدهم است.

۸- **گزینه ۲** با تشبیه ۲، با تضاد ۴ و با اغراق ۱ رد می‌شود. در ۳ شاعر می‌گوید: «تو چگونه به فردی مانند من تمایل خواهی داشت؟» ملاحظه می‌کنید در این جا ادعای شباهت دو پدیده و در نتیجه تشبیه وجود ندارد.

بررسی آرایه‌های صورت سؤال در ۲:
اغراق: معشوق با روی خود شبستان را مانند روز می‌گرداند.
تضاد: شب و روز
تشبیه: شبستان را مانند روز می‌گردانی.

۱- **گزینه ۱** معنای صحیح واژه‌ها: بی‌شائبه: بدون آلودگی و با خلوص و صداقت، پاک، خالص (شائبه: به شک اندازنده درباره وجود چیزی، و به مجاز، عیب و بدی یا نقص در چیزی) - تلبیس: حقیقت را پنهان کردن، حيله و مکر به کار بردن، نیرنگ‌سازی - متلائی: درخشان، تابان - جمله: سراسر، همه، همگی - بالبداهه: ارتجلاً، بدون اندیشه قبلی - رُفت: رفتن، زدودن - آوری: بی‌گمان، بی‌تردید، به طور قطع

در ۱ معنای ارائه‌شده برای سه واژه (تلبیس، جمله، رُفت) صحیح و مناسب است. در ۲ معنای سه واژه (متلائی، جمله، بالبداهه) به درستی ذکر شده است. در ۳ معنای سه واژه (تلبیس، متلائی، بالبداهه) مناسب و صحیح است. در ۴ معنای ارائه‌شده برای چهار واژه (بی‌شائبه، جمله بالبداهه، آوری) مناسب و صحیح است. در ۱ «جهت» معنی واژه کران است و در گزینه‌های ۲ و ۳ «دسته‌ای از مردم»، معنی واژه هیئت است.

۲- **گزینه ۲** در این گزینه، معنای هر سه واژه به درستی ذکر شده است: وَجَنه: رخسار، چهره، صورت (این واژه در درس ۱۶ فارسی دوازدهم، به شکل وجنات (جمع وجنه) آمده است). - آخته: بیرون کشیده، برکشیده - گلک: آتشدانی از فلز یا سفال معنای صحیح واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند:

۱ شخیص: بزرگ و ارجمند - تَلَلُو: درخشیدن، درخشندگی
۲ خفیه: مخفیگاه (خفایا، جمع خفیه و به معنی «مخفیگاه‌ها» است).
۳ تموز: ماه دهم از سال رومیان، تقریباً مطابق با تیرماه سال شمسی، ماه گرما

۳- **گزینه ۳** معنای صحیح واژه‌ها: مجادله: جدال و ستیزه - مستغنی: بی‌نیاز - مشیت: اراده، خواست خدای تعالی - مشوّش: آشفته و پریشان - تخلص: رهایی معنی درست این واژه‌ها، به ترتیب در ابیات ۲ دیده می‌شود. فقط با به یادداشتن معنی واژه تخلص (رهایی) هم می‌توانستیم به جواب برسیم.

۴- **گزینه ۱** اعزاز (تباه و فاسد ساختن) وجه و تناسبی با عبارت ندارد و کلمه مدّ نظر و صحیح، اعراض (روی‌گرداندن، سرپیچی و انصراف) است.

در این سؤال، املائی واژه‌های مهمی مثل عزیمت، سریر، عاصی، درماندگی (از نظر رسم‌الخط) و مفلس، درست است. البته در ۳ صورت اصلی متن و عبارت، کمی دستخوش تغییر شده؛ اصل عبارت این بوده است: حق تعالی می‌فرماید: قطره‌ای از سریر و خطرهای از ضمیر بیار... (خطر: چیزی که بر دل بگذرد، رمز و نجوای درونی)

۳- ۱- پسته استعاره از دهان ۲- مُشک استعاره از زلف

توجه

بهتر است لؤلؤ و لاله را به ترتیب استعاره از سخن و چهره بگیریم، زیرا مشبه‌ها در بیت حضور دارند: حدیث و عذار

۴- ۱- مه استعاره از چهره یار ۲- سنبل استعاره از زلف یار ۳- برگ گل استعاره از چهره یار ۴- عنبر استعاره از زلف یار

۱۲- **گزیده** برای پیدا کردن نقش واژه‌های قافیه، مصراع‌های دوم را طبق فارسی معیار مرتب می‌کنیم:

«الف»: هر روز ماهی از گریبان او سر بر نکرد.
نهاد

«ب»: تو خود به چشم و ابرو سپاهی [را] بر هم زنی.
مفعول

«ج»: [تو] گاه‌گاهی از حال زیردستان می‌پرس.
قید

«د»: تا ز هر سو فریاد دادخواهی [را] بشنوی.
مفعول مضارع الیه

فقط با پیدا کردن قافیه در نقش نهاد به پاسخ می‌رسیدید.

۱۳- **گزیده** صورت سؤال بیتی را خواسته که فاقد «جهش ضمیر» باشد. پس ابتدا به دنبال چنین بیتی می‌گردیم.

۱ جهش ضمیر دارد: بداریم دستت از فتراک — دست از فتراک تو بداریم.

۲ جهش ضمیر دارد: گرت هواست — گر هوای (= خواسته) تو است.

۴ جهش ضمیر دارد: رستم دستانم آرزوست — رستم دستان آرزوی من است.

پس پاسخ ۳ است که «جهش ضمیر» ندارد. حالا شرط دیگر، یعنی داشتن جمله‌ای متشکل از اجزای «نهاد + مفعول + مسند + فعل» را بررسی می‌کنیم. در مصراع دوم فعل «کرد» مفعول و مسند می‌پذیرد: بازی ایام من را غافل کرد (= گرداند).

فعل از مصدر «کردن» اگر به معنای «گردانیدن» باشد، اسنادی است و مفعول و مسند می‌پذیرد. برای تشخیص کافی است به جای «کرد»، «کند» فعل «گردانید» گرداند، بگذارید، اگر معنا داد، اسنادی است.

۱۴- **گزیده** ابتدا صفت‌ها را در مصراع‌ها مشخص می‌کنیم:

«الف»: عشق‌باز: فاعلی / کوهکن: فاعلی / مردانه: نسبی

«ب»: رها: فاعلی

«ج»: ساخته: مفعولی

«د»: رنگین: نسبی / دیدنی: لیاقت

خوب! صفت لیاقت فقط در مصراع «د» وجود دارد؛ پس گزینه‌های

۲ و ۴ حذف می‌شوند. صفت مفعولی هم فقط در مصراع «ج» دیده می‌شود. پس پاسخ ۳ است.

۱۵- **گزیده** می‌دانیم که جمله مرکب از جمله هسته و وابسته درست می‌شود و جمله وابسته با یک «پیوند وابسته‌ساز» به جمله هسته وابسته می‌شود. برای پیدا کردن جمله مرکب فقط کافی است پیوندهای وابسته‌ساز را بیابید.

توجه

نمی‌توان قاطعانه به این نداشتن اغراق در ۱ باور داشت، اما چون هر سه آرایه ۲ قطعی است، ما ۲ را به عنوان جواب انتخاب کردیم.

۹- **گزیده** بیت فاقد مجاز است، بنابراین همه گزینه‌ها، به جز

۲ رد می‌شوند، البته ۱ علاوه بر مجاز با تمثیل نیز رد می‌شود.

بررسی آرایه‌های بیت براساس پیشنهاد ۳:

استعاره: ماه موجودی زنده و انسانی پنداشته شده، زیرا زیبایی خط عذار یار بر او اثر می‌کند و دچار خسوف می‌شود، پس بیت تشخیص و استعاره دارد.

تشبیه: علاوه بر این که تشبیه «خط عذار یار» به «حلقه» آشکار است، در بیت به طور ضمنی و پنهانی خط عذار یار در زیبایی به ماه نیز تشبیه شده است.

ایهام: «بگرفت ماه از او» را دو گونه می‌توان معنی کرد: ۱- ماه به واسطه خط عذار یار است که گرفته و دچار خسوف شده است.

۲- صورت یار به واسطه خط عذار یار گرفته و پنهان شده است (در این معنی ماه استعاره از چهره یار است).

توجه

برخی همکاران این معنی را نیز از جمله فوق استنباط می‌کنند که ماه زیبایی‌اش را از خط عذار یار گرفته است. این استنباط چندان دقیق نیست، زیرا «زیبایی» در بیت وجود ندارد.

حسن تعلیل: علت خسوف و گرفتگی ماه، خط عذار یار است.

۱ «خط» مویی است که اطراف صورت می‌روید و «عذار» به معنی چهره است.

۱۰- **گزیده** در این گزینه دو حسن تعلیل به کار رفته است:

علت خوشبویی زلف، پیچ و خم زلف معشوق است و علت نورانیت سیاره مشتری چهره یار است؛ اما بیت فاقد مجاز است. توجه داشته باشید واژه‌های «دلیند» و «دلدار» کنایه از معشوق هستند نه مجاز از او. بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ جناس: عیش و عیب؛ با و ما / ایهام: مدام: ۱- او نیز چو ما پیوسته در طلب عیش با «شراب» است. ۲- او نیز پیوسته در طلب عیش «دائمی» است.

۲ کنایه: «بر طاق نشستن» کنایه از «به مرتبه اعلا و کمال رسیدن» است. «مردم» به معنی مردمک است و شاعر کمال و زیبایی چشمان یار را در کنار ابروان او این‌طور توصیف می‌کند. / استعاره: ماه استعاره از چهره یار است و طاق در مصراع دوم استعاره از ابروی اوست.

۴ مجاز: «سر» در مصراع اول مجاز از قصد و نیت است. / تشبیه: «به رنگ» ادات تشبیه است و شاعر مخاطب خود را به شمع تشبیه کرده است.

۱۱- **گزیده** بررسی استعاره در گزینه‌ها:

۱- ماه استعاره از معشوق ۲- شب استعاره از زلف سیاه و تیره یار

۳- آفتاب استعاره از چهره نورانی یار ۴- سرو استعاره از یار بالابند

۵- ریحان استعاره از زلف معطر یار ۶- گل استعاره از چهره زیبا و باطراوت یار

۲- رشته استعاره از زلف ۲- قمر استعاره از چهره نورانی یار

۳- نقطه استعاره از خال ۴- شکر استعاره از لب

توجه

پیوند وابسته‌ساز ممکن است حذف شده باشد، اگر آن را در جمله قرار دادید و جمله معنا داشت قطعاً با جمله مرکب مواجهید.

بررسی گزینه‌ها:

- ۱ همه جملات ساده‌اند: گله از فراق یاران و جفای روزگاران طریق تو نیست (جمله ساده) کم خویش گیر (جمله ساده) و رستی (جمله ساده)
۲ جمله مرکب دارد: باری مگر بر رخ جانان نظر تو افتاد (جمله هسته)
[که] چو من در همه آفاق سرگشته بگشتی (جمله وابسته)

هرف ربط وابسته‌ساز مفروق

۳ جمله مرکب دارد:

چندان که برگ از شاخه می‌ریخت (جمله وابسته)

هرف ربط مرکب وابسته‌ساز

دوچندان می‌شکفت و برگ می‌کرد (جمله‌های هسته)

۴ دو جمله مرکب دارد:

گر ز دست تو برآید (جمله وابسته) چون نخل کریم باش (جمله هسته)

پیوند وابسته‌ساز

ور (و اگر) ز دست تو نیاید (جمله وابسته) چو سرو آزاد باش (جمله هسته)

پیوند وابسته‌ساز

۱۶- گزینه ۲ در متن، هیچ فعلی به قرینه لفظی یا معنایی حذف نشده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ صفت پیشین: هزار / صفت پسین: جاودان در «بهشت جاودان»
۲ پنج جمله ساده داریم: در بهشت از هزارگونه نعمت است. / در قرآن از هزارگونه پند و حکمت است. / مَثَل قرآن مَثَل آب است روان. / در آب حیات تن‌ها بود. / در قرآن حیات دل‌ها بود.

یک جمله غیرساده داریم: بدان (جمله هسته) که قرآن مانند است

پیوند وابسته‌ساز

به بهشت جاودان. (جمله وابسته)

۴ ممیز: «گونه» در «هزارگونه نعمت» و «هزارگونه پند و حکمت».

نقش تبعی: «حکمت» نقش تبعی معطوف دارد.

واژه دوتلفظی: جاودان / جاودان

۱۷- گزینه ۲ مفهوم حدیث صورت سؤال «گره‌گشایی صبر» است. در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ نیز صبر رهایی‌بخش و گره‌گشا دانسته شده است، ولی در ۴ شاعر می‌گوید: عمری است در هجران تو صبر و شکیبایی کرده‌ام، ولی پیری عاقبت شکیبایی را از بین می‌برد.

۱۸- گزینه ۱ بررسی گزینه‌ها:

۱ معنی بیت: برای خاطر خدا! فقط گرایشی نشان بده و نزد من درنگ و کنجکاوی مکن تا پی نبری من که خرقة پوشیده‌ام چه قدر از عالم درویشی به دورم. در این بیت اصل سخن با دید اغماض و چشم‌پوشی نگاه کردن و طلب درگذشتن از خطا است نه غفلت و بی‌خبری.

۲ در این بیت «التفات نکردن به آب جو» بر مناعت طبع دلالت دارد:

اگر کسی مثل نخل بادیه به آب جو توجه نکند و مناعت طبع، پیشه کند، ابر بر او خواهد بارید و او را سیراب خواهد کرد.

۳ «ز دست بنده چه خیزد» نشانگر اظهار عجز و ناتوانی بندگان و توانایی و قدرت خداوند است.

۴ در این بیت «داور زمانه» خداوند است و این مطلب که مسیر و مدار همه پادشاهان بر ارادت و خواست خداوند است نشانگر عدم اختیار و تسلیم‌بودن همه امور در برابر خواست خداوند است.

۱۹- گزینه ۲ در بیت سؤال عاشق به معشوق می‌گوید: تو که مجذوب زیبایی و حسن خود در آینه شده‌ای، معلوم است که به ما عاشقان که آینه در پیش تو داشته‌ایم توجهی نداری. مفهوم بیت ۲ هم این است که آن که فقط به خود توجه کند از حقیقت و عشق بازمی‌ماند. می‌توان تناسبی بین دو بیت از این نظر یافت که در هر دو بی‌توجهی به حقیقت و فقط توجه به خود و زیبایی‌های خود نکوهش شده است!

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ همانندبودن ظاهر و باطن مردان خدا (صاف و بی‌آلایش بودن مردان حق)

۳ طلب توجه و عنایت از معشوق

۴ انسان نادان و بی‌بهره از حقیقت، منکر حقایق است.

۲۰- گزینه ۲ در بیت سؤال دو مفهوم اصلی وجود دارد: توصیه به بخشندگی / توصیه به آزادی

بیت ۲ با بیت سؤال متناسب است. مفهوم مشترک این دو بیت، خیر رساندن به دیگران به هر شکلی ممکن است.
بیت ۱ اصلاً به مفهوم کرم و بخشش اشاره‌ای نکرده است و سرو از درخت‌های میوه‌دار برتر دانسته شده است.
مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ ستایش آزادی از تعلقات

۳ در این دنیا عافیت و سلامتی وجود ندارد.

۴ ناسازگاری تقدیر با آزادگان

۲۱- گزینه ۳ بررسی هر کدام از ابیات:

«الف»: ظرفیت وجودی، دریا با وجود صد رود خروشان که به او می‌ریزد آرام است، ولی جوی آب با یک سیل به خروش می‌آید: ظرفیت افراد متفاوت است.

«ب»: استبداد: بیت تصویری از فضای سرشار از یأس و خفقان و استبداد رژیم شاه را ترسیم می‌کند.

«ج»: اصالت ذاتی، ذات و وجود موجودات تغییر نمی‌کند؛ شوره‌زار آب روان نمی‌شود و گیتی باوفا نمی‌شود؛ هیچ ذاتی تغییر نمی‌کند.
«د»: تدبیر: علاج واقعه پیش از وقوع کردن و آینده‌نگری و تدبیر، مفاهیم مهم بیت سعدی هستند.

«د»: مغلوب‌گشتن: در این بیت سخن از پیروزشدن دشمن بدخواه است و مغلوب‌شدن و شکست خوردن.

۲۲- گزینه ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و ۱ همراه‌بودن نیش و نوش دنیا است. در ۱ شاعر می‌گوید: اگر ابر قطره را با تلخی از دریا جدا می‌کند و این فراق ناگوار را رقم می‌زند، مجدداً او را با شیرینی به دریا بازمی‌گرداند و در کنار هر تلخی شیرینی وجود دارد.



را باید فعل اسنادی دانست تا «رفیع‌تر» نقش مسند بگیرد، نه صفت!

جاهی از این رفیع‌تر نیست.

نهاد متمم مسند فعل اسنادی
بررسی گزینه‌ها:

۱) مفهوم مشترک عبارت سؤال و عبارت ۱) این است که تواضع سبب بلندمرتبی است.

۲) متن هفت جمله است و «ت» مفعول است: خلق (نهاد) تو را (مفعول) دوست دارند.

جملات متن:

ای [کسی] (۱) که مال از بهر (به شکل نادرست بحر آمده) جاه دوست می‌داری (۲)، کرم کن (۳) و تواضع پیش‌گیر (۴) که جاهی از این رفیع‌تر نیست (۵) که خلقت دوست دارند (۶) و ثنا گویند (۷).

۳) غلط املائی: بحر ← بهر / مترادف مقام: جاه

۴) منادا در جمله اول محذوف است: ای [کسی] که ... ترکیب وصفی در این عبارت وجود ندارد! اما عبارت قابل تردید است: در جمله «جاهی از این رفیع‌تر نیست»، فعل «نیست» را اگر غیراسنادی بگیریم، «جاه» نهاد است. «رفیع‌تر» هیچ نقشی ندارد، جز آن‌که صفت جاه باشد: جاهی رفیع‌تر از این، نیست (= وجود ندارد).

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲) نتیجه عمل هر کس به خودش بازمی‌گردد، خوب یا بد.

۳) دل‌کندن از تعلقات دنیای مادی و همت کردن برای پیمودن راه عشق و معرفت

۴) دل را از نیرنگ‌های شیطان و هوای نفس پاک کردن

۲۳- گزینه ۱ در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ بر نقش پیر طریقت در راهیابی عارف به کمال تأکید شده است و در هر سه بیت راهنمایی و هدایتگری پیر طریقت (= دلیل راه) دیده می‌شود، اما در ۲ بی‌قراری‌های دل عاشق دلیل راه یافتن او به منزل دانسته شده است.

۲۴- گزینه ۱ در ابیات «الف»، «ج» و «ه» جان‌بازی عاشقانه و استقامت مردانه در راه حق مشترک است.

مفهوم سایر ابیات:

«ب»: کشته شدن در راه محبوب باعث نام‌آوری است و فداکردن جان در این راه مایه بدنایی.

«د»: روی گرداندن از نامرد عین شجاعت و مردانگی است.

۲۵- گزینه ۲ منظور و مقصود طراح محترم این است که عبارت فاقد ترکیب وصفی است؛ با این وصف در جمله پنجم «نیست»

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

خارج از کشور

ویژه نظام آموزشی ۳-۲-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی ریاضی - تجربی - هنر - زبان
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان و ادبیات فارسی

۱- در میان واژه‌های داده‌شده، معنی چند واژه «درست» است؟

(نجابت: اصالت) (هژیر: شیر) (تقریظ: بزرگداشت) (فلق: فجر) (پدرام: آراستگی) (ویله: ناله) (شیراوژن: قهرمان‌شدن) (مَنّت: سپاس) (تزار: پادشاهان روم در گذشته)

(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۲- با توجه به واژه‌های زیر معنی واژه‌های «فرد» کدام است؟

«التهاب، مقرون، علت، درایت، خنیده، پالیز، نوند، کوشک»

(۱) بی‌قراری، همراه، مشهور، بینش (۲) ناآرامی، عارضه، معروف، جالیز
(۳) نامدار، اسب تندرو، شعله‌ورشدن، بیماری (۴) اضطراب، نزدیک‌به‌هم، پرآوازه، اسب تندرو

۳- در کدام ابیات، متضاد واژه‌های (فاحش، بادی، ممات، جنت) به ترتیب، آمده است؟

الف) به پایان آمدین دفتر حکایت هم‌چنان باقی
ب) ز لب‌دوختن، غنچه را زندگی است
ج) هر آن کس که پیش من آید به جنگ
د) همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید آخر

الف) به صد دفتر نشاید گفت وصف‌الحال مشتاقی
ب) چو بشکفت زان پس پراکندگی است
ج) نبیند به‌جز دوزخ و گور تنگ
د) نهان کی ماند آن رازی کزو سازند محفل‌ها

(۱) ب - د - ج - الف (۲) د - الف - ب - ج (۳) د - الف - ج - ب (۴) د - ب - الف - ج

۴- در کدام عبارت «غلط املایی» وجود دارد؟

(۱) به برکات یک‌دلی و مخالفت و معاونت از چندین ورطه هایل خلاص یافتند و خردمند باید که در این حکایات به نور عقل اهتمام ورزد.
(۲) مطاوعت ملک بر من فرض است و بادیۀ فراق او بی‌شک دراز و بی‌پایان خواهد گذشت که همه عمر کعبه اقبال من درگاه او بوده است.
(۳) و چون کسی بدین اوصاف آراسته بود و از بوته امتحان بدین نمط که تقریر افتاد بیرون آمد، حرمت او به مدت در دل‌ها جای گیرد.
(۴) هیچ چیز ضایع‌تر از دوستی کسی نیست که در مذهب خود اهمال حق و نسیان شکر جایز شمرد و سرگفتن با کسی که سخن‌چینی صخره بیان و پیشه بنان او باشد.

۵- کدام بیت، دارای «غلط املایی» است؟

(۱) عجب بر ذنخدان آن دل‌فریب
(۲) گهی که جرم مرا پیش تو حساب کنند
(۳) خصمی که تیغ کافرش اندر غزا بکشت
(۴) کنون به عرض صله خاطر من آشوب است

که هرگز نبوده است بر سرو سب
تو رشحه‌ای ز کرم‌های بی‌حساب بریز
خونش بریخت ابروی همچون کمان دوست
کنون به جای درم در کف من آزار است

۶- در متن زیر، چند «غلط املایی» وجود دارد؟

«وزارات هم منصوب است به انواع مشقت‌ها و اصناف رنجا که وزیر به غربت پادشاه مبتلا بود به صدد کارهای بزرگ. حالی به ثواب آن لایق‌تر که در کارها غفلت کم رود و مهمات خوار شمرده نیاید.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۷- کدام اثر در مقابل عبارت داده‌شده، «غلط» آمده است؟

(۱) چون بر رقعۀ من اطلاع یابد، قیاس کند که مرا اهلّیت چیست. (سفرنامه)
(۲) رنج هیچ کس ضایع مکن و همه‌کس را به‌سزا، حق‌شناس باش. (قابوس‌نامه)
(۳) به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد. (فی حقیقة العشق)
(۴) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید. (تذکره‌الاولیا)

۸- در کدام ابیات استعاره و مجاز، «هر دو» وجود دارد؟

الف) سر پر ز شرم و بهایی مراست
ب) حسرت نبرم به خواب آن مرداب
ج) ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست
د) به خرابی خوشم امروز که فردا ز کرم

اگر بی‌گناهم رهایی مراست
کارام درون دشت شب خفته است
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی
همت پیر خرابات کند تعمیرم

(۱) الف - ب (۲) الف - د (۳) ب - ج (۴) ج - د

۹- تعداد «ایهام» در کدام بیت، بیشتر است؟

(۱) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
(۲) پیش اسب رخ نهم ز آن رو که غم نبود ز مات
(۳) چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم
(۴) دولت صحبت آن شمع سعادت‌پرتو

نروم جز به همان ره که توام راهنمایی
در وفایت جان بیازم تا کجا یابم وفات
من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو
باز پرسید خدا را که به پروانه کیست

۱۰- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است، به جز:

- (۱) هر سر خبر ز سرّ محبت کجا شود
(۲) دل کشید آخر عنان چون مرد میدانست نبود
(۳) خوبان همه از مهرش مه‌ری به جبین دارند
(۴) کنار مزرع سبز فلک یک‌باره تر می‌شد
- آلا سری که سجده آن آستانه کرد (جناس، مجاز)
صبر پی گم کرد چون همدست دستانت نبود (ایهام، استعاره)
خورشید صباحت را طالع ز جبینش بین (جناس، ایهام)
اگر در گریه شبها دیده را فواره می‌کردم (اغراق، تشبیه)

۱۱- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «گر سرت خود در سر سودای زلفش می‌رود»
(۱) جناس، مجاز، ایهام، کنایه
(۲) زان سر مویی مکن خاطر پریشان غم مخور»
(۳) واج‌آرایی، مراعات نظیر، جناس، تضاد
(۴) جناس، استعاره، مراعات نظیر، حسن تعلیل

۱۲- تعداد جمله‌های بیت زیر با کدام بیت، یکسان است؟

- «به حرص ارشبتی خوردم مگیر از من که بد کردم»
(۱) همه آئی همه حسنی همه لطفی همه ناز
(۲) دلا گفتم غم خود خور که کار از دست شد بیرون
(۳) همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی
(۴) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی
- بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا»
به چنان حسن و لطافت سزدت گر نازی
تو را غم خوردن است ای دل تو غمخواری چه می‌دانی
همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی
تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی

۱۳- نوع وابسته‌های وابسته در کدام گزینه، با سروده زیر یکسان است؟

«پهلوان هفت‌خوان اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود»

- (۱) بس که خونش رفته بود از تن / بس که زهر زخم‌ها کاریش
(۲) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد
(۳) شیرمرد عرصه ناوردهای هول / پور زال زر، جهان‌پهلوی
(۴) آن سکوتش ساکت و گیرا / و دُمش، چونان حدیث آشنایش گرم

۱۴- اجزای جمله مصراع دوم کدام گزینه، با مصراع اول بیت زیر، یکسان است؟

«خرد را گر نبخشد روشنایی بماند تا ابد در تیره‌رایی»

- (۱) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
(۲) کزین پس به کنجی نشینم چو مور
(۳) بلند آن سر که او خواهد بلندش
(۴) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
- ز دیوار محرابش آمد به گوش
که روزی نخوردند پیلان به زور
نژند آن دل که او خواهد نژندش
که روزی‌رسان قوت روزش بداد

۱۵- کدام گزینه، با توجه به سروده زیر «نادرست» است؟

«باید پنجره را گشود و دید / چند سینه‌سرخ مهاجر بر شاخسار عربان نشسته‌اند / و بهار از کدام سمت آسمان به باغ می‌آید»

- (۱) در سروده فوق فعل ماضی نقلی و مضارع اخباری وجود دارد.
(۲) یک واژه دوتلفظی و دو مفعول در کل سروده یافت می‌شود.
(۳) چهار جمله ساده و یک نقش تبعی در این سروده دیده می‌شود.
(۴) چهار ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی در سروده به چشم می‌خورد.

۱۶- نقش قسمت‌های مشخص‌شده در ابیات زیر، به ترتیب، کدام است؟

«چه خوش فرمود آن پیر خردمند / وزین خوش‌تر نباشد در جهان پند
اگر خونین‌دلی از جور ایام / لب‌خندان بیاور چون لب جام»

- (۱) قید، قید، مفسد، مفعول (۲) قید، مفسد، مفسد، مفعول (۳) مفسد، قید، مفسد، نهاد (۴) قید، مفسد، نهاد، مفعول

۱۷- کدام بیت «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«هر دو گون زنبور خوردند از محل»

- (۱) نه میر و شه بود هر کاو کمر بند کله دارد
(۲) نه هر که دارد شمشیر حرب باید ساخت
(۳) نه چون موسی بود هر کس که عمرانش پدر باشد
(۴) به جز شکردهنی نکته‌هاست خوبی را
- لیک شد ز آن نیش و زین دیگر عسل»
که میر و شه کسی باشد که عالم را نگه دارد
نه هر که دارد پازهر زهر باید خورد
نه چون عیسی بود هر کس که باشد مادرش مریم
به خاتمی نتوان دم زد از سلیمانی

۱۸- مفهوم «الدهرُ یومان یوم لك و یومٌ علیك» از همهٔ ابیات دریافت می‌شود، به جز:

- (۱) زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر
- (۲) پشت هر غم شادایی بنهفته، بنگر آسمان
- (۳) نیست غم گر به دل از عشق غباری برسد
- (۴) دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو

۱۹- مفهوم کدام ابیات، در مقابل آن‌ها درست آمده است؟

- | | | | | |
|------------------------------------|----------------------------------|------------------------------|----------------------------------|--|
| الف) عندلیب دل من نغمه‌سرا شد روزی | ب) بانگ زد یارش که بر در کیست آن | ج) گل اگرچه هست بس صاحب‌جمال | د) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا | ه) به شام تیرهٔ هجران چه کار خواهم کرد |
| (۱) الف - ب - د | (۲) الف - د - ه | (۳) ب - د - ه | (۴) ب - ج - ه | |

۲۰- کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد

عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد»
 ز ارادت‌ی که بودم ز محبتی که هستم
 جز عاشقی میندار کار دگر توان کرد
 عاقلش با کار بیکاران چه کار؟
 یک سرابم پیش ره نامد که توفانی نداشت

- (۱) به گناه عشق کشتیم و هنوز برنگشتیم
- (۲) هر جا که حسن معشوق سرگرم جلوه گردد
- (۳) عشق‌بازی کار بیکاران بود
- (۴) از در و دیوار می‌بارد بلا در راه عشق

۲۱- متنی زیر با همهٔ ابیات قرابت مفهومی دارد، به جز:

«گفت: بلبان را دیدم که به نالش درآمده بودند از درخت و کبکان از کوه و غوکان در آب و بهایم از بیشه؛ اندیشه کردم که مروت نباشد همه

در تسبیح و من به غفلت، خفته.»

که بنگرم به گل و سر کنم ثنای تو را
 مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش
 گوش دل واکنی حکایت اوست
 بلبل به نغمه‌خوانی مطرب به چیره‌دستی

- (۱) هوای سیر گل و ساز بلبل دادی
- (۲) گفتم این شرط آدمیت نیست
- (۳) در طبیعت به هر صلا و سکوت
- (۴) هر یک به زخم خود ساز تو می‌نوازد

۲۲- مفهوم کلی بیت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

«دل چه بندی در این سرای مجاز؟

همت پست کی رسد به فراز»
 به خوشی یک دو نفس هر که درین عالم زد
 در حریم مهر تابان تکیه بر اورنگ زد
 پشت پایی است که بر دولت پاینده زدند
 روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند

- (۱) چون گل صبح به خون شست همان دم رخسار
- (۲) هر که پشت پای چون شبنم به آب و رنگ زد
- (۳) دست منعی که فشاندند بزرگان به فقیر
- (۴) از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق

۲۳- مفهوم بیت زیر، در کدام بیت یافت می‌شود؟

«دل‌گرمی و دم‌سردی ما بود که گاهی

مردادمه و گاه دی‌اش نام نهادند»
 روز و شب هر کس که برابر شده باشد
 گرمی آتش کند کوه زبان‌خار را
 اگر شوی تو ملایم جهان گلستان است
 دل چو آزاد شود سود و زیان هر دو یکی است

- (۱) ایام حیاتش همه ایام بهار است
- (۲) کار خامان می‌توان از پخته‌گویی ساختن
- (۳) زمانه بوتهٔ خار از درشت‌خویی توست
- (۴) در خزان سرو چو ایام بهاران تازه است

۲۴- کدام بیت، با بیت زیر «تضاد» معنایی دارد؟

«ز من بشنو به خاموشی مکن خوی

که خاموشی دلیل جهل باشد»
 که سخت مشکل کاری است کار گفت و شنود
 که از کلام نسنجیده خوار گردد مرد
 اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد
 شمع آسوده ز کشتن شود از خاموشی

- (۱) درست گوی به هنگام گوی و نیکو گوی
- (۲) سخن چو گویی سنجیده گوی در مجلس
- (۳) سخن گفته دگر بازنیاید به دهن
- (۴) مهر زن بر لب گفتار که در بزم جهان



۲۵- مفهوم کدام بیت با بیت زیر، متناسب نیست؟

«گریز از کفش در دهان نهنگ»

(۱) به نام نکو گر بمیرم رواست

(۲) مرا مرگ بهتر از این زندگی

(۳) مرا سر نهان گر شود زیر سنگ

(۴) هر زمان گویند دل در مهر دیگر یار بند

که مردن به از زندگانی به ننگ»

مرا نام باید که تن مرگ راست

که سالار باشم کنم بندگی

از آن به که نامم برآید به ننگ

پادشاهی کرده باشم پاسبانی چون کنم

سراسری ۱۴۰۰ خارج از کشور

پاسخ‌نامهٔ آزمون عمومی کلیهٔ رشته‌ها (غیر از انسانی)

زبان و ادبیات فارسی

۵- گزینه ۱ در بیت اول، ذنخدان با املای غلطی آمده که صورت صحیح آن، رَنخِندان (چانه) است.
در این سؤال، املای واژه‌های رشحه (قطره و چگه، چکیده، مجازاً اندک و اندکی) در بیت ۲، غزا (جنگ و پیکار) در بیت ۳ و صله (عطا و پاداش، انعام) در ۴ درست است.

۶- گزینه ۳ غلط‌های املایی و شکل صحیح آن‌ها:
منصوب ← منصوب (نسبت داده‌شده، وابسته، مربوط)؛ کاربرد منصوب (نصب‌شده، گماشته و تعیین‌شده بر درجه و مقامی) در این عبارت، از نظر معنایی مناسب نیست.
غربت ← قربت (نزدیک‌شدن، نزدیکی در مقام و منزلت)؛ با توجه به معنی برداشت‌شده از جملات اول، می‌توان دریافت که سخن از نزدیکی و تقرب به پادشاه است، بنابراین قربت مناسب و صحیح است نه غربت (دوری از شهر و خانه، تنهایی و بی‌کسی).
ثواب ← صواب (صلاح و مصلحت، کار پسندیده و درست)؛ «به صواب آن لایق‌تر ... کار درست‌تر و پسندیده‌تر آن است که ...» ثواب به معنی «اجر و مزد اخروی، پاداش کار نیک» در این عبارت کاربرد مناسب و صحیحی ندارد.

۷- گزینه ۴ عبارات ۴ بخشی از متن «سودای عشق» از درس ۷ فارسی دوازدهم انتخاب شده است. این متن از کتاب «تمهیدات» اثر عین‌القضات همدانی است.
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ از متن «سفر به بصره»، درس ۸ فارسی دهم انتخاب شده است. این متن از «سفرنامه» اثر «ناصرخسرو» است.
۲ متن مربوط به درس ۲ فارسی دهم، «از آموختن ننگ مدار» است. این متن از کتاب «قابوس‌نامه» اثر «عنصرالمعالی کیکاووس» است.
۳ این عبارات از درس ۷ فارسی دوازدهم آمده است. «در حقیقت عشق» یا «فی حقیقة العشق» اثر «شهاب‌الدین سهروردی» است.

۸- گزینه ۴ بیت «الف» فاقد هر نوع استعاره‌ای است؛ پس گزینه‌های ۱ و ۲ که بیت «الف» را معرفی کرده‌اند حذف می‌شوند. در گزینه‌های باقی‌مانده بیت «ج» مشترک است و بنابراین بی‌نیاز از بررسی است. بیت «ب» فاقد مجاز است و بر این اساس ۳ نیز رد می‌شود.
بررسی ابیات ۴:

«ج»: استعاره: شمشاد استعاره از قد و قامت بلند و کشیده / مجاز: چمن: مجاز از گلستان و باغ
«د»: استعاره: همت، توانایی تعمیرکردن دارد؛ پس بیت تشخیص و استعاره دارد. / مجاز: «امروز» مجاز از دنیا و «فردا» مجاز از جهان آخرت.

۱- گزینه ۱ واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند به همراه معنای صحیح آن‌ها:
هژیر: چابک، هوشیار، نیکو (هژیر را که به معنی «شیر» است با هژیر اشتباه نگیرد!) - تقریظ: ستودن، مطلبی ستایش‌آمیز دربارهٔ کتاب، نوشته و مانند آن‌ها («بزرگداشت، گرمی‌داشت» معنی واژهٔ تکریم است). - پدرام: آراسته، سرسبز و خرم (پدرام، صفت است و معنی‌کردن آن به صورت اسم و مصدر، غلط است). - شیراوژن: شیرافکن، کنایه از بسیار دلاور و قدرتمند - تزار: [لقب] پادشاهان روسیه در گذشته

۲- گزینه ۳ معنی واژه‌ها: التهاب: شعله‌ور شدن و برافروختن؛ مجازاً ناآرامی، بی‌قراری، اضطراب - مقرون: پیوسته، همراه - علّت: بیماری - درایت: آگاهی، دانش، بینش - خنیده: مشهور، معروف، نامدار - پالیز: باغ، جالیز - نوند: اسب تندرو - کوشک: ساختمانی بلند، وسیع و زیبا که اغلب در میان باغ قرار گرفته است؛ قصر، کاخ؛ دقت داشته باشید که براساس صورت سؤال، باید معنی واژه‌های فرد، یعنی واژه‌های «التهاب، علّت، خنیده، نوند» را بیابیم. این چهار واژه در ۳، به درستی معنی شده‌اند (البته ترتیب رعایت نشده است).

۳- گزینه ۲ فاحش به معنی «آشکار، واضح» است؛ متضاد این واژه، نهان در بیت «د» دیده می‌شود. بادی یعنی «آغاز»؛ متضاد این واژه، پایان (بیت الف) است. قِمات به معنی «مرگ و مردن» است و متضاد آن حیات و زندگی است که در بیت «ب» دیده می‌شود. متضاد واژهٔ جَنّت (بهشت) هم، دوزخ است که در بیت «ج» وجود دارد.

۴- گزینه ۴ در عبارت ۴: صخره (سنگ بزرگ و سخت) وجه و تناسبی با عبارت ندارد و سُخره (تمسخر و ریشخند، اجیر و بیگار، زبون و ذلیل؛ در این‌جا مجازاً عادت و پیشه) صحیح است.
واژگانی که از نظر املایی اهمیت دارند:

۱ مخالفت: خلوص و پاکی، یکدلی و یکرنگی - ورطه: مهلکه، گرداب، گرفتاری و خطر - هایل: ترسناک و مهیب (حایل: مانع) - اهتمام: همت‌گماشتن، تلاش
۲ مطاوعت: فرمانبری - قرض: واجب و ضروری افرز: چابک و چالاک، تند و سریع - فراق: هجران و جدایی
۳ نمط: شیوه، روش، گونه، طریق - تقریر: بیان، بیان‌کردن - حرمت: آبرو، ارجمندی، احترام
۴ اہمال: کوتاهی، سهل‌انگاری کردن، فروگذاری - نسیان: فراموشی



- ۲- دلا (۱) گفتم (۲) غم خود خور (۳) که کار از دست شد بیرون (۴) تو را غم خوردن است (۵) ای دل (۶) تو غمخواری چه می‌دانی (۷) توجه کنید که «غمخواری» اسم و به معنای «غم خوردن» است. «ی» آن اسم‌ساز است نه شناسه فعل دوم شخص مفرد. این را با توجه به معنی و البته با زیر و بالا کردن گزینه‌های دیگر درمی‌یابید. 😊
- تو غمخواری [را] چه می‌دانی؟ تو غمخواری را نمی‌فهمی.
- ۳- همه عزّی (۱) و جلّالی (۲) همه علمی (۳) و یقینی (۴) همه نوری (۵) و سروری (۶) همه جودی (۷) و جزایی (۸)
- ۴- تو حکیمی (۱) تو عظیمی (۲) تو کریمی (۳) تو رحیمی (۴) تو نماینده فُضلی (۵) تو سزاوار ثنایی (۶)
- ۵- «ی» در گزینه‌های ۳ و ۴، مخفّف فعل «هستی» است.

۱۳- گزینه ۲ نوع وابسته‌های وابسته در سروده سؤال:

پهلوان هفت‌خوان اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود.

مضاف‌الیه صفت
مضاف‌الیه مضاف‌الیه
مضاف‌الیه

- پس باید در بین گزینه‌ها به دنبال دو نوع وابسته وابسته، یعنی مضاف‌الیه مضاف‌الیه و صفت مضاف‌الیه باشیم.
- ۱- توجه کنید که در مصراع اول «هفت‌خوان» یک اسم است و مضاف‌الیه پهلوان محسوب می‌شود و هفت وابسته وابسته پهلوان نیست.
- ۲- در مصراع دوم فقط یک نوع وابسته وابسته داریم:

بس که زهر زخم‌ها کاریش ← بس که زهر زخم‌هایش کاری [بود]

مضاف‌الیه
مضاف‌الیه

- ۲- فقط در مصراع دوم یک نوع وابسته وابسته داریم:

آن کلید گنج مروارید او

مضاف‌الیه مضاف‌الیه
مضاف‌الیه مضاف‌الیه

- ۳- هر دو نوع وابسته وابسته را داریم:

شیرمرد عرصه ناوردهای هول / پور زال زر

مضاف‌الیه صفت
مضاف‌الیه مضاف‌الیه
مضاف‌الیه مضاف‌الیه

- ۱- «هول» صفت است به معنی وحشت‌انگیز، ترسناک.
- ۲- در تشخیص نوع وابسته وابسته، صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه هم مثل صفت مضاف‌الیه، وابسته وابسته محسوب می‌شود؛ حتی صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه ... تا مرتبه n هم وابسته وابسته محسوب می‌شود.

- ۴- در این سروده هیچ نوع وابسته وابسته‌ای نداریم:

مصراع دوم: حدیث آشنایش

۱۴- گزینه ۲

- اجزای مصراع اول بیت سؤال ← نهاد + متمم + مفعول + فعل
- خرد را گر نبخشد روشنایی ← اگر [او] به خرد روشنایی [را] نبخشد
- متّهم مفعول
- «نبخشد» فعل گذرا به مفعول است و حرف اضافه اختصاصی نیز دارد؛ بنابراین در جملاتی که قرار می‌گیرد متمم هم وجود دارد.
- بررسی مصراع‌های دوم گزینه‌ها:
- ۱- ز دیوار محراب به گوشش آمد ← فعل «آمد» مفعول‌پذیر نیست.

- ۹- گزینه ۲ در این گزینه حداقل چهار ایهام به کار رفته است:

- ۱- اسب: (۱) نام حیوان (۲) نام مهره‌ای در شطرنج
- ۲- رخ: (۱) چهره (۲) نام مهره‌ای در شطرنج (= قلعه)
- ۳- مات: (۱) از ما برای تو غمی نیست (۲) من غمی از مات شدن در برابر تو ندارم. (۳) غمی از مرگ ندارم.
- ۴- وفات: (۱) تا چه زمانی وفات و مرگ را بیابم. (۲) تا چه زمانی وفای تو را بیابم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱- «راهنمایی» را در انتهای مصراع دوم دو گونه می‌توان خواند و معنی کرد:

- ۱- نروم جز به همان راهی که تو آن راه را به من بنمایی.
- ۲- نروم جز به همان راه (همان راهی که در مصراع اول به آن اشاره شده) زیرا تو راهنمای من هستی.

- ۲- قرار (در مصراع دوم): ۱- جایی که من و تو با هم قرار داریم.
- ۲- جایی که من و تو در آن جا آرامش خواهیم یافت.

- ۴- فاقد ایهام؛ توجه داشته باشید که «پروانه» در این بیت فقط به معنی اجازه است و در معنی حشره با شمع، فقط ایهام تناسب می‌سازد.

۱۰- گزینه ۲ در این گزینه بین «مهر» و «مهر» و «جبین» و

«بین» جناس ناهمسان برقرار است، اما بیت فاقد ایهام است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱- جناس: سر و سر - هر و سر / مجاز: سر مجاز از انسان
- ۲- ایهام: داستان: ۱- صبر همدست و هم‌زور فریب تو نبود. ۲- صبر همدست و هم‌زور دست‌های تو نبود. / استعاره: «عنان کشیدن دل» و «پی گم کردن صبر» تشخیص و استعاره دارند.
- ۴- اغراق: گریه شاعر، فلک را تر می‌کند. / تشبیه: مزرع فلک (اضافه تشبیهی) - دیده را همچون فواره می‌گرداندم.

۱۱- گزینه ۱ گزینه‌های ۲ و ۳ با تضاد رد می‌شوند و ۴

با حسن تعلیل.

معنای بیت: حتی اگر در سر سودای زلف او، سرت را بدهی، به این دلیل، سر مویی خاطرت را پریشان نکن و غم مخور.

بررسی آرایه‌های ۱ در بیت:

جناس: سر و در (جناس ناهمسان) - سر (= عضو فوقانی بدن) و سر (= به خاطر) (جناس همسان)

مجاز: سر (اول) مجاز از جان

ایهام: سودا: ۱- سیاهی ۲- عشق ۳- تجارت و دادوستد

کنایه: سر مو کنایه از مقدار بسیار اندک - در سر چیزی رفتن: به خاطر چیزی فدا و فنا شدن

۱۲- گزینه ۲ تعداد جمله‌های بیت سؤال:

به حرص ار شربتی خوردم (۱) مگیر از من (۲) که بد کردم (۳) بیابان بود (۴) و تابستان [بود] (۵) و آب سرد [بود] (۶) و استسقا [بود] (۷)

بررسی تعداد جملات گزینه‌ها:

- ۱- همه آنی (۱) همه حسنی (۲) همه لطفی (۳) همه ناز [هستی] (۴) سزدت (۵) گر به چنان حسن و لطافت نازی (۶)

۲ که روزی نخوردند، پیلان به زور فعل «نخوردند» مفعول پذیر است؛ اما حرف اضافه اختصاصی و متمم ندارد.

۳ نژند آن دل که او خواهد نژندش فعل «نژند» مفعول پذیر است؛ اما حرف اضافه اختصاصی و متمم ندارد.

۴ «است» اسنادی است و مفعول هم نمی پذیرد. فعل «خواهد» در این جا مفعول و مسند می پذیرد، ولی حرف اضافه اختصاصی و متمم ندارد.

۵ که روزی رسان قوت روزش بداد فعل «روزش بداد» مفعول پذیر است؛ اما حرف اضافه اختصاصی و متمم ندارد.

روز به او بداد. متمم

فعل «داد» مفعول پذیر است: چه چیزی را؟ قوت روز هم چنین این فعل همواره با حرف اختصاصی «به» به کار می رود و معمولاً در جمله ای که قرار می گیرد متمم هم می پذیرد.

۱۵ - گزینه ۲ در سروده سؤال نقش تبعی وجود ندارد. ولی چهار جمله ساده دارد: تمام جملات ساده هستند.

بررسی سایر گزینه ها:

۱ ماضی نقلی: نشسته اند / مضارع اخباری: می آید

۲ یک واژه دوتلفظی: آسمان / آسمان / دو مفعول: پنجره - کل دو جمله بعد از فعل «دید» مفعول فعل «دید» است.

۳ چهار ترکیب وصفی: چند سینه سرخ - سینه سرخ مهاجر - شاکسار عریان - کدام سمت / ترکیب اضافی: سمت آسمان

۱۶ - گزینه ۱ بررسی نقش کلمات:

چه خوش فرمود آن پیر خردمند قید نهاد

وزین خوش تر نباشد در جهان پند قید فعل غیر اسنادی نهاد

اگر خونین دلی از جور ایام مسند

لب خندان بیاور چون لب جام مفعول

در مصراع دوم فعل «نباشد» غیر اسنادی و به معنای «وجود ندارد» است؛ بنابراین در این جمله مسند نداریم و «خوش تر» قید است.

۱۷ - گزینه ۲ در اصل سخن این است که اگر کسی توانایی و قدرت دارد، نباید از آن راه نادرست استفاده کند. در سایر گزینه ها و بیت سؤال مفهوم مشترک این است که شباهت ظاهری دلیل یکسانی پدیده ها نیست (نکوهش قضاوت سطحی و ظاهری).

۱۸ - گزینه ۱ مفهوم حدیث صورت سؤال ناپایداری احوال روزگار است و این که پس از هر غم، شادی و پس از هر شادی، غم خواهد آمد که در گزینه های ۲، ۳ و ۴ این مفهوم دیده می شود. مفهوم ۱ این است که برای عاشق از بین رفتن عمرش اهمیت ندارد (چیزی جز معشوق و عشق برای عاشق اهمیت ندارد).

۱۹ - گزینه ۲ بررسی مفهوم هر کدام از ابیات:

«الف»: وقتی با جلوه خود انجم را مثل گلستان کردی = تجلی معشوق
«ب»: عاشق آن چنان از وجود مادی خود دست کشیده است که در پاسخ معشوق، به جای آن که بگوید: من در پشت درم، می گوید:

پشت در هم تو هستی. این یعنی پا گذاشتن بر وجود مادی خود و خود را فدا کردن و نیز اتحاد عاشق و معشوق

«ج»: ناپایداری و زوال پذیری زیبایی های مجازی

«د»: تنها عاشقی که از وجود مادی خود دست بکشد و خود را نیست و نابود کند، به وصال می رسد = اتحاد عاشق و معشوق

«ه»: عاشق هر کاری از دستش برمی آید انجام داده است؛ اما هیچ کاری در شب تیره هجران اثربخش نیست و کاری از ناله سحری او بر نمی آید = استیصال و درماندگی عشق

۲۰ - گزینه ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و ۴ پربلا بودن راه عشق است و این که جفا و ستم لازمه عشق است (بلاکشی عاشقانه). مفهوم سایر گزینه ها:

۱ عاشق حتی اگر در راه عشق جان ببازد، از عشق رو بر نمی گرداند.

۲ وقتی معشوق جلوه می کند، چاره ای جز عاشق شدن وجود ندارد.

۳ تقابل عقل و عشق

۲۱ - گزینه ۱ مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و گزینه های ۲، ۳ و ۴ این است که همه موجودات خدا را ستایش می کنند. در این مفهوم دیده نمی شود و شاعر می گوید: تو به من این اشتیاق را بخشیدی که با دیدن زیبایی ها تو را ستایش کنم.

۲۲ - گزینه ۲ مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و ۲ کسی که دل بسته تعلقات دنیا نیست نمی تواند به کمال برسد. مفهوم سایر گزینه ها:

۱ در این دنیا هیچ آسایشی بدون گرفتاری و رنج نیست. / پیامد آسایش و راحتی، رنج و گرفتاری است.

۲ رد کردن نیازمندان از خود، سبب دور کردن اقبال و دولت است.

۳ ازلی بودن ویرانگری عشق / ویرانی دل عاشق، تعمیرناپذیر است.

۲۳ - گزینه ۲ در بیت صورت سؤال سخن از اثر گرفتن زمانه از غم ها و شادی های مردمان است. در میان ابیات سؤال در ۳ می توانیم به نوعی این مفهوم را ببینیم. در این گزینه، شاعر بیشتر بر این مطلب تأکید دارد که هر چه رفتار کنیم روزگار و جهان با ما همان گونه رفتار می کند و به نوعی این جهان بازتاب اعمال و نگرش ماست. مفهوم سایر گزینه ها:

۱ کسی که غم و شادی و روز و شبش برابر باشد، روزگارش سراسر بهار است.

۲ سخن پخته و ارزشمند، انسان های خام و نادان را مغلوب می سازد. ۴ دل انسان آزاده در زمان سختی ها هم آسوده و شادمان است (برای آزاده غم و شادی یکسان است).

۲۴ - گزینه ۱ مفهوم بیت سؤال این است که خاموشی دلیل جهل و نادانی است (پس سخن بگو). متضاد این مفهوم می شود: سکوت دلیل دانایی است یا سخن گفتن دلیل نادانی است (پس خاموش باش). در هر صورت در بیت صورت سؤال سکوت مذمت شده و باید به دنبال بیستی بگردیم که در آن سکوت ستایش شده باشد که در ۴ بهتر از سایر گزینه ها این مطلب دیده می شود.



مفهوم ترجیح مرگ بر ننگ در ۴ وجود ندارد و فقط ننگ از تنزل جایگاه دیده می‌شود. شاعر می‌گوید دست کشیدن از عشق معشوق (که به من مقام و عزت بخشیده) مثل این است که از مقام پادشاهی به پاسبانی تنزل پیدا کنم. برای روشن تر شدن، مفاهیم گزینه‌ها را از نظر می‌گذرانیم:

- ۱ روادانستن مردن در راه کسب نام
- ۲ ترجیح مرگ بر پذیرفتن ننگ
- ۳ ترجیح مرگ بر پذیرفتن ننگ
- ۴ ننگ داشتن از تنزل رتبه و جایگاه

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱ سنجیده و درست و نیکو سخن گفتن
- ۲ سنجیده گوئی / سخن نسنجیده سبب خواری است.
- ۳ اول اندیشه بعد گفتار

۲۵- گزینه ۱ مفهوم اصلی بیت سؤال ترجیح مرگ، بر زندگی با ننگ است. در ۱ سخنی از ننگ نیامده است و شاعر مرگ را در راه به دست آوردن نام روا می‌داند. در ۲، ۳ و ۴ شاعر تنزل جایگاه را ننگ می‌داند و مردن را بر آن ننگ ترجیح می‌دهد. البته

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

خارج از کشور

ویژه نظام آموزشی ۳-۲-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی انسانی
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان و ادبیات فارسی

۱- معنی واژه‌های زوج در کدام گزینه «تماماً» درست است؟

«شکن، نموده، قفا، تناور، تقریظ، بهرام، دوده، هژیر»

- (۱) سیارهٔ مریخ، ارائه کرده، نیکو، فربه
(۲) کیوان، آشکار کرده، قوی جثه، خشمگین
(۳) نشان داده، تنومند، سیاردان، خاندان
(۴) سیارهٔ زحل، پس گردن، تنومند، چابک

۲- معنی چند واژه، درست است؟

(زخم: ضربه) (شیخ: پیر) (عندلیب: هزارستان) (خنیده: پرآوازه) (نماز پیشین: نماز مغرب) (آزرم: گمان) (نژند: خوار و زیبون) (درای: زنگ کاروان) (سیماب: لرزان)

- (۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت

۳- مترادف «قطره، فریاد، غریو، کاهش یافتن» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- (الف) بی‌صرفه نیست ریزش مستان به پای گل نقصان نمی‌کشد چو کسی زر به زر دهد
(ب) گهی که جرم مرا پیش تو حساب کنند تو رشحه‌ای ز کرم‌های بی‌حساب بریز
(ج) غو پاسبانان و بانگ جرس همی‌آمد از دور و از پیش و پس
(د) صغیر بلبل شوریده و نفیر هزار برای وصل گل آمد برون ز بیت حزن
(۱) الف - د - ب - ج (۲) ج - د - ب - الف (۳) ب - ج - الف - د (۴) ب - د - ج - الف

۴- در کدام عبارات «غلط املایی» وجود دارد؟

- (الف) وی دست در دامن ازلی زد و نصرت خاست.
(ب) هر کس به قراضه‌ای در معبر نشسته و رخت سفر بسته.
(ج) از وحشت آباد عالم فانی به نزهت‌سرای جاودانی انتقال نمود.
(د) وی پشیمان گشت و گفت از پشت دست خوابیدن چه سود.
(۱) الف - ج (۲) الف - د (۳) ب - ج (۴) ب - د

۵- در کدام عبارت «غلط املایی» وجود دارد؟

- (۱) اتفاق کردند که او را استحقاق و اهلیت این منزلت هست.
(۲) خواست که به نصرت و معاونت و استخلاص مملکت او قیام نماید.
(۳) به خوش‌دلی و قبطت عزم مراجعت در خدمت او به امضا رسانیدند.
(۴) اگر ما دبیری را فرماییم که چیزی نویس، اگرچه استیصال او در آن باشد زهره دارد که ننویسد؟

۶- در متنی زیر چند «غلط املایی» وجود دارد؟

«آدم صفی خلعت صفوت ازو یافت، روح پرفتوح در غالب نوح به عزّت او درآمد، طیلسان صعود بر سر هود او کشید، منشور امارت به نام اسماعیل او نبشت، نعلین غربت در پای موسی او کرد، عمامهٔ رفعت بر سر عیسی او نهاد.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۷- نام سرایندهٔ کدام بیت، در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- (۱) مشو در پیچ و تاب رنج و غم گم به هر حالت تبسم کن تبسم (فریدون مشیری)
(۲) غلام عشق شو کاندیشه این است همه صاحب‌دلان را پیشه این است (نظامی)
(۳) طاق‌پذیر است عشق جفت نخواهد حریف بر نمط عشق اگر پای نهی طاق نه (منوچهری)
(۴) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست (هوشنگ ابتهاج)

۸- در منظومهٔ زیر به ترتیب، چند تشبیه و چند استعاره وجود دارد؟

«فوران گل حسرت از خاک/ بارش شب‌نم روی پل خواب/ پرش شادی از خندق مرگ/ گذر حادثه از پشت کلام»

- (۱) سه - پنج (۲) سه - شش (۳) چهار - پنج (۴) چهار - شش

۹- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات «کاملاً» درست است، به جز:

- (۱) از آتش آب دهن چون گلاب شیرین است که هست همچو شکر مغز پستهٔ دهنش (واج‌آرایی، حسن تعلیل)
(۲) هر جا که سیف باشد بستان اوست رویش «چون است حال بستان ای باد نوبهاری» (استعاره، تضمین)
(۳) گو در این مصر که فرعون در او صد بیش است نان عزیز است که شد یوسف گندم چاهی (ایهام تناسب، تشبیه)
(۴) سرورانی که به هر گرسنه نان می‌دادند استخوان‌جوی شده همچو سگ درگاهی (مجاز، استعاره)

۱۰- بیت زیر، به کدام «آرایه‌ها» آراسته شده است؟

«قامت یکتای من گشته دوتا چون هلال
تا تو قرین قمر زلف دوتا کرده‌ای»

- (۱) تضاد، استعاره، جناس تام، ایهام
(۲) تشبیه، مجاز، تضاد، ایهام تناسب
(۳) استعاره، واج‌آرایی، جناس ناقص، مجاز
(۴) تشبیه، واج‌آرایی، کنایه، جناس ناقص

۱۱- آرایه‌های «جناس، اسلوب معادله، استعاره، حسن تعلیل و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) می‌خورم خون جگر تا می‌برم روزی به سر
(ب) زان عمر من و زلف تو کوتاه و بلند است
(ج) چون شود اخلاص کامل‌تر رسد سلطان عشق
(د) سخن را روی گرم از قید خاموشی برون آرد
(ه) آمد شبی خیالش در صدر سینه جا کرد
(۱) الف - ج - ه - ب - د (۲) الف - د - ه - ج - ب (۳) ج - ب - د - الف - ه (۴) ج - د - ه - ب - الف

۱۲- زمان افعال موجود در ابیات زیر، به ترتیب، کدام است؟

- «هر که بی‌مشورت کند تدبیر
بیخ بی‌مشورت که بنشانی»
(۱) مضارع اخباری، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع التزامی
(۲) مضارع اخباری، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع التزامی
(۳) مضارع التزامی، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع اخباری
(۴) مضارع التزامی، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع اخباری

۱۳- در کدام بیت، نقش دستوری «واژه قافیه» متفاوت است؟

- (۱) بر سرو قامت گل و بادام روی و چشم
(۲) کس در نیامده است بدین خوبی از دری
(۳) اول منم که در همه عالم نیامده است
(۴) رویی که روز روشن اگر برکشد نقاب
نشنیده‌ام که سرو چنین آورد بری
دیگر نیاورد چو تو فرزند مادری
زیباتر از تو در نظرم هیچ منظری
پرتو دهد چنان‌که شب تیره اختری

۱۴- تعداد جمله‌های کدام بیت، با بیت زیر یکسان است؟

- «می‌رفت فروغی ز سر کویت و می‌گفت
کز دست دل ای کاش چنین زار نبودم»
(۱) دلا من قدر وصل او ندانستم تو می‌دانی
(۲) به آن‌چه می‌گذرد دل منه که دجله بسی
(۳) از دیده دل‌سوختگان چهره می‌وشان
(۴) بی‌تو می‌گویند تعطیل است کار عشق‌بازی
کنون دانستم و سودی نمی‌دارد پشیمانی
پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد
ای آینه هش دار که صاحب نفسی هست
عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

۱۵- نقش قسمت‌های مشخص شده در همه ابیات کاملاً درست است، به جز:

- (۱) باد عمرت در جهان همچون خَضر
(۲) این سخن همچون ستاره است و قمر
(۳) هر یکی از ما مسیح عالمی است
(۴) چون که حرفی برنتابد این وصال
جان‌فزا و دستگیر و مستمیر (متمم، مسند)
لیک بی‌فرمان حق ندهد اثر (مسند، مفعول)
هر الم را در کف ما مرهمی است (مضاف‌الیه، نهاد)
واجب آید که کنم کوتاه مقال (مسند، مفعول)

۱۶- با توجه به ابیات زیر همه موارد «کاملاً» درست هستند، به جز:

- «بدو گفت کز من رهایی مجوی
نیامد به دامنم به‌سان تو گور»
(۱) ابیات از هفت جمله تشکیل شده‌اند.
(۲) چرا جنگ جویی تو ای ماه‌روی
ز چنگم رهایی نیابی مشهور
(۳) منادا و یک جهش ضمیر در ابیات مشهود است.
(۴) فعل مضارع اخباری و ماضی ساده در ابیات به چشم می‌خورد.
در ابیات چهار فعل نیاز به مفعول دارد.

۱۷- مفهوم ضرب‌المثل «از کوزه همان برون تراود که در اوست» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- (۱) مرد را اول بزرگی نفس باید پس نسب
(۲) گر جان بدهد سنگ سیه لعل نگرود
(۳) صورت زیبای ظاهر هیچ نیست
(۴) اگر ذاتی تواند بود کز هستی توان دارد
هست اندر ذات او این هر دو معنی آشکار
با طینت اصلی چه کند بدگهر افتاد
ای برادر سیرت زیبا بیار
من آن ذاتم که او از نیستی جان و روان دارد

۱۸- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام

- ۱) بی اجل یاد کسی خلق به نیکی نکنند
- ۲) ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما
- ۳) هیچ شک نیست به تیر اجل ای یار عزیز
- ۴) چو خواهی عاقبت شد رزق موران

۱۹- از کدام بیت، مفهوم بیت زیر استنباط می‌شود؟

«گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت

- ۱) گریه دل‌های شب آینه‌ام را صاف کرد
- ۲) مرا چون اشک هر سو می‌دواند چشم پرکاری
- ۳) گریه مستانه نگشود از رگ جانم گره
- ۴) بسوز ای دل که تا خامی نیاید بوی دل از تو

۲۰- عبارات زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و به ید قدرت در گل از گل دل کرد.»

- ۱) صبح خندان محبت به فروغی گریان
- ۲) نقطه عشق که از کلک محبت بچکید
- ۳) در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
- ۴) کلک نقاش ازل کز ابدیت دم زد

۲۱- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی ندارد؟

«وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا

- ۱) هر که در قید خودی ماند زمین‌گیر بود
- ۲) عمر اگر باشد ز قید تن رها خواهم شدن
- ۳) سوخت تا پروانه واصل شد تو هم از بال و پر
- ۴) چو از شمعی رسد پروانه را نور

۲۲- کدام بیت «فاقد» مفهوم عبارت زیر است؟

«تا با خاک انس نگیری، راهی به مراتب قرب نداری.»

- ۱) غبار دامن صحرای خاکساری شو
- ۲) به خاکساری ما صرفه نیست خندیدن
- ۳) قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن
- ۴) شده است گرد ز افتادگی سوار بر باد^۱

۲۳- مفهوم کدام بیت با عبارت زیر، یکسان است؟

«از بیم عقرب جزاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.»

- ۱) کنون در خطرگاه جان آمدیم
- ۲) ای که تو از ظلم چاهی می‌کنی
- ۳) خلقی بیفکنند چو مار از نهیب پوست
- ۴) مکر او معکوس و او سرزیر شد

۲۴- مفهوم بیت زیر با کدام بیت متناسب نیست؟

«هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی برکند

- ۱) سرگشته به بر و بحر گردند
- ۲) ای لال ز وصف تو زبان‌ها
- ۳) در عالم عشق سیر کردیم
- ۴) به بینندگان آفریننده را

بر خلق و بر دهان شما نیز بگذرد»
مرگ، این طایفه را بر سر انصاف آرد
بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلان
که من از پای درآیم چو تو اندازی به
به دولت گر سلیمانی چه حاصل؟

قطره باران ما گوهر یکدانه شد»
نور بینش همچو شمع از چشم گریان یافتم
که هر میزگان او در عالم دیگر کند بازی
تاک را در گریه کردن عقده از دل وا نشد
کجا دیدی که بی‌آتش کسی را بوی عود آید

اشک بارید و به گل‌های خزان شبنم زد
دل آدم شد و از عشق و محبت دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
از بر لوح عدم نقش همه عالم زد

هر که فانی شد ز خود مردانه‌ای است»
هر که بیرون رود از خود همه‌جا می‌باشد
بی‌گره چون موج آب بقا خواهم شدن
باز کن آغوش رغبت در هوای سوختن
درآید پرزنان پروانه از دور

که تاج رفعت از این رهگذر توانی یافت
مکن به جام سفالین شراب بی‌غش را
از کنار ابر تا دریا تنزل بایشد
نشسته است ز گردن‌کشی نشان در خاک

ز باران سوی ناودان آمدیم
از برای خویش دامی می‌تنی
قومی برآورند چو مور از نشاط پر
روزگارش برد و روزش دیر شد

وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»
اندر طلب تو کاروان‌ها
کوته ز ثنای تو بیان‌ها
دیدیم یکان‌یکان نشان‌ها
نبینی مرنجان دو بیننده را

۱- مصراع اول در دیوان صائب تبریزی به این شکل است: «شده است گرد ز افتادگی به باد سوار»



۲۵- کدام مورد، با توجه به ابیات زیر «غلط» است؟

«فلک در شگفتی ز عزم شماست ملک آفرین‌گوی رزم شماست
شما را چو باور به یزدان بود هم او مر شما را نگهبان بود»
 (۱) در سروده «پنج ترکیب اضافی» یافت می‌شود.

(۲) آرایه‌های «استعاره، اغراق و جناس» در ابیات به چشم می‌خورد.

(۳) نقش قسمت‌های مشخص‌شده به‌ترتیب، «متمم و مفعول» است.

(۴) بیت دوم با آیه شریفه ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ تناسب مفهومی دارد.

سراسری ۱۴۰۰ خارج از کشور

پاسخ‌نامه آزمون عمومی رشته انسانی

زبان و ادبیات فارسی

در این متن واژه‌های مهمی مثل صفی (برگزیده)، صفوت (برگزیدگی و خلوص)، طیلسان (ردا)، امارت (حکمرانی و فرمانروایی)، با املای درستی به کار رفته‌اند.

۷- گزینه
همه ابیات از کتاب فارسی دوازدهم انتخاب شده‌اند. بیت (۲) از خاقانی است و از قلمرو زبانی درس ۸، «از پاریز تا پاریس»، فارسی دوازدهم است.
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ این بیت از فریدون مشیری مربوط به قلمرو زبانی درس ۱۷ همین کتاب است.
۲ بیت از نظامی و از قلمرو زبانی درس ۱۲، فارسی دوازدهم است.
۴ بیت از هوشنگ ابتهاج و از قلمرو فکری درس ۷، فارسی دوازدهم انتخاب شده است.

۸- گزینه
ابتدا به بررسی تشبیه‌های این منظومه می‌پردازیم:
۱- گل حسرت (اضافه تشبیهی) ۲- پل خواب (اضافه تشبیهی)
۳- خندق مرگ (اضافه تشبیهی)
بررسی استعاره:

۱- فوران گل (گل را مانند آبی دانسته که فوران می‌کند). ۲- بارش شبنم (شبنم مانند باران می‌بارد). ۳- پرش شادی (شادی را مانند انسان دانسته که می‌تواند بپرد). ۴- گذر حادثه (حادثه کسی یا چیزی است که می‌گذرد). ۵- پشت کلام (کلام مانند شیئی است که پشت و رو دارد). همه موارد استعاره مکنیه‌اند.

۹- گزینه
در این گزینه «نان» مجاز از خوراکی و غذاست اما بیت فاقد استعاره است.
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ واج‌آرایی: تکرار صامت /ش/ / حسن تعلیل: علت شیرین بودن دهان یار این است که دهانش همچو شکر است.

۲ استعاره: شاعر «باد» را مخاطب قرار داده، پس بیت تشخیص و استعاره دارد. در ضمن جویاشدن احوال بستان نیز تشخیص و استعاره است. / تضمین: مصراع اول متعلق به «سیف فرغانی» است. او مصراع دوم را از سعدی تضمین کرده است. صورت کامل بیت سعدی این‌گونه است: چون است حال بستان ای باد نوبهاری؟ / کز بلبلان برآمد فریاد بی‌قراری

۳ ایهام تناسب: «عزیز» در این بیت به معنی محترم و ارزشمند است اما در معنی نام مقامی در مصر باستان، با مصر و فرعون و یوسف تناسب می‌سازد. / تشبیه: «یوسف گندم» اضافه تشبیهی است. شاعر گندم را به یوسفی تشبیه کرده که در چاه گرفتار شده و این‌گونه از قطعی روزگار خود شکایت می‌کند.

۴ «چاهی» صفت نسبی به معنی زندانی و محبوس در چاه است.

۱- گزینه
معنی واژه‌ها: شکن: پیچ و خم زلف - نموده: نشان‌داده، ارائه‌کرده، آشکارکرده - قفا: پس‌گردن، پشت‌گردن، پشت - تناور: تنومند، فربه، قوی‌جثه - تقریظ: ستودن، مطلبی ستایش‌آمیز درباره کتاب، نوشته و مانند آن - بهرام: ستاره مریخ - دوده: دودمان، خاندان، طایفه - هژیر: چابک، هوشیار، نیکو
با توجه به این‌که صورت سؤال، از ما معنی واژه‌های زوج را خواسته است، پس ما باید معنی درست واژه‌های «نموده، تناور، بهرام، هژیر» را بیابیم که این واژه‌ها بدون در نظر گرفتن ترتیب، همگی در ۱ به درستی معنی شده‌اند.

۲- گزینه
معنای صحیح واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند: نماز پیشین: نماز ظهر - آزر: شرم و حیا - سیماب: جیوه (سیماب‌گون: مانند سیماب، به رنگ جیوه)

۳- گزینه
رشحه در بیت «ب» مترادف قطره، نفیر و صفر در بیت «د» مترادف فریاد، غو در بیت «ج» مترادف غریو و نقصان در بیت «الف»، مترادف کاهش یافتن است.

۴- گزینه
غلط‌های املایی و شکل صحیح آن‌ها:
«الف»: خاست ← خواست (طلبید، تقاضا کرد)؛ «نصرت خواست»، یعنی یاری طلبید.

خاست (خاستن) در معنی «به پا خاستن، بلندشدن، به وجود آمدن، پدیدار و ظاهر شدن، از میان رفتن» کاربرد دارد.

«د»: خوابیدن ← خاییدن (جویدن، به دندان نرم کردن)؛ «پشت دست خاییدن» یعنی پشت دست را گاز گرفتن؛ کنایه از اظهار ندامت و پشیمانی است.

۵- گزینه
در عبارت ۳، واژه قبطت (قبطه) با املای غلطی آمده و شکل صحیح این کلمه، غبطه (شادمانی و خوشدلی، نیکویی احوال) است. (غبطه: رشک‌بردن، حال و روز کسی را آرزوداشتن، بی آن‌که خواهان زوال آن باشیم).

۶- گزینه
در متن مذکور، املای دو واژه غلط است: ۱- غالب؛ با توجه به معنی عبارت، قالب به معنی «جسم و پیکر، و جثه» صحیح است نه غالب (چیره، مسلط و پیروز، اغلب و بیشتر). ۲- غربت (دوری و تنهایی)؛ کاربرد واژه قربت (تقرب و نزدیکی به خداوند) در جمله «نعلین قربت ...» صحیح و مناسب است، چرا که سخن از مورد لطف و عنایت قرارگرفتن موسی (ع) و برگزیده و نزدیک‌شدن آن حضرت به خداوند باری تعالی است، البته با اذن به اراده و عنایت پروردگار. (نعلین: یک جفت کفش)



۱۰- گزینه ۱ با گزینه‌های ۲ و ۳ با مجاز و گزینه ۴ با جناس ناقص رد می‌شوند.

بررسی آرایه‌های پیشنهادی ۱

تضاد: یکتا (= راست، مستقیم) و دوتا (= خمیده، کج) / استعاره: قمر استعاره از چهره درخشان یار است. / جناس تام: «دوتا» در مصراع اول به معنی خمیده است و در مصراع دوم و در ترکیب زلف دوتا به معنی دو رشته زلف است. / ایهام: دوتا در مصراع دوم علاوه بر معنی پیش گفته‌شده، به معنی خمیده نیز قابل قبول است. واژه «قرین» نیز در دو معنا قابل جای گذاری است: ۱- مانند ۲- در کنار، نزدیک.

۱۱- گزینه ۲ با حسن تعلیل گزینه‌های ۲ و ۳ رد می‌شوند، زیرا ابیات «الف» و «ج» حسن تعلیل ندارند. ۱ نیز با اسلوب معادله رد می‌شود، زیرا بیت «ج»، بیت پیشنهادی این گزینه به علت ربط معنایی دو مصراع، فاقد اسلوب معادله است.

بررسی آرایه‌های ابیات براساس پیشنهاد ۴:

«ج»: جناس: در و سر؛ افسار و افسر (جناس ناهمسان)

«د»: اسلوب معادله: علاوه بر این که مصراع دوم مثالی برای مصراع اول است، مصراع‌ها استقلال دستوری نیز دارند.

«ه»: استعاره: آمدن، جاکردن خود و بناکردن (= ساختن) خیال تشخیص و استعاره دارد و نیز مسجد استعاره از سینه است.

«ب»: حسن تعلیل: علت کوتاهی عمر شاعر و بلندی زلف یار این است که در هر مهلکه و زمین و بیابان خطرناکی (در عشق) پستی وجود دارد (کوتاهی عمر شاعر) و بلندی وجود دارد (بلندی زلف یار). «الف»: ایهام تناسب: «روزی» به معنی یک روز است؛ اما در معنی رزق و روزی با قسمت و قضا تناسب می‌سازد.

۱۲- گزینه ۲ بررسی زمان فعل‌ها: کند (بکند): مضارع التزامی - نباید (نمی‌آید): مضارع اخباری - بنشانی: مضارع التزامی - نیارد (نمی‌آرد): مضارع اخباری

معنی دو بیت: هر کس بدون مشورت، تدبیر انجام دهد یا ببیندش معمولاً تیرش به هدف نمی‌خورد و به نتیجه نمی‌رسد. درختی (پایه و اساسی) که بدون مشورت بکاری (بنیان بگذاری) میوه‌ای جز پشیمانی به بار نمی‌آورد.

۱۳- گزینه ۱ واژه قافیه (بری) در بیت ۱ مفعول است. در سایر ابیات، واژه قافیه نقش نهاد دارد. برای بررسی نقش واژه قافیه مصراع‌های دوم را طبق فارسی معیار مرتب می‌کنیم:

۱ نشنیده‌ام که سرو بری چنین [را] آورد.

نهاد مفعول

۲ دیگر مادری چو تو فرزند نیاورد.

نهاد مفعول

۳ در این گزینه، فعل جمله مصراع دوم در آخر مصراع اول آمده که بعد از مرتب کردن جمله به نقش واژه قافیه می‌رسیم: هیچ منظری زیباتر از تو در نظرم نیامده است.

نهاد

۴ مصراع دوم دو جمله است که یکی از افعال حذف شده است:

[آن رو] چنان پرتو دهد که اختری شب تیره [پرتو دهد].

مفعول

نهاد

۱۴- گزینه ۲ تعداد جملات بیت سؤال:

می‌رفت فروغی ز سر کویت (۱) و می‌گفت (۲) ای کاش (= کاشکی این چنین بود) (۳) که از دست دل چنین زار نبودم (۴)

تعداد جملات ۳

از دیده دل سوختگان چهره می‌پوشان (۱) ای آینه (۲) هش دار (= به هوش باش) (۳) که صاحب نفسی هست. (۴)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ دلا (۱) من قدر وصل او ندانستم (۲) تو می‌دانی (۳) کنون دانستم (۴) و سودی نمی‌دارد پشیمانی (۵)

۲ به آن چه می‌گذرد (۱) دل منه (۲) که دجله بسی پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد (۳)

۴ می‌گویند (۱) بی تو تعطیل است کار عشق بازی (۲) عشق اقا کی خبر از شنبه و آدینه دارد (۳)

۱۵- گزینه ۲ در این بیت، «واجب» نقش مسند دارد؛ ولی «کوته» مفعول نیست؛ بلکه در جمله آخر نقش مسند دارد:

واجب آید که مقال [را] کوته کنم.
مسند مفعول مسند

فعل از مصدر «کردن» اگر به معنای «گردانیدن» باشد به مفعول و مسند نیاز دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «خَصَر»: متمم ← ادات تشبیه «چون» از نظر دستوری حرف اضافه است و کلمه بعد از آن متمم. «جان‌فزا»: مسند ← فعل «یاد» داعی و در معنای «باشد» است و اسنادی محسوب می‌شود و نیاز به مسند دارد:

عمرت، جان‌فزا باد.

نهاد مسند

۲ «همچون قمر» مسند است؛ یعنی در این جمله مسند از حرف اضافه و متمم تشکیل شده و درست‌تر بود که زیر «همچون ستاره» خط کشیده می‌شد (در هر حال چون ۴ پاسخ آشکار تست است؛ از این گزینه می‌گذریم). «اثر» مفعول است ← «این سخن» اثر ندهد ← چه چیزی را ندهد؟ اثر [را]

۳ زیر هیچ واژه‌ای خط کشیده نشده؛ احتمالاً منظور طراح تست از مضاف‌الیه واژه «عالمی» و منظور از نهاد واژه «مرهمی» بوده است؛ در مصراع دوم «است» فعل غیراسنادی و در معنای «وجود دارد» است. معنی مصراع دوم: برای هر درد در کف ما مرهمی وجود دارد.

۱۶- گزینه ۲ در این دو بیت، یک منادا وجود دارد: ماه‌روی؛ ولی هیچ جهش ضمیری اتفاق نیفتاده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ تعداد جملات: بدو گفت (۱) کز من رهایی مجوی (۲) چرا جنگ جویی تو (۳) ای ماه‌روی (۴) نیامد به دامن به‌سان تو گور (۵) ز چنگم رهایی نیابی (۶) مشور (۷)

۲ فعل‌های «گفت»، «مجوی»، «جویی» و «نیابی» فعل‌های مفعول‌پذیر هستند.

۴ فعل مضارع اخباری: جویی (می‌جویی) - نیابی (نمی‌یابی) فعل ماضی ساده: نیامد

۱۷- گزینه ۲ مفهوم مشترک ۲ و صورت سؤال این است که رفتار هر کس مطابق ذات اوست.

معنی بیت ۲: سنگ سیاه اگر جان بدهد، لعل سرخ نمی‌شود. با طینت اصلی‌اش چه می‌تواند بکند؟ بدگهر خلق شده است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ گوهر ذاتی برتر از اصل و نسب است.

۳ برتری سیرت بر صورت

۴ ذات هر کسی به هستی او متکی است، اما ذات من بر نیستی بنا شده است.

۱۸- گزینه ۱ مفهوم بیت سؤال حتمی‌بودن مرگ است. در گزینه‌های ۱ و ۲ مفهوم مرگ به نوعی وجود دارد اما در ۴ مفهوم حتمی‌بودن و گریزناپذیربودن مرگ آشکارتر و پررنگ‌تر است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ فقط پس از مرگ، از مرده به نیکی یاد می‌کنند.

۲ عاقبت شوم ظالمان / ناپایداری قدرت

۳ وقتی مرگ حتمی است، مردن به دست دوست بهتر است.

۱۹- گزینه ۱ در همانند بیت سؤال، سخن از به ثمر نشستن گریه و زاری عاشق است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲ اسیر و مطیع بودن در برابر حسن یار

۳ بی‌اثر بودن اشک و گریه

۴ رنج کشیدن مقدمه کمال و ارزشمندی است.

۲۰- گزینه ۲ در عبارت صورت سؤال، سخن از آفرینش دل انسان با عشق و محبت است که این مفهوم در ۲ از همه گزینه‌ها روشن‌تر آمده است. در سایر گزینه‌ها ازلی‌بودن عشق دیده می‌شود ولی تنها در ۲ است که از آفرینش دل هم سخن رفته است. کَلک: قلم

۲۱- گزینه ۴ فقط سخن از اشتیاق عاشق به معشوق است و رساندن خود به یار. اما در سایر گزینه‌ها مفهوم اصلی این است که پا گذاشتن بر وجود مادی شرط رسیدن به وصال است.

۲۲- گزینه ۲ در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ همانند عبارت سؤال سخن از این است که تواضع و فروتنی سبب بلندمرتبه‌گی است. اما در ۲ شاعر خود را بی‌قدر و منزلت می‌داند و خنده هم‌چون شراب مخاطب را ارزشمندتر از آن می‌داند که صرف وجود خاکی همچون جام سفالین او شود.

۲۳- گزینه ۱ مفهوم مشترک عبارت سؤال و ۱ از چاله به چاه افتادن است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲ نتیجه ظلم هر کس به خودش بازمی‌گردد.

۳ غم نصیب عده‌ای می‌شود و شادی نصیب عده‌ای دیگر.

۴ آشکارشدن فریب و رسواشدن / از عرش به فرش افتادن

• سرزیر: سرنگون

۲۴- گزینه ۲ سخن از دیدن نشانه‌های عشق و سیر کردن در عالم عشق است. اما در سایر گزینه‌ها همانند بیت صورت سؤال، مفهوم اصلی ناشناختنی‌بودن خداوند است. گزینه‌های ۱ و ۴ با مصراع اول و ۲ با مصراع دوم بیت سؤال تناسب معنایی دارند.

۲۵- گزینه ۲ بررسی هر کدام از گزینه‌ها:

۱ ترکیب‌های اضافی: عزم شما / آفرین‌گوی رزم / رزم شما / باور شما (شما را باور) / نگهبان شما (شما را نگهبان): ۵ ترکیب اضافی ۲ استعاره: در مصراع اول در شگفتی‌شدن فلک، تشخیص و استعاره ممکنه دارد. / اغراق: متعجب‌شدن فلک و آفرین گفتن فرشتگان اغراق است. / جناس: عزم و رزم

۳ «در شگفتی» مسند است و «شما» مضاف‌الیه. دقت کنید فعل جمله اول اسنادی است و نیاز به مسند دارد و «در شگفتی» مسند است. در مصراع سوم هم فعل «بُود» به هیچ عنوان مفعول نمی‌خواهد و «را» نمی‌تواند نشانه مفعول باشد. «را» از نوع فک اضافه است و اجزای ترکیب اضافی «باور شما» را از هم جدا کرده است.

۴ مفهوم مشترک ابیات سؤال و آیه قرآن این است که خدا برای کسی که توکل می‌کند، بهترین نگهبان است.